UNIVERSAL
LIBRARY
OU_228731
UNIVERSAL
LIBRARY

کتابخانه سینما

رنگین



کهان

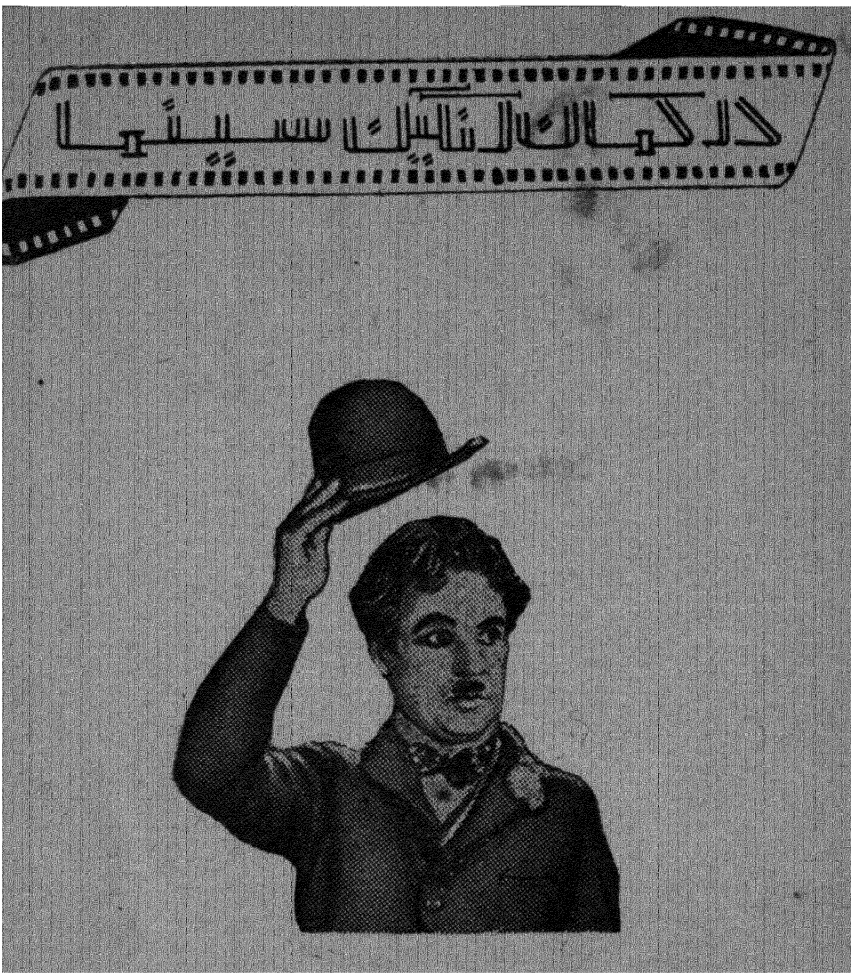
سینما

بقلم

طغرل افشار

فروردین ماه ۱۳۳۳

چاپ مسعود سعد



بقلم

طغرل افشار

فروردین ماه ۱۳۳۳

چاپ مسعود سعد

قسمت اول

مختصری درباره میزان ارزش و اهمیت هنر سینما

مقدمه

در این ۶ سالی که قلم بدست گرفته و درباره هنر سینما مطلب پردازی میکردم و یا بعبارت بهتر محصولات سینمارا برای مردم مورد بحث وانتقاد قرار داده ونکات مختلفی که چه ازلحاظ هنری وچه ازلحاظ اخلاقی واجتماعی کم و بیش در بعضی ازفیلم‌ها وجود دارد میان می‌نمودم ... همیشه در فکر آنبودم که به وسائل مختلف که جنبه عملی آن بیشتر و موثر تر باشد اقدام بمعرفی و بیان صحیحی از این هنر بزرگ بنمایم تا شاید بدین وسیله افکار اجتماع درباره سینما آنطور که لازم است روشن شده ودوستداران این هنر میدان بیشتری برای توسعه فکر وذوق هنری خود پیدا کرده ومباحث ومطالب انتقادی هنری جای گزین مطالب مبتذل و پوچ سینمائی جرایدگردد البته در این راه موانع زیادی بوجودآمد مبارزه عجیبی جریان یافت که هنوز برای اجتماع مازود می‌نمود پائین بودن سطح فرهنگ آشنا نبودن اکثریت مردم با مبادی هنرهای مختلف و عدم آمادگی اذهان بعلت بحرانهای سیاسی و اقتصادی یکی ازعواملی بود وحالاهم هست که‌ازتوجه مردم برای‌درک واقعیات هنری سینماما نع می‌شود.

ولی از آنجائی که سینما درطی مدت‌زمان یگانه و بهترین وسیله تفریح عمومی مردم تهران وشهرستانها شده است ودرواقع بد یا خوب بهترین وسیله سرگرمی ووقت گذرانی مردم را تشکیل میدهد بدین جهت باید معتقد شد که در صورت آشنابودن‌مردم باقسمت‌های‌مختلف سینما ونکات‌وجنبه‌های‌یکایک‌محصولات سینمائی ومبارزه برای طرد فیلم های مبتذل تجارتی و بالعکس نمایش محصولات عالی وآموزنده سینما قدم موثری برای توسعه روشن‌بینی و فرهنگ توده‌ـای مردم برداشته خواهد شد زیرامن وشما بخوبی میدانیم سینما که مجموعه کامل ازهنر های مختلفه است چه تاثیر شگرفی در افکار وروحیات یکایک مردم که به‌ـ سینما میروند باقی‌می‌گذارد بنابر این من‌لازم میدانستم که‌یک مجموعه کاملی‌درباره سینما منتشر نمایم تاشایدبدین‌وسیله مقدمه ای برای ایجاد یک میدان وسیع برای یک مبارزه دامنه‌دار هنری درباره سینما شده باشد وهنرمندان سینما بخاطراهمیت

این هنر ازلحاظ اجتماعی ، بخاطر مبارزه درراه یك هدف مقدس وصحیح هنری در راه خلق قدمی بجلو بردارند ... دراین مجموعه مختصری از تاریخچه پیدایش صنعت سینما ـ سینما توگرافی در کشورهای مختلف ـ اساس فیلم برداری درایران اجمالا شرح داده شده وسپس بهتریه فیلم‌های ۳سال اخیر معرفی گردیده وده فیلم بزرك سال ۱۳۳۲ که درتهران نمایش داده شده‌اند بطورکامل ازلحاظ هنری و اجتماعی مورد بحث و انتقاد قرار گرفته‌اند البته در طی این بحث وانتقاد کلیه نکات و جنبه‌های هرفیلم تفسیر شده و میزان تاثیر آن از لحاظ اجتماعی بیان میگردد . . درطی این مجموعه که بیشتر در اطراف مباحث انتقادی فیلم ها دور میزند سعی نموده‌ام که کلیه نکاتی راکه می‌توان درروی پرده سینما دید ووجه تمایز محصولاتی که ازلحاظ افکارعمومی و اجتماع مترقی مبتذل وگمراه کننده می باشد یا محصولاتی را که می‌توانند درپرورش فکری وروحی افراد و نمایش حقایق وجریانات زندگی باآنها وآموختن نکات مفید ورل موثری راایفاکنند بیان نمایم

یك مسئله دیگر که باید مورد توجه خوانندگان عزیز واقع شود اینست که ما باید از سینما که بهترین وسیله تفریح قرار گرفته است مانند یك هنرآموزشی ومترقی استفاده ببریم و بسینما مانند تنها وسیله تفریح وخوشگذرانی ننگریسته وآنرا وسیله وقت‌گذرانی یا شایدهم وقت کشی ندانیم ولباید عمیق معنوی را بلذایذ پوچ سطحی وموقتی نفروشیم . . همانطور که بین آثار برجسته ادبی نویسندگان بزرك با رمانهای مبتذل وپوچ رمان نویس‌های عادی ویا بین آثار و قطعات کمپوزیتورهای برجسته با سازندگان آهنك‌های تفریحی فرق میگذاریم بین محصولات کوچك تجارتی ومحصولات بزرك هنری که دارای جنبه‌های تربیتی اخلاقی و اجتماعی هستند تفاوت بگذاریم بخاطر هنرمندانی که ذوق ، فکر ، احساسات وبالاخره نبوغ خود را وقف ایجاد ابتکارات تازه‌تر وپرورش هنر برای ما ونسلهای آینده کرده‌اند، ما بخاطر این فداکاری و ازخودگذشتگی خودرا مستلزم بدرك نتایج کار وآثار زحمات فکری آنها بدانیم ومطمئن باشیم که کسانی که از نزدیك باحقیقت هنر و زندگی وزیبائی آشنا میشوند می‌توانند سعادت حقیقی را بچنك آورده و بسهم خود عامل موثری برای هدایت همنوعان خودوتامین جزئی ازسعادت نسلهای آینده بشوند مقصودم ازذکر این مطالب اینست که ماهراندازه خودرا باهنروافکارهنری نزدیکتر سازیم بهتر می‌توانیم بازندگی ومنابع فرهنگی آن آشناشده ودررستاخیر تکامل بشر سهیم باشیم همانطورکه علم وصنعت بطور سریعی ترقی میکند وزندگی مادی وحیاتی بشر را قرین سعادت میسازد هنر های ظریفه نیز باید جهت پرورش عالم معنوی واحساسات درونی وفردی انسان ترقی وتوسعه یابند ما بامختصر توجهی می‌توانیم پی ببریم که نوای موسیقی ، تصاویرمتحرك والوانی که ما می‌بینیم تاچه اندازه در روح وفکر ما موثر است هنر سینما مجموعه کاملی ازهنرها است صنعت فیلم برداری نمایشی اززندگی است یعنی آنچه درزندگی بشر جریان دارد به وسیله سینما نشان داده میشود .

هنر نقاشی ، مجسمه سازی ، حجاری ومجموعه جریاناتی که درزندگی وجوددارد در روی پرده سینما دیده میشود بازی انسانها برای مجسم نمودن پیسوناژهای تاریخی و یا

آثار قلمی نویسندگان و مهم‌تر از همه‌موسیقی‌متن‌فیلم‌که بزرگترین عامل‌پرورش داستان و فکر وصحنه های هرفیلم است وبالاخره جریانات روز مره زندگی بشر وجنبش های طبیعت‌که درفیلم‌های دکومانته (مستند) دیده‌میشودشمه‌ای ازچیزهائی است‌که سینما بما نشان میدهد .. ولی‌متاسفانه در زمان حال‌هنر سینمادرغالب‌کشور ها وسیله‌سوداگری ومنفعت‌جوئی عده‌ای سرمایه‌دار قرارگرفته‌است‌که ازآن‌مانند یك امتعه وکالای تجارتی‌استفاده‌کرده‌وبه‌همین‌جهت‌غالب محصولات سینمائی کمپانی های تجارتی آثارمبتذل و بدون هدفی هستند‌که ازجریانات وصحنه‌های ساختگی تجارتی تشکیل‌یافته‌اند در مباحث این‌کتاب مطلب‌فوق فوق‌العاده مورد توجه‌قرار گرفته‌است.تاوجه تمایز محصولات تجارتی بامحصولات هنری آشکارگردد

دراینجامن‌لازم‌میدانم‌ازحسن‌نیت،دوستی‌ومودت بی‌پایان کسانیکه‌دراین‌چندسال‌در این مبارزه‌هنری بامن همفکری وهمکاری نمودوچه معنا وچه‌عملا وچه بانامه‌های متعددکه برایم ارسال داشته‌اند مرادر این مبارزه پیشتیبانی کرده‌اند تشکر نمایم ودر این‌میان‌ازدونویسنده مترقی‌همکارخودیعنی آقایان **دکترهوشنك کاوسی و فرهاد فروهی** نیزیادکرده‌ودرعالم‌تنهائی‌ازدوستان‌هم‌نظرقلمی‌خود ابراز امتنان نمایم. درخاتمه ازخوانندگان عزیز خودتمنا دارم‌که عقایدو نظریات خود رادرباره‌مطالب این‌کتاب‌هراندازه‌هم‌که باشددقیقا بروی‌کاغذآورده وبآدرس من (خیابان جامی ــ کوچه‌قابوس ــ کاشی ٦ ـ طغرل‌افشار) ارسال نموده و مراقرین امتنان فرمایند.

این یگانه مجموعه سینمائی راباهل‌قلم‌و ارباب‌ذوق‌وهنر وعموم‌دوستداران هنرو سینما اهداء میکنم‌وآرزودارم‌که بتوانم‌بعدهادر راه‌این‌هدف‌توسط‌هنرمندان واقعی قدمهای موثرتر وبزرگتری برداشته‌شود . وهنرسینمادر ایران با سرعت بیشتری توسعه وترقی‌یافته ومیزان روشن‌بینی عموم مردم توسعه یابد. **مولف**

مختصری از تاریخ پیدایش سینما

در حدود هفتاد سال قبل در فرانسه عده‌ای عکاس بوسیله پروژکتور باترتیب دادن عکسها پشت سر هم یك نمایش شبیه به شهر فرنك ترتیب میدادند در واقع در عملیات خیمه‌شب‌بازی وشهر فرنك مختصر ابتکاراتی بکار برده آنرا بشکل یك نمایش متحرك عکاسی درمیآوردند ، همچنین نقاشها باکشیدن تعداد زیادی تصویر داستانی را مجسم میکردند و اینهم مقدمه برای اختراع اساس فیلمهای مولتی ـ پلیکاسیون بود که پس از اختراع سینماتوزج گرفت . بالاخره در ۶۳ سال قبل «لوئی لومیر» دانشمند فرانسوی پس از تجربیات فراوان موفق به اختراع دستگاه فیلمبرداری شدوسپس در سایه مجاهدت عده‌ای دیگر اهل فن این صنعت ظریف توسعه پیدا کرد و چون بهترین وسیله تامین اذهان بشری مردم بود با استقبال بی نظیری روبرو گشت تادامنه آن بسایر کشورها وممالك جهان نیز کشیده شدو کشوری که زودتر ازهمه از این اختراع اقتباس و استفاده نمود امریکا بود که دستگاه فیلمبرداری راکامل کرده وباجلب توجه عده‌ای صاحبان سرمایه موسساتی برای تهیه محصولات سینمائی ایجاد کرد ، ازلحاظ جنبه هنری وصنعتی نیزدر فرانسه و انگلستان اقدامات زیادی برای توسعه سینما بعمل آمد. در زمان جنك بین الملل اول محصولات متعددی بروی پرده آمد ولی سینما هنوز نمایش ناقصی بود که بزرگترین نقص آن را صامت بودن تشکیل میداد تا اینکه با اختراع سینمای ناطق درسال ۱۹۲۹ تحول جدیدی نظیری بوجودآمد و این تحول مقدمه‌ای برای ترقی و توسعه این هنر گردید منتهی البته جهدو کوشش بیشتر برای توسعه ترقیات فنی وصنعتی این هنر بود و بمسئله اجتماعی آن کمتر توجه میشد ولی باهمه این در این میان کسانی هم یافت شدند که برای حفظ جنبه هنری سینما تلاش نمودو نهضت هاوسینه کلوبهای و استودیوهای هنری سینما برای تهیه و نمایش محصولات باارزش تشکیل دهند . در سالهای اخیر یك قدم بزرك و موثرتر برداشته شد بدین معنی که فیلمهای سه بعدی اختراع گردید و سینه‌راما وسینه سکوپ بوجود آمد آماردقیق نشان میدهد که درهرسال بلکه هرماه و هرروز هزاران نفر بر تعداد علاقمندان وتماشاچیان سینما افزوده میشوند درهر هفته در جهان دویست و پنجاه ملیون نفرسینماها را پروخالی میکنندو ده‌هاهزار نفردر نتیجه مشاهده و تعلیم یافتن توسط سینما بافکر روشن‌تر وقویتر پادر اجتماع می نهند ازسینما مانند یك وسیله موثر هدایت اجتماعی و تعلیمات علمی و صنعتی جهت عموم طبقات مردم کما بیش استفاده میشود و این هنر درطی نیم قرن سابقه خود بعنوان یکی ازموثرترین وسائل تعلیم و تربیتی و کاملترین هنر انسانی شناخته است.

سینما در کشورهای مختلف اروپائی و امریکائی

اروپا این نر را هم مانند سایرهنرها خوبی در دامان خود پرورش داده و در کشورهای متمدن ومترقی اروپائی برای توسعه، تکمیل و ترویج سینما اقدامات موثری بعمل آمد دراین میان کشورهای آلمان و فرانسه پیشقدم بودند، امریکا نیز مانند همیشه این اختراع را گرفت وتکمیل کرد وسرانجام هم از لحاظ تکنیك ومیزان محصول حائز رتبه اول گردید هنرمندان عالم سینما اعم ازفیلمبردار رژیسور وهنرپیشه و.... درسایه همکاری همگانی تشکیلات متحدی ایجادکردند و براهمیت وجنبه اجتماعی سینما افزودند.

درفرانسه که همیشه میدان وسیعی برای یکه تازی افکار و عقاید هنرمندان درزمینه های مختلف هنری بوده است درزمینه سینما هم مکانیب مختلفی بوجود آمد و بسرعت توسعه یافت وحتی مکانیب فلسفی واجتماعی نیز درموضوعات سینمائی راه یافتند و بدین ترتیب سینما یك وسیله بیان افکار مختلفه فلسفی واجتماعی بشر گردید.

تجلی محصولات سینمائی در هر کشوری نموداری از ذوق وطرز تفکر هنرمندان آنکشور گردید بطوری که درجنك بین المللی دوم درکشور آلمان محصولات سینمائی برای تبلیغ فکر ناسیونال سوسیالیزم وفاشیزم درکشور اتحاد شوروی برای شناساندن ترویج ایده انترناسیونالیزم و درفرانسه که جولانگاه هنرنمائی دستجات مختلف است آثار سینمائی بیان کننده یك هرج ومرج فکری و افکار مختلف فلسفی گردید درامریکا کمپانیهای بزرك فیلمبرداری سینما را یك وسیله صرفا تجارتی قرار دادند علاقه مردم بمسئله داستان سرائی سبب شد که در پانزده سال اخیر فیلمهای آرتیسیك که دارای سوژه بوده وهنرپیشگان زیبائی رل پرسوناژهای آن را ایفا می کردند بیشتر تهیه شده و برفیلمهای حقیقی، مولتی پلیکاسیون، وعلمی توفیق یابد و فیلمها در اطراف بازی هنرپیشگان دورزند! بهمین علت کمپانیهای تجارتی بانشر و توزیع عکسهای دلفریب هنرپیشگان زیبا توده‌های مردم جهان را نسبت بسینما راغب وعلاقمند ساختند درطی ده سال اخیر درکشورهای کوچك اروپائی مانند سوئد، مجارستان، چکواسلواکی، اسپانیا، لهستان وهمچنین کشورهای مصر و هند ترکیه صنعت سینما توگرافی بوجود آمد ودربعضی از کشورها ازجمله چکواسلواکی ومجارستان خیلی توسعه یافت واما دراین کشورهای کوچك برخلاف امریکا فیلمها بیشتر بجریانات تاریخی خود آنکشور اختصاص یافت بطوری که ما در محصولات مجارستان ویالهستان بیشتر بموضوعات ومسائلی برخورد می کنیم که به زندگی خود آن ملت در طی تاریخ اختصاص دارد بااختراع فیلمهای سینه مراما وسینما سکوب سینما در جهان وارد مرحله تازه تری میشود وجای شك و تردید نیست که هرسال بیشتر تکامل وتوسعه یافته وآینده درخشانی راهموار خواهد کرد

سینما در ایران

صنعت فیلمبرداری وعمل ابتذال کلیه محصولات سینمائی در ایران

باورود متفقین بایران چیز های نوین وتازه‌ای باینکشور آمد و ازجمله پروژکتور ودستگاههای فیلم برداری بودندکه بتدریج بایران آمده و بعضی فیلم های دکومانته تهیه گردید قبل از جنك جهانی اولین فیلم فارسی که تهیه شدفیلم «دختر لر» بودکه اولین اثرسینمائی ایران محسوب شد این فیلم درسال ۱۳۱٤ در هندوستان توسط یکعده متخصصین سینمائی تهیه گردید و چندین مرتبه هم در تهران نمایش داده شد ولی تاریخچه تهیه فیلم را در ایران باید از پنجسال پیش تاکنون یعنی ازسال ۱۳۲۸ دانست، استودیو میترا فیلم (پارس فیلم کنونی) فیلم « **طوفان زندگی** » را تهیه کردکه در سینماهای رکس ومترو پل به معرض نمایش گذارده‌شد واستقبال‌شدید مردم نسبت باین فیلم‌سبب‌شدکه‌عده بیشماری درصدد تهیه فیلم‌وتشکیل‌استودیو بیفتند ودرظرف یکسال ونیم‌تعداد استودیوهای فیلمبرداری از سی تا هم تجاوزکرد ومحصولات متعددی یکی پس‌از دیگری بروی‌پرده‌آمدند که مردم هم بجرم علاقمند بودن بمحصولات وطن خود دوست داشتن موسیقی ایرانی وفهمیدن مکالمه فارسی از این محصولات که یکی از دیگری مبتذلتر و پوچتر بودند استقبال کردند.

تا کنون‌که شاید بیش‌از سی‌فیلم فارسی بروی پرده آمده است ما جز موضوعات یکنواخت وبدون هدف، صحنه‌های مکرر وخسته کننده، بازی بی‌حالت هنرپیشگان‌وحرکات تآتر ال‌آکترهای‌تاتر، صحنه‌های متشابه‌کاباره وزندان‌وبالاخره رقص وآواز ایرانی‌که حتی‌درفیلمهای دراماتیك نیزوجودپیدا کرده‌اند چیزدیگری ندیده‌ایم. بطورکلی‌نکات‌کلی واساسی زیر در فیلمهای فارسی دیده شده است :

بدبختی یکزن یایکمرد ! موضوعات فیلمها بیشتر دراطراف‌بدبختی یکزن یایکمرد دورمیزند، دختری‌را می‌فریبندیا اینکه‌خودگمراه می‌شودآنوقت او در نتیجه این‌خبط واشتباه دامنش‌آلوده شده ودر منجلاب فساد غرطه‌ور میگردد بعد این زن فاحشه ستمدیده درکاباره بکار پرداخته وتبدیل بیك آوازه خوان ورقاص زبر دستی می‌شودکه محبوبیت عجیبی بهمرسانیده است !! بعضی اوقات در یك موضوع مانند موضوع فیلم «افسونگر» بدخترنجیبه وعفیفه‌ای برخوردمیکنیم

که اوهم آوازه خوان کاباره میشود و بدین ترتیب زندگی یك نجیبه بایك معروفه بیکجا آنهم آوازه‌خوانی ختم میشوند.. برخی اوقات مسئله بدبختی یکزن تبدیل ببدبختی یکمرد میشود در اینصورت مرد جوان متمولی درنتیجه اشتغال بقماروعیاشی کلیه ثروت وهستی خودرا از دست داده ولگرد وسرگردان وفقیرشده و حتی زندگی خانواده‌گیش نیزازهم پاشیده میشود عاقبت این جوان نیز مرك ونیستی است اگرنظری بموضوعات فیلمهای دراماتیك فارسی بیفکنیم غیر از آن در آن چیزی نمی یابیم.

درفیلمهای «بی‌پناه» - «چهره‌آشنا» . «محکوم بی گناه» «شبهای تهران» بدبختی وسقوط یکزن ! و در فیلم های «ولگرد» «غفلت» سقوط وتیره روزی یکمرد درنتیجه قمار وعیاشی اساس مطلب‌موضوع فیلمرا تشکیل میدادند.

لودگی و مسخرگی! اگربفیلمهای کمدی موزیکال توجه کنیم به حقایق تلخ‌تری پی‌می‌بریم موضوعات کمیك فارسی ازمشتی عملیات‌مسخره ولودگی وهجوسرائی تشکیل یافته که مفهوم‌آن تمسخرزندگی ونتیجه‌آن ایجاد هرج‌ومرج وبوچی‌فکرمیباشد. در اینموضوعات که بیشتر بمسخره شبیه هستند تابکمدی‌زندگی انسان مورد استهزاء قرارمیگیرد وبملت نیز حقارت میشود نمونه این‌طرز عمل و مسخرگی را میتوان درفیلمهای حاکم یکروزه جدال باشیطان و دخترچوپان دیدا وقبول کردکه ازهنرفطری بازی‌کنان ایرانی برای ایجاد مضحکه سوءاستفاده‌شده ومی‌شود !!

تنظیم یکفیلم کامل: استودیوهای فیلمبرداری برای تنظیم‌و تکمیل فیلم‌خود گاه دست بتهیه صحنه‌های اضافی وبیمورد میزنندکه جریانات این صحنه‌ها کاملا خارج ازموضوع اصلی‌سناریو است و علت این امر اینست که چون میزان کار وتقسیم سناریو از اول تنظیم نشده است ناگاه کارگردانان متوجه میشوند که باید چندصحنه‌اضافه نمایندتافیلم‌کوتاه نشود! آنوقت است‌که صحنه‌سازیهای‌ساختگی شروع میشود.. درفیلم «دخترچوپان» اگر دقت‌کرده باشیم بهمین نکته پی‌می‌بریم، متراژ خیابانهای تهران از خیابان فردوسی تاتخت جمشیدگرفتن‌پنچری ماشین صحنه‌هائی‌است‌که‌برای پرکردن فیلم بکار رفته است.

یك موضوع‌کوتاه بی‌سروته را بامشتی صحنه‌سازیهای ساختگی و مسخره سرهم بندکرده وبنام فیلم‌وسینما بخورد مردم میدهند صحنه‌های طولانی آواز و منظره‌سازیهای‌فیلمها همه‌قسمتهائی هستندکه برای تکمیل‌ساختن مدت‌فیلم اضافه شده‌اند وعلت اساسی این‌امر همانا عدم تنظیم قبلی سناریو میباشد.

نکات یکنواخت: مسئله دیگری راکه درتمام فیلم‌های فارسی اعم از درام وکمدی میتوان پیداکرد وجودکاباره ، زندان ، ورقص وآوازمیباشد، این موضوع درعین‌حال‌که بی‌اندازه مضحك‌است‌جنبه تاسف‌انگیزی نیزدارد !!! کاباره وزندان واخیرا هم صحنه‌دادگاه از مستلزمات فیلم های فارسی‌شده است ، هنوز



ستاره اول فیلم آواز میخواند!

چند صحنه ازشروع فیلم نمیگذرد که ناگهان باصحنه یك کاباره روبرو میشویم رقاصه ای زیبا باطنازی !! هرچه تمامتر مشغول رقص عربی و قرادادن کمر است درطرف مقابل او خواننده ناکامی نیز در حالیکه اشك میریـزد ؛ شعر دلدادگی و غم روزگار رامیخواند درمحوطه کاباره عده ای نشسته اند که منظره آنها مانند کسانی است که بتماشای کنسرت یا تآتر رفته باشند ، همه جور آدم که بهیچوجه با هم تناسبی ندارند صندلی ها را اشغال کرده وچون اشخاصی هستند که ظاهر شدن درروی پرده سینما برای آنها یك خاطره هیجان انگیز فراموش نشدنی است درمقابل آپاره ظرفیت و اراده خودرا ازدست داده وباحرکات غیرطبیعی ناراحتی خودرا نشان داده وحتی گاهی نگاهی دزدکی بعدسی دستگاه فیلمبرداری میکنند وحتما در آنموقع نعره گوشخراش آقای رژیسور را بلند میکنند: نکته دیگر درفیلمها وجود زندان میباشد وچون در داستان فیلم همیشه بدبختی وسقوط زن ومرد وجود دارد این بدبختی اول با زندان شروع میشود واین صحنه زندان مقدمه شروع بدبختی است ! صحنه های یکنواخت کاباره را درفیلمهای «گل لئا» - «مادر» - «افسونگر» - «بی پناه» و ... دیده ایم ! واما رقص وآواز !! معلوم نیست روی چه اساسی هنری یاسینمائی جز یك اساس صرف تجارتی برای فیلمها وجود رقص عربی را تقریبا اجباری نموده اند . هنگامیکه برای تماشای یك فیلم کاملا درام رفته اید وانتظار دارید که با نکات وجریانات کاملا جدی از وقایع دردناك زندگی روبرو بشوید ناگهان دراواسط فیلم بدون مقدمه خود را بایك صحنه رقص عربی که معمولا درکاباره ها اجرا میشود روبرو می بینید در فیلم دراماتیك «غفلت» کار بجائی کشیده بود که در وسط اطاق یك منزل معشوقه هنرپیشه فیلم لخت شده وعربی میرقصید ، البته بانهایت تاسف باید قبول کنیم که شادی ونشاط بعضی از خانواده های اصیلزاده ما در مراسم جشنهای خانوادگی نیز آوردن و رقصاندن رقاصه های نیمه عریان کافه های پست میباشد ولی نباید فراموش کنیم که ما باید سینمارا یك هنرآموزش اجتماعی بدانیم نه یك وسیله نمایش هرزگی وفساد زندگی !! در موضوعات اجتماعی میتوان فساد را نیز مجسم نمود

تنها نباید آنرا بیك شکل عادی و زیبا و پرشکوه و جلال وحتی مطلوب جلوه داد!

بغیر از رقص عربی نیز رقص دیگر دراین فیلمها کمتر دیده میشود ، از این گذشته آواز خواندن در فیلم چه درام چه کمدی یك امر قطعی ولازمی قلمداد شده! آنهم ستاره اول فیلم که مشغول ایفای یکرل تاثر انگیز درام اخلاقی میباشد آوازه خوان از آب درآمده ودر کاباره‌ها دروصف لب ولوچه کودکش میخواند ... باید



صحنه کاباره درفیلم بازگشت

اذعان کرد که تاکنون دیده نشده است که دریك فیلم فارسی آوازخوانده نشود!!...اینکار برخلاف اصول وقواعد هنری سینما است ! آیا هیچگاه دیده شده است که دریك فیلم تراژدی ویادرام اخلاقی محصول خارجی ستاره فیلم درکاباره آواز بخواند ، کار این آوازه‌خوانیهای بیمورد که دربرخی ازفیلمها بکلی زیادی محسوب میشدند بجائی رسید که درفیلم «مادر» ستاره اول فیلم دهها قطعه شعردروصف لب ولوچه کوه کش ومرك یارش وخوبی وبدی هواخواند ویك سوژه درام تبدیل بیك فیلم موزیکال گردید !! باید تصدیق کنیم که با توجه بقواعد تهیه یك فیلم وجود چنین نکات دائمی نامتناسبی صرفنظر از برهم‌زدن جنبه هنری از لحاظ اصول نیز غلط وزننده است و بدن‌شك هدف مادی و تجارتی صاحبان استودیوها موجب وجود چنین نکات متضادو نامتناسبی درفیلمهامی‌شود بطوریکه آواز ورقص تاکنون باشکال مختلف درکلیه فیلمهای فارسی بدون استثناءوجود داشته است.

بازی هنرپیشه‌ها در وجود دختران و پسران ایرانی کم و بیش استعدادهای فطری نهفته است واین استعدادها در بعضی ازهنرجویان بمنصه ظهوررسیده وبدینجهت باید اطمینان داشت که چنین استعدادهائی درصورتی که بطور صحیح بایك متد و

روش هنری پرورش یابد بطور قطع امکان بوجود آمدن هنرپیشه های بزرگی را قطعی خواهد ساخت . هنگامی که تهیه فیلم‌های فارسی آغازشد باستثنای عده‌ای از هنر پیشگان تاتر کسی بنام هنر پیشه سینمادرایران وجود نداشت ازتهیه کنندگان فیلم‌هم عده‌ای دست بدامن هنرپیشگان تآتر شدند و عده‌ای دیگر نیز ازدوستان و اطرافیان خود برای بازی‌در فیلم استفاده کردند بدین‌ترتیب بازیکنان سینمای‌ایران یا ستارگان درخشان کنونی آکتورهای‌بدون حالتی‌هستندکه درغالب آنها کوچکترین چیزی بنام استعداد دیده نمیشود این بازیکنان بی‌حالت که در فیلمهای متعددخود حالات یکنواخت چهره‌و بازی خودرا حفظ‌کرده و ازیگانه قالب اصلی خودبیرون نمیآیند در نتیجه فقدان کلاس تربیت هنرپیشه به مفهوم حقیقی بازی آشنانشده‌اند اکثرا اززن ومرد متوسل به‌ژست های تصنعی و غیرطبیعی مثلا ابرو انداختن‌خمار کردن چشمها یاکج‌وکوله ساختن خطوط چهره میشوند که نتایج مشاهده بـازی هنرپیشگان خارجی درآنهاست بعضی دیگرکه تازه پا بعالم سینماگذاشته اندآنقدر دچار تزلزل اراده میشوندکه دست‌وپای خودرا درمقابل دستگاه فیلمبرداری گم کرده و حرکات غیرطبیعی از خود نشان میدهند این بازی هنرپیشگانی‌است که‌در تاتر اصلا بازی نکرده‌اند و اما بهترین هنرپیشگان سینما را همان هنرپیشگان تاتر تشکیل میدهند که متاسفانه بازی آنهانیز کاملا بسبك‌تاتر است و برخی‌اوقات‌بقدر دست وسرخودرا حرکت میدهندو بسبك دکلاماسیون صحبت میکنندکه بیننده‌ای که با قواعدسینمائی آشناباشد دچار وحشت میشود تنها اینهادیگردست‌خوشبختانه دست و پای خودرا در مقابل دستگاه فیلمبرداری گم نمیکنند

سرهم بندی یا کم‌خرجی

یك مسئله اساسی که موجبات ابتذال وعدم پیشرفت سینماتوگرافی رافراهم‌میآورد همانامسئله‌سرهم بندی درتهیه وتنظیم‌صحنه‌های فیلم‌است چندباردیده شده‌که‌ازیك دکورکوچك و ناچیز برای چند فیلم استفاده‌میشود استودیوها برای اینکه خرج کمتر بکنند سعی میکنندکه اولا زمان ومکان داستان‌را طوری قراربدهندکه کمتر احتیاج به مسافرت یا تهیه دکورهای عظیم داشته باشند درغالب فیلمها دکورها بقدری فقیرو ناچیز بوده‌اندکه خانه و اطاق یك‌اشراف را بیشتر شبیه باطاق یك فقیر ساخته‌اند که چند تابلو ذیقیمت بر دیوارهای آن نصب شده است‌همین کم خرجیها و سرهم بندی‌ها اساس موضوع فیلم را پایمال ساخته و امکان هنرنمائی برای شرکت کنندگان در فیلم را نمی‌دهد شما خود فکرکنید که با این سرهم بندی ها با توجه به مقاصد غیر هنری تهیه کنندگان فیلم محصولات سینماچه‌باید ازآب دربیاید ؟

با هم بیك استودیو برویم

برای اینکه بهتر بوضعیت استودیو آشنا شویم بهتر است چند لحظه‌ای به استودیو ها بیائید واقعیات تلخی در پس پرده سینما در ایران نهفته است که مانند سایر حقایق زندگی ما تلخ و ناگوار است (البته برای کسانیکه آنرا حس کنند)!

مقصودم از این شرح و توضیح بیان نکات وحقایقی است که مانع ازرشد و تکامل و ترقی سینماتوگرافی و ابتذال محصولات سینمای ایران میشود ، این حقایقی است است که نویسندگان و ارباب جراید مترقی ! نیز بدان توجهی نمی‌کنند و صفحات خود را اختصاصی به تعریف و تمجید های بیمورد و زننده از محصولات فارسی داده و نام این طرز عمل را تشویق می‌نهند!

در حالیکه این طرز عمل گذشته از اینکه مانع از ترقی و توسعه فیلم ـ برداری میشود جنبه مسخره‌ای بخودگرفته و موجبات انحراف وعدم پیشرفت و حتی دلسردی هنر مندان واقعی را که در میان این منجلاب تلاش می‌کنند فراهم می‌آورد .

من این صفحات را اختصاصی بتعریف وتمجیدهای بیمورد نسبت بکارکنان سینمای ایران نمیدهم ، زیرا عقیده مندم که باید بیشتر اشتباهات وانحرافات را متذکر شد و بدون جهت اشخاصی را بزرگ نکرد بلکه با وجود اینکه صاحبان استودیوها بنظریات افراد مطلع و یا نوشته‌های انتقادی که برای راهنمائی آن ها بوده است کمتر توجه داشته‌اند بازهم مبارزه را باید تاسرحدی ادامه داد که هنر سینما بتواند در راه صحیحی جریان پیدا کند وهدف هنری جایگزین مقاصد صرف مادی گردد .. برای اینکه بیشتر بطرز تفکر افراد وطرز کار استودیو پی ببریم با هم بچند استودیو برویم :

دریك استودیو جدیدالتاسیس

تقریبا یکسال و نیم پیش بود که یکی از دوستان بااصرار زیادی مرا برای آشنائی بیکی از استودیوهای جدیدالتاسیس برد ساعت تقریبا ۴ بعدازظهر بود که باتفاق از پله‌ها بالارفتیم .. دوستم در مقابل دری ایستاد چند ضربه آهسته زد باشنیدن کلمه بفرمائید ما داخل شدیم و من خود را با جوانکی روبرو دیدم که فوق‌العاده شیك پوشیده و با لهجه نیمه فرنگی صحبت می‌کرد ... دوستم بنا بتقاضای قبلی خودم مرا بعنوان یك علاقمند ساده بدون ذکر نام به مدیر و کارگردان استودیو که همان آقای جوان بود معرفی کرد دستور چائی داده شد و آقای تهیه کننده و

کارگردان و رئیس استودیو ... که قطعا تمام هوش وحواسشان متوجه کارخود شان بود و می‌خواستند زرنگی وهنر خود را برخ ما بکشند دائما ازکار خـود صحبت میکردند من نیز بمقتضای کنجکاوی ذاتی که نسبت بدین مسائل دارم درضمن صحبت برای کسب اطلاعات بیشتر پرسیدم که تشکیلات استودیو شما چگونه است؟ در جوابم گفت:

دو اطاق بیله و یك محوطه انبار مانند محل کار ما است، یك پروژکتور کوچك هم از یك استودیو بقرض گرفته‌ایم!!

خوب تصور کردم این هنرمندان فقیر و فداکاری هستند که بعلت علاقه مفرط به فیلم برداری از هیچ و عطر زکاری روگردان نمیشوند! در دنباله صحبت ازکادر هنرپیشه‌هائی که عجالتا در نظر گرفته شده‌اند پرسیدم. خیلی خونسرد و عادی جواب داد

ای آقا، من فضای صحبتی زیادی دارم که بمن افتخارا کمك میکنند همانها در فیلم من بازی خواهند کرد بجان شما هیچکس بهتر از رفیق آدم نمیشود! بالاخره طاقت نیاورده پرسیدم: رژیسو شما کیست؟ در جوابم گفت: **خـود بنده هستم!** و هنگامیکه از او میزان اطلاعات و تحصیلاتش را جویا شدم اظهار داشت: من چند ماه در فرانسه بودم **بعلاوه بیست سال است که مرتب فیلم میبینم** و اطلاعات مبسوطی ازاین راه برای رژیسوری بدست آورده‌ام چون همه جور فیلم دیده‌ام.. بعدهم اضافه کرد **که در کودکـی علاقه زیادی بعکس آرتیست داشته است!**

دیدم که چقدر ازقافله دور هستم و متوجه شدم که آشنائی با این استودیو جدیدالتاسیس کفایت میکند! واما آقای محترم مشغول شرح پروژه‌های آینده خود بوده و می گفتند فیلمهای تجارتی تهیه خواهند کرد که دست فیلمهای خارجی را ازپشت بسته و رکورد کلیه فیلمهارا ازلحاظ فروش بشکنند. وامادرزمینه قسمتهای هنـری معتقد بودند کـه **مردم چیزی سرشان نمیشود!** پس باید فیلمهائی تهیه کرد که بااستفاده از نفهمی مردم درآمد بیشتری داشته باشند هنگامی که از خدمت آقا مرخص میشدیم دوستم اقدام بمعرفی من نمود ولی آقا بدون اینکه بروی مبارك بیاورد گفت چقدر خوشوقتم! خیلی میل داشتم باشما آشناشوم اگر ممکن است شما باما همکاری کرده قسمت فنی کارهای مارا بگیرید تا... صحبتش را قطع کرده توضیح دادم که من یك نویسنده ومنقد سینمائی میباشم وفیلمبردار نیستم وازدرخارج شدم درحالی که قطع دانستم ازاین توضیح من سر درنیاورده است.

یك صحنه فیلم چگونه تهیه میشود

ساعت ۱۲ رااعلام‌میکرد درسالن استودیو محشری بپابود زیرامیخواستند یکی ازصحنه‌های بی‌نظیر یك‌فیلم بزرك راتهیه کنند . فیلمبردار درپشت دستگاه فیلمبرداری وشاگردانش درپشت‌دستگاههای پروژکتور قرارگرفته آماده‌کاربودند فیلم‌بردار بالهجه نیم‌عربی هنرپیشگانی راکه مشغول‌گریم بودندصدا میکرددریك گوشه محوطه دکور بین رژیسور و صاحب فیلم برسرگریم یکی‌از بازیکنان مشاجره در گرفته بود زیرا صاحب فیلم عقیده داشت که آن بازیکن ریشش باید انبوه‌تر باشد ولی رژیسور بالعکس معتقد بودکه آن‌بازیکن‌اصلا ریش نباید داشته باشد درگوشه دیگر برخی ازتماشاچیان وبازیکنانی‌که در آن صحنه رلی نداشتندبانهایت بیصبری منتظربودند چه‌موقع صحنه‌تمام شده‌موقع نهارفرامیرسد!! ازآنطرف دراطاق پهلوئی عده‌دیگر مشغول صدابرداری ازفیلمی‌دیگربودندوداما دراطاق رابازکرده فریادمیزدند :

آقا یك‌خورده یواش‌ترکارکنید ! دراین موقع بحث رژیسور وصاحب فیلم بجای باریکی کشیده ولی فیلم‌بردارکه حوصله‌اش کلی سر رفته‌بود ومیترسیددامنه این بحث به اختلاف کشیده شده و او از حقوق خود محروم شود میانجیگری کرده وگفت : چه‌فرق میکند ببینید خودش چه‌میگوید چرا وقت را بیهوده تلف میکنند ؟ قضیه بدین‌ترتیب فیصله وسرهم بندی شده وامانازه اصل‌کار هنوزآماده نشده بود زیراهنگامیکه همه حاضر بکار شدند متوجه گشتندکه سناریوفیلم‌نیست همه‌جادنبالش‌گشتند بعدمعلوم شد تنهانسخه‌سناریودرمنزل‌بکنفر مانده است بعلاوه ساعت یك‌وفیلم مدازظهر وموقع نهاربود برپدر بدشانسی لعنت !

نهار چلوکباب داشتند هنگامه‌عظیمی برپا شد یك‌دیك بزرك وسط‌محوطه گذاشتند چند نان سنگك هم پهلویش قرار دادند صاحب فیلم که می خواست همه‌از اوراضی شوند دستورچلوکباب فراوانی داده‌بود ضمنا باصراری زیادی میخواست همه‌را باندازه‌کافی سیروراضی بکند دریك چشم بهم‌زدن‌محتوی دیك رادربشقابها خالی کردند پس‌ازنیم ساعت درحالیکه روی میز و صندلی های دکورپر ازسبزی ونان کبابی‌شده‌بود رژیسور فریاد زدخوب شروع کنیم زودباشید سبزی‌ها راجمع کنید پشت‌میز بریزید تادور دوربین دیده‌نشود . میدونید که ساعت چهاربعدازظهر باید فیلمبرداری ازاین صحنه تمام شود ! بدین‌ترتیب فیلمبرداری آغاز شد راستی اینراهم باید گفت که این استودیو ازمجهزترین استودیوهای تهران وفیلمی‌هم‌که درآن موقع تهیه میشد ازبهترین وبزرگترین‌فیلم های‌فارسی سال بود .

مراسم باشکوه سینمائی

شما خوانندگان عزیز که قطعا از دوستداران سینما هستید باید از مراسم پرجلال وجبروت هنری!!معرفی هنرپیشگان و کارکنان فیلم های فارسی مطلع شده باشید من در اینجا یکی از این مراسم را آنطور که بوده است برای شما تعریف میکنم شاید شما در آنموقع در آن مراسم نیز حضور داشته اید و خود شاهد جریانات آن شده باشید :

شب اول نمایش فیلم بود رژیسور و هنرپیشگان فیلم تصمیم به تهیه یك مراسم سینمائی جهت تبلیغ برای فیلم خود گرفته بودند قرار بود مراسم بطور ساده ومختصر درسانس سوم برگزارشود موقع شروع سانس سوم رژیسور و هنرپیشگان همگی جمعا در بهترین اژ سینما قرارگرفتند البته جناب رژیسور که فیلم بردار آن فیلم نیز بود دروسط شاگردان خود قرار داشت یکساعت که از شروع فیلم گذشت بنابتصمیم قبلی خواستند دسته گلهای متعدد و بزرگی را ازسالن انتظار به اژ آورده ودرپشت هنرپیشگان قراردهند ولی چون دسته های بزرك وگلدانهای بزرك گل درکاغذ زرورق پیچیده شده بودند ودرب ورودی اژ نیزبی اندازه کوچك بود اشکال زیادی بوجود آمد وصدای خشن وناراحت کننده زرورق ها داد وفریاد تماشاچیان را بلندکرد فشار چندگلدان بزرك گل برپشت هنرپیشگان آنها را از دیدار روی مبارکشان درروی پرده سینما بکلی بازداشت بطوریکه یکی از خانم ها گفت ترا بخدا ماگل نمی خواستیم شماکه پدر مارا درآوردید ! ولی بامزه تراین بود که صدای خش خش کاغذها وباز و بسته شدن درب اژ تماشاچیان را متوجه ساخته بود که جریاناتی درشرف وقوع است بدین جهت حواسشان بکلی پرت شده و درتاریکی سرهایشانرا بطرف اژ مخصوص ! برگردانده بودند و بانهایت بیصبری منتظر روشن شدن چراغ بودند فیلم تمام شد .. با مشاهده هنرپیشگان صدای کف زدن و سوت شدید مدعوین !! بلند شد ولی مانندهمیشه تماشاچیان که ازوجود یك فیلم واصولا سینما چیزی جز عملیات آرتیست ها ندانسته وتصور میکنند فیلم از بازی هنرپیشگان تشکیل شده است به جناب آقای رژیسور توجهی نفرمودند . رژیسور که بمزت نفسش برخورده بود ومیل داشت توجه وعلاقه مردم را نسبت به خود برانگیزد ناگهان دست بمیان گلها زده و یکدسته از آنرا بطرف تماشاچیان پرتاب کرد بدین ترتیب عده ای که اورا می شناختندچون دیدنداو گلهائیرا که ظاهرا به هنرپیشگان اهدا شده بود بطرف مردم پرتاب میکند فریاد زنده باد را بلند کردند . رژیسور که تشویق شده بود باحرارت زیادی دسته های گل را از هم

گسیخته و به مغز تماشاچیان میکوبید تدریج دیك طمع تماشاچیان بجوش آمد آنها هم خواستند باحرارت خود به این حرارت جواب متقابل دهند ناگهان همه ازصندلی های خود بلندشده وباسرعت عجیبی بطرف جایگاه مخصوص هنرپیشگان هجوم بردند تا مقدار گل بیشتری بچنك آورند ولحظه‌ای نگذشت که طمع گل فیلم و هنرپیشگان آنرا بکلی به فراموشی سپرد دیگری کسی را نمی‌شناخت لگدمشت بود که بهر طرف زده میشد ستاره اول فیلم غش کرد ستاره دوم فیلم زیردست و پا افتاده بود ولی رژیسور هنوز مشغول پرتاب کردن گل بود صدای شکسته شدن صندلی بگوش میرسید فشار جمعیت بقدری شدید بود که درب اتو باز نمی‌شد و پاسبانها قادر نبودند ازازدهام بکاهند البته این ازدحام دیگر برای هنرپیشگان نبود بلکه برای گل بود هرکس فریاد می زد نبود : «پاك خورده بمن بده» ولی تمام گلها زیردست و پا له ومحو شد گلدانها شکست وچند دقیقه بعد دیگر از گل اثری باقی نمانده بود آنوقت همه نفسی براحتی کشیدند سالن خلوت ترشد ومتصدیان سینما توانستند خود را به ستاره اول فیلم رسانده چندقطره آب روی صورتش بپاشند ولی مردم همه گل میخواستند ولو عوض گل روی زمین فقط مقداری گل بود رژیسور هم عقب گل میدویند تا شاید از رفتن تماشاچیان ممانعت کند دراین میان فقط چند پسربچه خوردسال ژنده پوش باعجز والتماس تقاضا می کردند که لا اقل سبدهای خالی گل به آنها داده شود بدین ترتیب یك مراسم باشکوه سینمائی خاتمه پذیرفت در حالیکه رژیسور نام آنرا «یکشب فراموش نشدنی» گذاشته بود .

جنك رژیسور و تهیه کننده

یکی از حوادث بامزه وتلخ دیگر اختلاف رژیسور و پرودوکتور است در میان رژیسور ها افراد مطلع وهنرمندی یافت می شوند که هدف صحیح هنری انتخاب کرده‌اند بین آنها وصاحبان استودیو ها دائما مشاجره میشود یکشب آقای رژیسور خواست برای دیدن یکی از صحنه هائی که خود تهیه کرده بود به لابراتوار شست وشوی فیلم برود اما متصدی لابراتوار جلوی او را گرفت و گفت: ببخشید شما نمیتوانید داخل اینجا بشوید.

چرا؟ من رژیسور هستم ومیخواهم فیلم خودم را ببینم مگر چی شده؟

والله ارباب دستور داده‌اند که بدون اجازه ایشان کسی داخل اینجا نشود.

رژیسور که خود را درمقابل چنین جریان نامناسب و غیر منتظره‌ای دید بدون تأمل باطاق پرودوکتور رفت.

— آقا چرا مرا به اطاق لابراتوار راه نمی‌دهند؟ این وضعیت چه معنی دارد؟ شما چکار دارید به آنجا بروید؟ شما کار خودرا بکنید

عجب من رژیسور فیلم هستم من حق دارم که فیلم خودرا ببینم چه کسی دستور داده که مرا به لابراتوار راه ندهند؟

من دستور داده‌ام .... رژیسور که عصبانی شده بود جواب داد :

تو گه‌خوردی ! پرودوکتر که تصور نمیکرد کسی بتواند باو برخاش کنید دچار وحشت شد و گفت تو مزدور من هستی تواز من پول میگیری وباید برای من کار کنی ولی رژیسور باتبسم پراز تنفر واستهزاء باین کلمات پاسخ داد وباین همکاری فیما بین خاتمه داده شد .

کارکنان سینما تو گرانی ایران چه‌میگویند؟

حسادت ، بدگوئی ، کینه توزی ، سخن چینی و تحریك افراد علیه یکدیگر مجموعه جریاناتی است که در استودیو های فیلم برداری ایـران حکومت میکند آنهائیکه صرفا هدف مادی دارند و از پیشرفت همکارانشان وحشت مینمایند دائما یکدیگر را به‌نداشتن معلومات محکوم میکنند وهریك دیگری راعوام بی‌سواد بی استعداد میخواند و هیچ یك از امکانات موجود خود برای پیشرفت کار خود از لحاظ جنبه هنری استفاده نمیکنند.

بزرگترین اساس برای تهیه یك فیلم همانا مشخص شدن وظائف مسئولین امر میباشد درحالیکه در اینجا نمی‌خواهند حتی این وظیفه‌را مشخص کرده‌و کلیه متصدیان را در جریان عمل قرار بدهند بد نیست توجهی به سخنان این مسئولین یعنی تهیه کنندگان و کارگردانان وهنرپیشگان بکنیم وببینیم آنهاچه میگویند:

کارگردان چه میگوید ؟ هنگامیکه با کارگردانی مـواجه میشوید مثل اینکه بخواهد خودرا تبرئه‌کند میگوید: (آقا من چه میتوانم بکنم ، یك‌سناریو بدستم میدهند یك فیلم‌بردار لجوج همراهم میسازند با چند هنر پیشه که بوئی از هنرپیشگی نبرده‌اند و من باید حتی طرز راه رفتن و صحیح تکلم نمودن را بآنها یادبدهم مامورکارم میسازند ... اگر من آزاد بودم می‌دیدید ؟ چه ابتکاراتی بکار برده‌و چه فیلمی تهیه میکردم)

هنرپیشه‌چه‌میگوید؟ هنر پیشه ها بر دو دسته اند آنهائی‌که دیگر خودرامشهورو بی‌نیاز حس‌کرده تصور میکنندکه معلوماتشان ازرژیسور بیشتر بوده ونابغه دهر هستند و آنهائیکه هنوز برای خود صاحب تشخیص نشده وبخوبی می دانند که نباید اظهار فضل کنند که البته اکثریت‌بادسته دوم است افراد دسته‌اول میگویند :(بااین کارگردانها که چیزی سرشان نمیشود چگونه‌میشودکارکرد بارها درحین‌بازی بآنها متذکر شده‌ایم که طرز فکرشان غلط است اگر ما بـه اختیار اختیار خود بودیم استعدادمان بمنصه‌ظهور میرسید) افراد دسته‌دوم میگویند: (این هم‌کار شد نه پول میدهند و نه تشویق میکنند ماکه چیزی بلد نیستیم کسی هـم نیست‌که ما را راهنمائی کند) اینها نمیدانندکه بنام هنرپیشه بازیچه یك تجارت شوم سینمائی هستند هرزمانی‌که بآنها احتیاج شد مورد استفاده قرار میگیرندودر غیر اینصورت فراموش میشوند .

تهیه‌کننده چه میگوید؟ قطعا این موضوعات را باید تهیه کننده یا پرودوکتور حل کند ولی درمحافل سینمائی میگویند پرودوکتور و رژیسور دشمن سرسخت یکدیگرند تهیه کننده باصورت حق بجانبی میگوید : (من پول میریزم هزارها تومان خرج میکنم ولی پول مرا به باد میدهند هنر پیشه‌های ما هیچگونه قید اخلاقی ندارند نه سر موقع در استودیو برای کارو تمرین حاضر میشوندونه بحرف آدم گوش میکنند . . هر وقت میلشان کشید میآیند آقای لاقیدی برای کسانیکه خودرا هنر پیشه میدانند تک آور است آقایان کارگردانان هم باید بدانند که من تجارت میکنم و فیلمی میخواهم که بیشتر استفاده پولی داشته باشد و بنا براین حتما باید رقص و آواز و لاس زدن و کابارده داشته باشد) برخی اوقات هم یکنفر هم خود سرمایه میگذارد هم خود داستان فیلم را مینویسد هم رژیسوری و فیلم برداری میکند و هم هنر پیشه اول فیلم میشود و آنوقت باید دید این بابه دهرچه میگوید؟ هرج ومرج فکری است که معلوم نیست به کجا ختم میشود

راه صحیحی انتخاب کنیم!

ما ازنکات بالا حقایقی تلخی را نتیجه می گیریم هرکسی بابدست آوردن مختصر پول و ابتیاع یکدستگاه فیلمبرداری بعنوان رژیسور، تهیه کننده و یا هر عنوان دیگر (چون گرفتن عنوان دراین کشور مجاز است) شروع بتهیه فیلم می کند چون کسی مانع یامزاحم عملیات او نیست برای اینکه بیشتراز استفاده های مادی بهره مند شود بامشتی سرهم بندی چیزی بنام فیلم تهیه کرده وروی پرده سینمامی آورد وتوده مردم بجرم دانستن زبان و یاعلاقه بهنر پیشگان وموسیقی ملی خود به تماشای این فیلم ها میروند وبدین ترتیب مشتی پول بجیب این آقایان میرود و همین اشخاص باوجود آنکه میدانند عده بی شماری از مردم بطرز کار و هدف صرف مادی آنها واقف می باشند با تطمیع بعضی افراد روزنامه نویس مطالبی بنفع خود وکارهایشان درجراید انتشار میدهند وعنوان آن راهم تشویق ازکارکنان و هنر پیشگان می گذارند ومعتقدند که چون این هنر درایران جوان است بنابراین هرفیلمی بهرشکل که تهیه شد باید مورد تمجید وتشویق قرار گیرد .

مابابد یك اساسی را قبول کنیم این اساس حمایت از یك طرز کار صحیح میباشدکه نتایج عملی بنفع اجتماع داشته باشد هنگامیکه هدف درهرکاری صحیح نبوده وحتی زیان بخش باشد ازآن کارواز آن روش نباید پشتیبانی کرد و بانشویق های بیمورد این انحراف را تقویت ننمود بلکه بالعکس باید حتی المقدور سعی کرد که روش غلط تغییر یافته وروش صحیح برگزیده شود مانبایداجازه دهیم که هنرظریف سینمارادرکشور بازیچه تجارت ومهٔ صدمادی قرار دهند درمقدمه یك کار آنرا باشکست روبروسازند درکشوریکه اصلا سینما وجود نداشت تاکنون ده هامتخصص رژیسور وفیلم بردار پیدا شدند و تعداد استودیوها از سی تاهم متجاوز نگردید درطی سال ۱۳۳۱ بیش از ده فیلم فارسی بروی پرده آمد ودراین میان فیلم هائی مانند حاکم یکروزه ، جدال باشیطان ، گل بابا ، یاغی وملا صرالدین افتضاحات سینمائی محسوب می شدند که درآن گذشته ازتمسخر هنروزندگی مقاصدشوم صاحبان استودیوها نمودارگردید وکاربجائی رسیدکه بعضی ازاین فیلم ها دیگر مورد استقبال مردم قرار نگرفت بطوریکه درسال ۱۳۳۲ میزان محصولات فارسی که روی پرده آمدند بمراتب کمتر ازسال ۳۱ بودند . برای ترقی وتکامل یك هنری که تازه در کشوری ایجادمیگردد مقدمات واصولی لازم است که برمبنای هدف صحیحی جهت هموار ساختن ترقی وآینده آن هنرقرار داشته باشد واما برای ترقی وتکامل صنعت سینما

توکرافی درایران نیزلازم است روش ومقدمات ذیل برگزیده شود :

۱ - کلاسهای فنی - تشکیل کلاسهای فنی برای تربیت متخصص جهت فیلم برداری ، شست وشو ، مونتاژ ، دکوپاژ وغیره که البته این کلاسها باید زیر نظر استادان خارجی از طرف وزارت فرهنگ و اداره هنرهای ملی تشکیل یافته و درطی یک تعلیمات تئوریک وعملی عده‌ای علاقمند را جهت قسمت‌های فنی سینما توکرافی تربیت نماید این بزرگترین کادر سینمائی محسوب میشود که درپیشرفت سریع فیلم برداری موثر خواهد بود .

۲ کلاسهای هنرپیشگی - باتوجه بذوق و استعدادی که دروجود ایرانی نهفته است وباتوجه بانیکه دختران وپسران مادر زمینه سینما هم دارای استعداد و آمادگی قابل توجهی میباشند لطمالازم است کلاسهای مخصوصی جهت تعلیم و تربیت هنرجویان جوان و تکمیل کادر هنرپیشگان سینمائی تشکیل داد تا دیگر استعدادهای محو نشده و بقول کارگردانها مجبور نباشند به هنرپیشه طرز تکلم یا راه رفتن را یادبدهند یا مثلا بعضی هنرپیشگان مشهوری که در نتیجه یک استعداد ذاتی دراولین فیلم نقش خودرا بنحو احسنی ایفا نموده‌اند اما در نتیجه نبودن شرایط مساعد و تعلیم و تربیت صحیح دیگر پیشرفتی نکرده ودر فیلم های بعدی خود نیز همان حالت و بازی یکنواخت را که در همان فیلم اول داشتند حفظ کرده‌اند وارزش بازی خودرا از دست داده‌اند بنابراین وجود و تشکیل کلاسهای هنرپیشگی از کارهای ضروری برای پیشرفت سینما است .

۳ - تهیه فیلم های خبری - همیشه بایدقدم به قدم راه رفت اول قدم اول را برداشت بعد قدم دوم رقدم اول رانباید آنقدر بلند برداشت تادیگر قدم دوم بلند نشود ! بنابراین لازم بود اول متخصصین سینما برای تقویت تکنیک وفیلم برداری دست به تهیه فیلم های دکومانته و خبری میزدند و بعد از مدت لااقل دو سال هنگامیکه فیلم برداری تااندازه‌ای کامل شده لابراتوار ومونتاژوضعیت بهتری پیدا میکرد آنوقت شروع به تهیه فیلمهای بزرگ میکردند نه اینکه درهمان سال اول بایک تکنیک افتضاح ومونتاژ خراب وپلان بندی غلط فیلمهای بزرگ رنگی تهیه کرد

قسمت دوم

انتقاد فیلم

مبحث اصلی این کتاب بمسئله انتقاد اختصاص دارد اکنون دیگر براهل هنر اهمیت انتقاد در کلیه زمینه های هنری بطور محسوسی مسلم و واضح است زیرا انتقاد یگانه و بهترین وسیله مبارزه جهت اصلاح هنر و راهنمائی هنرمندان بشمار میرود باوجود اینکه هنوز توده مردم و حتی خوانندگان جراید و کتاب هنوز آنطور که لازم است باهمیت انتقاد پی نبرده اند و کلیه نویسندگانی که قلم انتقادی داشته و در زمینه های هنری مطالب انتقادی نوشته اند پس ازچند صدتی بعلت عدم درك اجتماعی مردم دست از اینکار کشیده اند ولی باید انتقاد را برای توسعه روشن بینی عمومی ادامه داد ، اگر حقیقت را بخواهید هنوز اکثریت قاطعی بمفهوم اصلی انتقاد آشنا نشده واصلا از این کلمه سردر نیاورده ومعنی آنرا هم بدگوئی از چیزی میدانند ، چون هیچیك ازهنرها درایران بمفهوم واقعی خودشناخته نشده انتقاد هم یکی از مسائل دشواری است که هنوز سطح فرهنك کشور اجازه شناختن آنرا نمیدهد ، بارها شنیده ام که افراد روشنفکر وتحصیل کرده عمل انتقاد رامسخره کرده ومباحث انتقادی سینمارا مطالب غیرمفهوم و بی ارزش وانده اند، همین اشخاص هنگامیکه بامن روبرو شده اند بقول خوددوستانه تذکر میدادند که دست از اینکار بیهوده ومسخره بردارم و اصلا هنر سینما راکوچکتر از آن میدانستند که درباره آن بحث شود این طرز تفکر متاسفانه میان طبقه منورالفکر این کشور که کاری جز گردش درخیابانهای مرکزی شهر وعیاشی ندارند شدیدا نفوذ دارد ، سینما برای این اشخاص یك وسیله وقت گذرانی است و در جراید نیز چیزی جز نوولهای هوس انگیز عشقی وداستانهای جنائی نمیخواهند بخواهند . بارها با برخی آقایان مدیران جراید برسر نوشتن مطالبات سینمائی بحث کرده ام، آنها عقیده داشتند که باید سلیقه اکثریت رعایت شود ، ولی ما خوب میدانیم که چه نوع فیلمهائی مانند دخترچوپان از میان محصولات فارسی و «طرابلس» و «یاسمین» « چراغ جادو» و « جانباز» ازمیان محصولات خارجی با استقبال شدیدی روبرو میشوند در حالیکه شاهکارهای پرارزش هنری واجتماعی که تجلی واقعی هنرسینما هستند مانند فیلمهای «تراموائی بنام هوس» و « پایان یك عمر» اصلا موردتوجه

واستقبال عمومی روبرو نمیشوند در طی چند سال اخیر بطور محسوسی سطح فکر مردم بالارفته وبتدریج فیلمهای پرارزش نیز بااستقبال عمومی روبرو میشوند از جمله فیلمهای «لغزش» و «جانی بلیندا» که مدتهای متمادی درتهران نمایش دادند ولی یك بررسی دقیق نشان داد که فیلمهای فارسی برفیلمهای خارجی صدمه زدند، بدین معنی که نمایش محصولات فارسی سبب شدکه عده زیادی برتعداد تماشاچیان سینما اضافه شود این تماشاچیان جدید اورود که بخاطر فیلم فارسی شروع بسینما رفتن کرده بودند چون تعداد فیلمهای فارسی کم بود وآنها نیز می خواستند که هفته یکبار بسینما روند بدیدار فیلمهای خارجی شتافتند والبته چون به تیپ فیلمهای فارسی عادت کرده بودند هیچیك ازفیلمهای خارجی مورد پسندشان واقع نشد بخصوص از فیلمهای سنگین دراماتیك وحشت نمودند، بدین جهت-مثلا دیگر فیلمی دیده نمیشود که از عیب‌جوئی واعتراض افراد مختلف در امان باشد، برای هر فیلم عیبی می گیرند ونظریات بقدری زیاد و درعین حال متضاد شده که اگر شما درباره یك فیلم از دو شخص مختلف سئوال کنید آنفیلم چطور است هر یك بنحوی اظهار عقیده میکنند وهیچیك ازاین اظهارنظرها باهم توافق ویاتشابه ندارند، بدین ترتیب جوجال عجیبی بوجود آمده است که معلوم نیست چه نتیجه‌هائی دربر خواهد داشت بخصوص که تعداد تماشاچیان سینما در سال ۱۳۳۲ دو برابر سال ۱۳۳۱ گردیده است.

سلیقه شخصی وقضاوت هنری: مسئله مهم دیگری که کمتر مورد توجه قرار میگیرد همانا وجه تمایز سلیقه شخصی افراد با یك قضاوت صحیح هنری است. بیشتر اشخاص روی خوش آمد های شخصی برای فیلم تعیین ارزش میکنند درحالی که باید بین سلیقه شخصی وارزش اجتماعی فیلم فرق گذاشت بخصوص درمسئله انتقاد باید بکلی روی سلیقه های شخصی قلم کشیده شود زیرا چه بسا اشخاصی که به نکات وچیزهائی علاقمند هستند که ازلحاظ اجتماعی برای دیگران کوچکترین ارزشی ندارد.

سلیقه وخوش آمد شخصی چیزی است که فرد از لحاظ شخصی بمقتضای روحیات مخصوص خوداز آن لذت میبرد واین لذت فردی دلیل برارزش آن چیزمورد نظرنیست زیرا ممکن است شما شخصا از موسیقی جاز یاموسیقی محلی لذت ببرید ولی نباید از لحاظ هنری و اجتماعی آنرا مافوق ویا بهتراز موسیقی کلاسیك بدانید بنابر این بین سلیقه و خوش‌آمد شخصی و قضاوت صحیح هنری باید تفاوت گذارد.

وظیفه منقد

شخص منقد وظیفه دارد به مقتضای تخصص وهدف خود سینما یا هر هنر دیگر را که مورد بحث قرار میدهد آنطور که لازم است بامفهوم واقعی خودبه مردم بشناساند، عمل انتقاد به منظور تجزیه وتحلیل محصولات وآثارهنری ازلحاظ اجتماعی برای توسعه فرهنگ وسطح روشن بینی توده‌های مردم است بدین جهت انتقاد باید بریك پایه و اصول صحیح اجرا گردد گذشته از اینکه شخص منقد باید

هرگونه اغراض شخصی یا ملاحظات دوستانه را بکلی کنار گذارد باید از سلیقه شخصی وخوش آمد آنی خود نیز درموقع بحث و انتقاد چشم‌پوشی کند زیرا انتقاد برای بیان سلیقه فردنیست بلکه یک‌عمل اجتماعی برای بیان حقایق وواقعیات هنری است درطی تاریخ منقدین درزمینه ادبیات وسایر هنرها مانند پلیسکی وجودداشتند که‌عده آنها نیز بسیار معدودبود ولی در زمینه سینما که کاملترین هنرها شناخته‌شده است نه‌تنها منقد ثابتی وجود نداشته بلکه ازلحاظ انتقادی درباره سینما کمتر بحث شده‌است و مطالب سینمائی در جرائد ومجلات دنیا اختصاص بتنظیم رپورتاژ از گیشه‌ای ها و کارخانجات فیلمبرداری ، شرح و تفسیر فیلمهائی که تهیه می شوند و بیوگرافی هنرپیشگان البته بشکل شرح زندگی خصوصی آنها اختصاص داده شده است تا اینکه درچند سال اخیر درآمریکا واروپا وهمچنین شوروی بعلت تشکیل وفعالیت نهضتها وسینه کلوب های هنری نویسندگانی هم بوجودآمدند که درباره هنر سینما دست به بحث وانتقاد زدند ولی ما باید بخوبی بدانیم که همانطور که انتقاد صحیح درباره محصولات سینمائی ازلحاظ شناساندن این هنر بمردم و تعیین ارزش فیلم ها دل موثری را ایفا میکند همانطور هم روش غلط در انتقاد موجب گمراهی خوانندگان را فراهم می‌نماید. بنابراین برای معرفی و بیان نکات هنری بوسیله انتقاد باید دقت ونکته بینی کاملی بکار رود تا اثر ونتیجه آن از لحاظ اجتماعی مطلوب و مفید باشد .



برای معرفی بهترین فیلم های سال

روشی که برای معرفی بهترین فیلمهای سال برگزیده بودم تنظیم یك آمار درهرفصل ودرپایان هرسال برای معرفی وانتخاب بهترین فیلم‌هائیکه درسینماهای تهران بمعرض نمایش گذارده شده‌اند تعیین ارزش بهترین بازی هنرپیشگان آن فیلمها بودکه اولین بار در زمستان ۱۳۲۹ اقدام به تعیین بهترین فیلمهای فصل زمستان واهدای جایزه به نمایش دهنده بهترین فیلم سال نمودم مراسم اهدای این جایزه در دفتر روزنامه ایران باحضور چندتن ازمدیران سینماها بعمل آمد وگلدان نقره‌ای برای فیلم «جانی بلیندا» بسینما هما اهداء گردید بعداز این مراسم تصمیم گرفتم مراسم باشکوه وآبرومندتری برگذارکنم که نتایج عملی هنری آن برای عموم مردم بخصوص ارباب ذوق وهنربیشتر وبهترباشد بدین منظور یك صفحه از روزنامه ایران آنزمان به‌مسئله انتقاد فیلم اختصاص داده‌شد ودر اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۱ درطی یك فستیوال یکروز بهترین فیلم‌های سال ۱۳۳۰ معرفی شده وقطعاتی ازآن درسالن سینما کریستال بمعرض نمایش گذارده شد البته انجام این مراسم نیز خیلی ناقص بود بخصوص که برای خیلی ها تازگی داشت ولازم بود بتدریج مردم را باچنین مراسمی آشنا ساخت زیرا عده‌ای از چنین مراسمی ابراز ناراحتی کردند ولی درهرحال عده‌ای علاقمند بوجودآمد وکلمه انتقاد تااندازه‌ای تازگی خودرا ازدست داد ولی‌لازم بودهمانطورکه سینما و نمایش فیلم که بمنزله تنها تفریح مردم شده‌بود بسرعت جلومیرفت مسئله انتقاد فیلم نیز برای عموم‌مردم بخصوص طبقه منورالفکر روشن‌میشد دومین‌فستیوال سینمائی باوجود اشکالات‌زیاد صبح وزیبانزده‌بهمن‌ماه‌سال ۱۳۳۱ درسینمامترو پل‌جامه عمل‌بخود پوشید البته‌درتمام‌این فستیوالها کلیه تماشاچیان دعوت شده بودند چهارمین فستیوال درطی دو روز در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۳۲ درسالن سینما رکس بعمل‌آمدکه برنامه آن ازهر حیث کاملتر ازبرنامه های قبلی بود بنابراین معرفی فیلمها یابهترین هنرپیشگان و یا تشکیل فستیوال سینمائی در خلال انتقادات سینمائی یك وسیله عملی‌تر و موثرتر برای بیان مفهومات عالی وواقعیات هنری‌سینما ووجه تمایز دادن‌بین محصولات آموزنده وپرارزش بامحصولات مبتذل ومنحط تجارتی بشمار میرود .

مقصود از ذکر این مطالب‌ومعرفی بهترین فیلمهای سال به منظور معرفی بهترین آثار هنری سینمائی جهان و یادآوری از محصولات عالی گذشته و جلب توجه علاقمندان به‌مسئله‌سینماونکات شیرین ولذت‌بخشی میباشدکه‌درآن نهفته‌است در فهرست ذیل اسامی بهترین فیلم ها و بهترین هنرپیشگان از زمستان

سال ۱۳۲۹ تاآخر سال سال ۱۳۳۲ وهمچنین امتیازات سینماهای نمایش‌دهنده بهترین فیلم ها نوشته شده و البته بمنظور تجزیه و تحلیـل و معرفی کامل این فیلم‌ها تعداد ده تا بهترین فیلمهای سال ۱۳۳۲ دردنبال فهرست بطورکامل‌مورد بحث و انتقاد قرار گرفته و وکلیه نکات و چنبه‌های آن تجزیه تحلیل شده‌است و همچنین در دنباله این بحث شمه‌ای نیز درباره‌محصولات مبتذل منحط‌تجارتی گفته شده

طرز تعیین بهترین فیلم‌ها و هنرپیشگان

هر فیلم از قسمت های ذیـل تشکیل یافته است که ترتیب اهمیت آنها بترتیب شماره است:

۱-موضوع ۲- ایده ونتیجه ۳- بازی ٤-موزیك ٥- دیالوك ٦ فیلم‌برداری ۷- دکوراسیون که البته در فیلمهای رنگی قسمت‌رنك و در فیلمهای موزیکال‌قسمت رقص و آواز نیز بسایر قسمت های فیلم اضافه میشود البته هر فیلمی از جهتی مورد توجه است، فیلمهائی‌وجوددارندکه‌از بعضی لحاظ مثلاازلحاظ بازی و موزیك قوی و از بعضی لحاظ مثلا موضوع ضعیف میباشند چون‌محصولات سینمائی دارای اقسام مختلف موزیکال ، کمدی ، درام ، جنائی و ... میباشند بدینجهت برای اینکه بین آنها بتوان‌تعیین ارزش نسبی کرد اشکال فراوانی بوجود می‌آید دو گونه تقسیم بندی در محصولات سینمائی وجود دارد که تقسیم بندی اول‌قرار زیراست :

۱ - فیلمهای بزرك آرتیستیك که ساخته و پرداخته بازی ودکور وسایر ابتکارات فنی سینما است

۲ - فیلمهای دکومانته (مستند) که بطور حقیقی از زندگی‌روزمره‌مردم و جنبش طبیعت‌وسایر وسایر وقایع زندگی فیلمبرداری میشود

۳ - فیلمهای علمی وصنعتی‌که جهت محصلین برداشته شده و نمایشی از آزمایشات طبی وعملیات صنعتی ،و کشاورزی است‌که تنها ازلحاظ تعلیمات بصری میتواند مورداستفاده‌قرارگیرد.

٤ - فیلم‌های مولتی‌پلکاسیون (میکی‌ماوس) که عبارت‌از نقاشی‌های‌متحرك یعنی فیلم‌برداری از روی صفحه های‌متعدد نقاشی است‌که دارای موضوع‌نیز میباشد و بعلت لطفی‌که از لحاظ جنبه‌نقاشی‌دارد بیشتر برای‌کودکان‌ونوجوانان ساخته‌شده ولی‌درعین حال جنبه‌هنری وآموزنده آن‌خیلی زیاد است .

٥ — فیلم‌های خبری‌که بطورحقیقی از مراسم‌مختلف‌وجریانات سیاسی‌و و اجتماعی‌که درکشور های‌مختلف جهان اجرا میگردد‌فیلم برداری شده‌واز لحاظ اینکه‌مردم‌جهان‌وجریاناتی‌راکه درسایرجهان‌اتفاق‌می‌افتدببینند نیزمورداستفاده‌قرار می‌گیرد برای‌نمونه باید اخبارمویتون رانام‌برد .

٦ — فیلم‌های عروسکی‌که چندان رواج‌ندارد عبارت‌از نمایش خیمه شب بازی‌است‌که این‌فن البته‌درکشور های شوروی، چکواسلاواکی ومجارستان بیشتر توسعه یافته وحتی فیلم‌های بزرك وموضوع داری نیز ساخته شده است

تقسیم بندی‌دوم درواقع تقسیم‌هنری فیلم‌های‌دسته‌اول‌میباشد بدین‌معنی‌که فیلم های‌دسته‌اول دارای انواع مختلفی قرارذیل هستند :



بنرایان یکی از آثار فراموش نشدنی تاریخ سینما

۱ - فیلم‌های موزیکال ۲ - فیلم‌های دراماتیک عشقی ۳ - درامهای جنائی و پلیسی ٤ - درام و تراژی‌های کلاسیک ٥ - فیلمهای تاریخی ٦ - فیلمهای موزیکال ۷ - فیلمهای کمدی هنری ۸ - فیلمهای موزیکال کلاسیک ۹ - فیلمهای بیوگرافیک ۱۰ - فیلم‌های جنگی ۱۱ - فیلمهای وسترن یا کابوی ۱۲ - فیلمهای فوق‌العاده ۱۳ - درامهای اخلاقی.

بنابر این باید راه‌حلی پیدا کرد که برای این فیلم‌ها تعیین ارزش نمود ولی از لحاظ اساسی در فیلم‌های دسته اول یعنی فیلم‌های آرتیستیک موضوع و سپس ایده بیش از هر قسمت فیلم مورد توجه و حائز اهمیت است در فیلمهای مولتی پلیکاسیون سبک قاشی و همچنین موضوع و در فیلمهای سایر دسته‌ها تکنیک و فیلم برداری بیش از هر چیز مورد توجه میباشد و اما برای تعیین امتیاز فیلم هاروشی که در طی چهار سال انجام گرفته است بدین شکل بوده که بهریك از قسمت های فیلم به نسبت بیست نمره داده شده و سپس معدل این نمرات امتیاز آن فیلم قرار گرفته است در آمار زیر بترتیب بهترین فیلم و هنرپیشگان زمستان ۱۳۲۹ سپس بهترین فیلمها و هنرپیشگان سال ۱۳۳۰ - ۱۳۳۱ - ۱۳۳۲ باذکر امتیاز سینماهای نمایش‌دهنده آن فیلم و همچنین بهترین فیلم های فارسی سال ۱۳۳۲ معرفی شده‌اند که البته این فیلمهای از میان فیلمهای اولین مرتبه یا رشو انتخاب می‌شوند و فیلمهای تکراری در این طبقه‌بندی سه ماهه و سالیانه منظور نشده است بدین معنی که مثلا برای تعیین بهترین فیلمهای زمستان ۱۳۳۱ فیلم‌هائی که در آن فصل برای دومین یا سومین مرتبه بروی پرده دیده‌اند منظور نخواهد شد تنها در اولین آمار سینمائی یعنی آمار بهترین فیلمهای زمستان ۱۳۲۹ فیلمهای تکراری نیز منظور شده.

سال ۱۳۲۹

بهترین فیلم های زمستان ۱۳۲۹

۱ـ «جانی بلینداء» ـ محصول ۱۹۴۸ کمپانی برادران وارنر امریکا
(نمایش دهنده سینما هما)



«جانی بلینداء» بهترین فیلم سال ۲۹

۲ـ «مروارید بدقدم»ـ محصول ۱۹۴۸ کمپانی آر.ك. او امریکا
(نمایش دهنده سینما متروپل)

۳ـ « رومئو و ژولیت » ـ محصول ۱۹۳۸ کمپانی مترو امریکا
(نمایش دهنده سینما البرز)

٤ـ «لغزش» ـ محصول ۱۹٤۸ امریکا (نمایش دهند سینما هما)

٥ ـ « آهنك سیبری» ـ محصول ۱۹٤۸ کارخانه مسفیلم شوروی (نمایش دهنده سینما تهران)

٦ـ « خاطرات گذشته » محصول ۱۹٤۷ کمپانی وارنر امریکا (نمایش دهنده‌سینما کریستال)

۷ـ «کارنگی‌هال» ـ محصول ۱۹٤۷ کمپانی یونایتد آرتیست آمریکا (نمایش دهنده سینما دیانا)

بهترین ستارگان زن

۱ـ «جین‌وایمن» برای بازی درفیلم جانی بلیندا

۲ـ «نرماشرر» » » رومئوو‌ژولیت

۳ـ «سالی‌فورست» » » لغزش

٤ـ «کلودت‌کلبر» » » خاطرات گذشته

٥ـ «ماریا الناماركس» » » مروارید بدقدم

٦ـ «جون آلیسون» » » سه‌تفنگدار

۷ـ «ریتاهیورث» » » مهرویان

بهترین هنرپیشگان مرد

۱- «اوردسن ولز» برای بازی درفیلم خاطرات گذشته

۲- «پدرو آرمندا ریز» » » » مروارید به‌قدم

۳- «دروژ نیکوف» » » » آهنك سیبری

٤- «کیف براسل» » » » لغزش

٥- «روزانو برازی» » » » قاصد امپراطور

٦- «جن کلی» » » » مهرویان

۷- «وان‌هفلین» » » » سه تفنگدار

جمع امتیازات

سینما هما با ۱۱ امتیاز حائز رتبه‌اول، سینما متروپل با ۸ امتیاز حائز رتبه دوم، سینما البرز با ۷ امتیاز حائز رتبه سوم امتیازات فیلمها بدین ترتیب معین شده‌که فیلم اول ده امتیاز فیلم دهم یك امتیازوسایرفیلمها ترتیب ازامتیاز ده تایك که البته در زمستان ۱۳۲۹ بعلت کمبود فیلم بهترین فیلمها وهنرپیشگان تنها تارتبه‌هفتم معین‌شدند.

شمه‌ای درباره بهترین فیلمهای زمستان ۱۳۲۹



جین وایمن ستاره فیلم جانی بلیندا
بهترین ستاره سال ۲۹

درزمستان ۲۹ چندفیلم باارزش بروی پرده آمدکه نسبتا استقبال خوبی از آنها شد بطوریکه نمایش فیلم «لغزش» مدت ٤٦ شب و فیلم «جانی بلیندا» تایکماه طول کشید و از فیلم مرواریدنیز استقبال بعمل آمد، جنبه های اجتماعی این فیلم بخصوص جنبه اجتماعی فیلم «لغزش» درموفقیت آنها بی‌تاثیر نبود و علاوه درآنموقع هنوز فیلمهای فارسی بروی پرده نیامده وطبقه سینمارو آنزمان درنتیجه توسعه روشن بینی عمومی ازاین فیلمها استقبال مینمودند واما علل ارزش هریك ازبهترین فیلمها ذیلا خلاصه شده‌است :

۱ - (جانی بلیندا) - یك داستان موثر وساده‌ای است که از وحشت فساد وپوسیدگی زندگی حکایت میکند، دختر کرولالی که‌مورد تجاوز انسان حیوان صفتی واقع گردیدکه‌اوراقربانی تمایلات شهوانی خودنمود، ودکتر بشردوستی که‌از ازاین‌دختر ناکام که‌طبیعت اورا ناقص بوجود آورده بودحمایت کرد تا مانندیك انسان وسایل خوشبختیش را فراهم آورد.

زمانی که آنمرد حیوان‌صفت بعداز بقتل رساندن پدر دختر برای گرفتن پسر نوزادش آمد، مادر ازفرزند خود دفاع کرده و اورا بقتل رسانید باری، هنر پیشه‌های فیلم بخصوص «جین وایمن» در رل بلیندا فوق العاده عالی وقوی و موزیك فیلم نیزموثرترین عامل پرورش داستان وفکرفیلم گردیده بود. بطورکلی یك اثر اخلاقی واجتماعی بشمارمیرفت که ازلحاظ هنرباری و تکنیك وموزیك هم غنی بود «جانی بلیندا» محصول ۱۹٤۸ کمپانی وارنر هنرپیشگان آن جین وایمن، لیوآیرس واستفان‌ماکنالی وموزیك ازماکس‌شتینراست.

۲ - (هرواریدبدقدم) محصول ۱۹٤۸ کمپانی آرك. رادیو امریکا هنرپیشگان پدر و آرمندارنز و ماریا الباارکس-یك اثر جاویدان «جان افتان‌یك نویسنده‌شهیرامریکائی‌است که‌حرص وطمع شررا برای بدست‌آوردن‌پول نشان میدهد، حرص‌وطمع مادی‌که عامل‌اصلی جنایات بشر و اختلاف وستیزه بین انسانها است !!

داستان فیلم زندگی یك خانواده روستائی در مکزیك می‌باشدکه بطور اتفاق مرواریدی بچنك میآورند و وجود این‌مروارید جریانات‌و وقایع تلخی را

ایجاد میکند که نموداری از پستی و فجایع بشر است تا اینکه در آخر فیلم زن و شوهر که پسر کوچک خودرا نیز در این حادثه از دست داده‌اند مرواریدرا به دور می‌افکنند و بزندگی ساده و آرام خود باز میگردند داستان فیلم بخوبی پرورش داده شده بازی هنرپیشگان و صحنه‌های فیلم نیز قوی است



صحنه‌ای از فیلم بزرگ «ژاندارک»

۳ـ (رومئو و ژولیت) ـ محصول سال ۱۹۳۸ باشتراک نرماشرر ولسلی هوارد (هر بیشه فقید) ـ این داستان از آثار تراژدی ویلیام شکسپیر داستانسرای مشهور انگلیسی است که بسبک کلاسیک ساخته شده و تجلی یک عشق ایده‌آلی و زیبا وبدون آلایشی است که موانع و قیودات زندگی از جمله دشمنی دو خانواده مانع وصل و سعادت آن میشود زیرا دختر از خانواده کاپولت و پسر از خانواده مونتاگو است و این دو خانواده باهم دشمنی دارند.

سرانجام هم رومئو و ژولیت انتحار کرده و در آغوش هم جان میسپارند. فیلم بطرز شیرینی تهیه شده و نرماشرر ولسلی هوارد بهترین پرسوناژهائی بودند که برای ایفای دل‌قهرمانان کتاب انتخاب شدند، بدین‌جهت این فیلم را می‌توان بعنوان یکی از آثار پرارزش سینمائی معرفی نمود.

۴ـ (لغزش) ـ محصول ۱۹۴۹ که توسط ایدا الوپینو ستاره شهیر تهیه گردیده و داستان آن نیز توسط خود ایدا الوپینو نوشته شده و آئینه‌ای از فجایع و اصول غلط زندگی اجتماعی و بدبختی افرادی است که در محیط های پوسیده و فاسد شده بسر

میبرند!! موضوع فیلم داستان ساده‌ای از زندگی است که انحراف یکدختر را توسط یك جوان بوالهوس نشان میدهد آنوقت همین دختر که در اولین عشق خود شکست خورده دچار بدبینی و یاس عجیبی میشود و هنگامیکه دیگری باو اظهار علاقه می کند اصلا باور نمیکند و از همه گریزان است ! یکداستان کاملا اجتماعی و درضمن اخلاقی است که نکاتی از جریانات بظاهر عادی زندگی را بهمراه دارد ، فیلم از لحاظ کلیه قسمتهای خود متناسب و قوی بوده ولی بیشتر اهمیت وارزش آن بواسطه سوژه و فکر آن است.

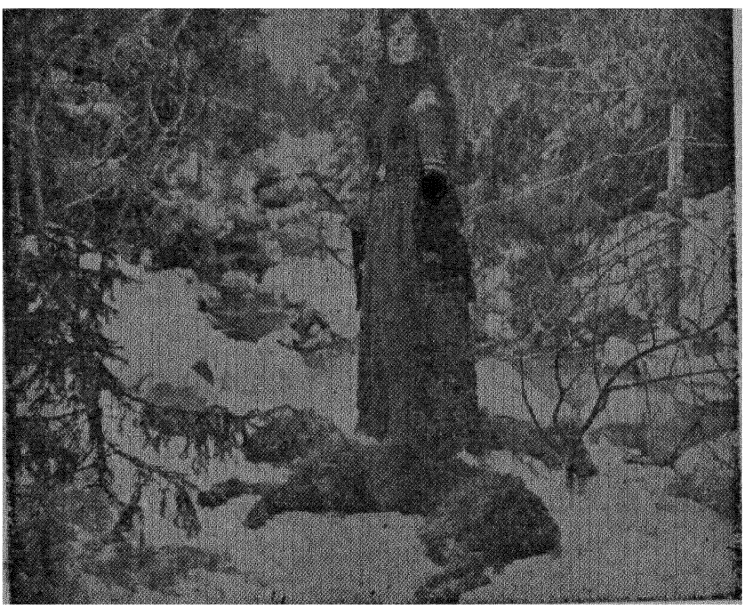
۵ـ (آهنك سیبری): محصول ۱۹۴۸ مسفیلم شوروی ـ داستان زندگی، روحیات ومبارزات معنوی یك کپوز تیور جوان است که اززندگی وطبیعت زادگاه خود سیبری برای ساختن آهنك الهام میگیرد اوزندگی را در میان سرما و کولاك وطن خود ترجیح بمسافرت باروپا وامریکا داده وباشوق وحرارت زیادی بمیان روسنائیان هموطن خود می شتابدتا برای آنها و بخاطر آنها آهنك بسراید و در قطعات و آهنگهای خودزندگی مردم وجنبش طبیعت سرد سیبری را مجسم کند، فیلم بیك مفهومی است که بطور حقیقی از زندگی حکایت کرده و از لحاظ پلان بندی بخوبی تنظیم شده و بعلاوه دارای موزیك موثر وآواز های کلاسیك زیادی می باشد درواقع از آن نوع فیلمهائی است که در ضمن داشتن جنبه تفریحی از جنبه هنری نیز بر خوردار بوده ودارای فکر مترقی اجتماعی است

۶ (خاطرات گذشته) محصول ۱۹۴۷ وارنر امریکا باشتراك ارسن ولز کلودت کلبر ـ ژرژ برنت ـ داستانی است که بندرت اتفاق میافتد . شروع جنك بین زن و شوهر جوانی فراق میافتد ، شوهر بجبهه میرود و زن بتصور اینکه اودر جنك کشته شده پس از سالها بامرد دیگری ازدواج میکند ولی بزودی آن مرد درلباس دیگری باز میگردد . آنوقت ماجرای تازه‌ای پیش میآید ... این فیلم ازلحاظ سبك موضوع بازی هنرپیشگان قوی بوده ومیتوان آنرا درجز فیلمهای هنری سطح بالا قلمداد کرد .

۷ (کارنگی هال) مربوط بنمایشات وکنسرتهای کارنگی هال بزرك نیویورك میباشد فیلم دارای موضوعی است که البته این موضوع حائز توجه نمیباشد بلکه کنسرتهای آن دیدنی وشنیدنی است. پیانو (آرتورروبنشتین) ویالون (یاشاهایفتس) آواز (لیلی پونس وراین ستیون) کنسرتهای (اسناکوفسکی ـ رودزنیسکی ـ پیاتیگورسکی و همچنین آهنگهائیکه از شوپن ـ شوبرت لیست وچایکوفسکی که در فیلم نواخته می‌شود عواملی است که فیلم را در یك پایه عـالی هنری قرار میدهد . فیلم محصول ۱۹۴۷ یونایتد آرتیست و هنرپیشگان آن ویلیام پرنیك ومارشاهولت ـ می باشند .

سال ۱۳۳۰

بهترین فیلم‌های سال ۱۲۳۰



«سینگرالا» بهترین فیلم سال ۳۰

۱ـ «سینگوالا» محصول سال ۱۹۵۰ سه کمپانی سوئدی ـ انگلیسی فرانسوی (نمایش‌دهنده سینما کریستال)

۲ـ «کفشهای قرمز» محصول ۱۹۴۹ کمپانی ج آرتور رانك انگلستان (نمایش دهنده سینماهای ایران و کریستال)

۳ـ «پاندورا» محصول ۱۹۵۱ انگلستان (سینماهای کریستال و ایران)

٤ـ « موسورسکی » محصول ۱۹۵۰ کارخانه مسفیلم شوروی (سینما تهران)

۵ـ « مسافرت بقطب » محصول ۱۹٤۸ کمپانی آرتور رانك انگلستان (سینما رکس)

٦ـ « سامسون و دلیله » محصول ۱۹٤۸ پارامونت امریکا (سینما های ایران والبرز)

۷ـ « گربه دلقك » محصول ۱۹۵۱ آلمان غربی (سینما کریستال)

۸ـ « بیگناه » محصول ۱۹٤۷ کمپانی پاته فرانسه (سینما کریستال)

ـ ۹ « گنج بر بادرفته » محصول ۱۹٤۸ کمپانی وارنر امریکا (سینما هما)

۱۰ـ « اسیرعشق » محصول ۱۹٤٤ چکوسلواکی (سینما کریستال)

بهترین هنرپیشگان زن سال ۱۳۲۰

۱ـ (انگرید برگمن) برای بازی درفیلم ژاندارك محصول آر.ك.او امریکا

۲ـ (ویوکالیند فورس) برای بازی در فیلم سینگوالا محصول سه کمپانی اروپائی (لیبرت)

۳ـ (تیرزا رایت) برای بازی درفیلم بهترین سالهای زندگی ما محصول آر.ك.او آمریکا

٤ـ (ماریا الناماركس) « « « مرواریـد بـاغ قدم محصول آر.ك.او امریکا

۵ ـ (ایدالوپینو) برای بازی درفیلم پرستش محصول وارنر امریکا

٦ـ (الیزابت تایلور) « « « مخمل ملی محصول مترو امریکا

۷ـ (الیویادوهاویلاند) » » » پرستش محصول وارنر امریکا

۸ـ (کلوریا وارن) » » » همیشه در قلب منی محصول امریکا

۸ـ (هویر اشرر) » » » کفشهای قرمز محصول ارتور رانگ انگلستان

بهترین هنرپیشگان مرد سال ۱۳۳۰

۱ ـ « هاری بور » برای بازی در فیلم بینوایان محصول کمپانی پاته فرانسه

۲ـ (پل موني) برای بازی در فیلم آهنگ فراموش نشدنی محصول کامپیا

۳ـ (میشل سیمون) » » » بیگناه محصول پاته فرانسه

٤ـ (کریستفر کنت) » » » سینگوالا محصول لیپرت

٥ـ (پل هوربیژر) » » » گریه دلقك محصول آلمان

٦ـ (جمس میسون) » » » پاندورا محصول انگلستان

۷ـ (والترهوستون) » » » همیشه در قلب منی محصول وارنر امریکا

۸ـ (ارسن ولز) » » » جادوی سیاه محصول یونایتد آرتیست امریکا

امتیاز سینماها در سال ۱۳۳۰

۱ ـ سینما کریستال با ۱۳٦ امتیاز اول و نمایش بهترین فیلمهای سال

۲ ـ سینما ایران با ۷٦ امتیاز دوم

۳ ـ سینما رکس با ۲۲ » سوم

شمه‌ای درباره ارزش فیلم های ۱۳۳۰

سینگوالا : محصول ۱۹۵۰ سه کمپانی کشورهای سوئد انگلستان ـ فرانسه ـ رژیسور : کریستیان ژاك باشتراك ویوکالیندفورس و کریستفر کنت ـ یك اثر عالی

سینما محسوب میشود که سبك سوژه وصحنه های آن بکلی درمیان محصولات سینمائی وجه تمایز داشته است، درواقع میتوان گفت که با کمتر فیلمی تشابه داشته است وداستان کاملا شیرین و جذابی است که روح بیننده را تسخیر می کند، زمان فیلم قرون وسطی و مکان فیلم درسوئد وداستان فیلم عشق وزندگی و ماجراهای یکدختر کولی نیمه وحشی بایك پرنس اشراف جوان میباشد که از زندگی اشرافی خود متنفر و گریزان است یك اثر دراماتیك عشقی پر آتریك بشمار میرود که بشکل عالی و پرهیجانی تنظیم شده و درعین اینکه از لحاظ تسخر اصول پوسیده فئودالیسم (ملوك الطوایفی) دارای ارزش اجتماعی است از لحاظ هنری نیز بشکل موثری ترتیب داده شده ودارای نکات فراوان وجالب اهمیتی میباشد داستان فیلم با اسرار وابهام ودر عین حال زیبائی وهم انگیزی توام است صحنه های هیجان انگیز و پرده های موثر ودردناکی از زندگی را ورق میزنند ، بازی هنرپیشگان کلیتا پرسوناژهای داستانرا بشکل زنده ای مجسم نموده و برارزش فیلم افزوده است ، نباید فراموش کرد که آهنگهای کولی وموزیك وهم انگیز متن که تناسب فراوانی با کلیه صحنه ها دارد نیز بر لطف وارزش داستان می افزاید . شخصیت سینگوالا دختر وحشی ، عشق وزندگی او نیز یکی از نکات باارزش فیلم است، سینگوالا فیلمی است که کمتر نظیرش پیدا می شود یك شعر زیبائی است که کمتر بفراموشی سپرده میشود ، سینگوالا از لحاظ کلیه قسمتهای فیلمی خود یعنی به موضوع ، بازی، دیالوك، موزیك و دکور غنی و پرارزش بشمار میرود ومیتوان با امتیاز درخشانی آن را یکی از عالیترین آثار سینمائی معرفی نمود .

کفشهای قرمز : محصول رنگی ۱۹۴۹ کمپانی ج . آرتور رانك انگلستان باشتراك موبر اشرر — لودمتیلاچرینا آنتونی ولبروك - کمتر کارخانه ای در جهان پیدا میشود که بتواند مانند کمپانی آرتور رانك هر محصول سینمائی خود حتی یك محصول موزیکال را بدین شکل عالی وکامل و پر ارزش بسازد وچنین موضوعات موثر وهم انگیز و درعین حال دردناکی را مجسم کند . کفشهای قرمز یك اثر موزیکال کلاسیك میباشد که داستان موثر عشقی شیرینی دارد .

اهمیت وارزش فیلم بیشتر بواسطه تنظیم داستان آن میباشد، بدینمعنی که داستان عشقی جالبی را باموضوع رقص وباله توام ساخته وبسبك همیشگی فیلمهای انگلیسی آنرا بشکل مبهم ودرعین حال جذابی در آورده اند که جنبه وایده آن بکلی از مرحله عادی زندگی دوراست ولی ضمنا بازبانی کلاسیك شیرینی و تلخی های زندگی واجتماع را مجسم میکند درطی فیلم رقصهای باله فوق العاده جالبی اجرا میگردد، ازجمله یکی خود رقص « کفشهای قرمز » اثر ایبسن است که موبر اشرر با لرین جوان و با استعداد انگلیسی آنرا اجرا میکند و این داستان که بشکل رقص اجرا میگردد سرگذشت دخترك رقاصی است که دلباخته یکجفت کفش قرمز میشود واما شیطان برای گمراه ساختن این دختر روح خبیث خود را داخل کفش میسازد هنگامیکه دخترك آنرا میپوشد در آغاز امر شروع برقص عجیبی میکند ، ببازارمکاره ها میرود درهمه جا با رقص خود غوغا میکند واما روح شیطان بتدریج دراو نفوذ میکند وآنوقت است که شیاطین دوراورا میگیرند ، دخترك که دارای روح پاکی است ازشیاطین میگریزد به کلیسا پناه میبرد واز کشیش تقاضای نجات و بخشش میکند ولی دیگر دیر شده است و هنگامیکه کفش

را از پای اودرمیآورند اودیگر مرده‌است . داستان خودفیلم نیز بشکل زیبائی با داستان این‌رقص بهم ارتباط داده‌شده ودرآخر فیلم‌نیز دخترك بخاطر عشق خود را بزیرترن افکنده ودرحالیکه کفشهای قرمز را پوشیده جان‌می‌سپارد.

این فیلم در واقع مظهر سبك سینمای انگلستان بشمار رفته و از آثار عالی فیلمهای کلاسیك محسوب میشود که ازلحاظ رنك‌آمیزی وتکنیك ورقص نیز برارزش وعالی است.

۳ـ(پاندورا) محصول رنگی ۱۹۵۰ کمپانی لیبرت انگلستان باشتراك جمس میسون ـ آواکاردنر ـ ماریو کابره ـ ازافسانه‌معروف‌هلندی‌سرگردان اقتباس شده ودارای جنبه فلسفی فراوانی‌است ، فیلم با این دوبیت شعر حکیم عمر خیام آغاز میشود .

از رفته قلم هیچ دگرگون نشود　　وزخوردن غم‌بجزجگرخون نشود
گردرهمه عمرخویش خونابه‌خوری　　یکذره زآنچه هست‌افزون نشود

افسانه هلندی سرگردان بافلسفه‌های عمرخیام‌وکانت‌توام‌شده وساخته‌های‌خیالی‌کار گردانان هولیود هم در آن نفوذ کرده معجونی درآمده است که‌ازبعضی‌لحاظ پر ارزش و حائز توجه وازبعضی‌جهات‌ضعیف‌وقابل انتقاداست . فکر اینکه دنیا بازیچه موهومات یاتصادفات‌است یاسرنوشت‌زندگی‌افرادراتعیین‌میکند‌فکری‌غلط‌وموهومی است که مورد قبول بشر مترقی‌که پایبند تئوریهای علمی میباشد نیست ولی‌باید قبول‌کنیم که افرادی یافت میشوند که روحیات خودرا تا ابد حفظ کرده و این روحیات مخصوص‌که با روحیات اشخاص‌عادی تفاوت دارد برای آنها سرنوشت معین و برخی اوقات بی‌پایانی ایجادمیکند که غیر قابل تغییر است افسانه‌هلندی سرگردان مربوط به‌مردی است که زن بیگناهش را بقتل میرساند وچون باشتباه خود پی میبرد محکوم میشودکه‌تا آخر عمرسرگردان بماند ، هفت‌سال دردریاها بسربرد ودرهرهفت سال چند لحظه یکبار خشکی بیاید آنوقت این اجبار به زنده‌ماندن‌او رارنج میدهدبطوریکه همواره آرزوی مرك‌رامیکند ولی این‌آرزوی اوز مانی جامه‌عمل بخود می‌پوشاندکه دختری شبیه بهمسر مقتولش را می‌یابد و این‌دختر باوعلاقمند میشود آنوقت اینو هردوباهم در دریا غرق شده و زندگی ومحنت آنرا ترك میکنند . این افسانه فلسفه‌ای‌اززندگی‌است‌که طرزتفکرمردم قدیم وضمنا نکات جالبی از تفکرات و تعمقات‌انسانی‌رانشان‌میدهد. «پاندورا»را بعلت نکات فلسفی‌آن وبازی جمس میسون وهمچنین تنوع صحنه‌ها وتکنیك‌ورنك رنك‌آمیزی‌بایددرردیف فیلمهای سطح بالا قرارداد.

۴ـ(موسورسکی): محصول رنگی سال ۱۹۵۰ کارخانه مسفیلم‌شوروی باشتراك باریسف‌وچرکاسف ـ این فیلم بیوگرافی و زندگی هنری موسورسکی کمپوزیتور عالیمقام روسی است که‌درقرن نوزدهم میزیسته ، موسورسکی‌موسیقیدان مبارزی‌بودکه مانند سایر هنرمندان بزرك درشرایط سخت اجتماع‌خودوبرضدطبقه حاکمه بخاطر هنرو اجتماع خودتلاش‌می‌نمود موسورسکی خود مالکی‌بودکه ملك وثروت خود را به روستائیان بخشید وبخاطرآزادی ونجات آنها ازقید اسارت‌و بندگی سخت مبارزه‌کرد دراین فیلم زندگی اجتماعی اوبخوبی نشان‌داده‌می‌شود.

عواملی که باعث ایجاد روح مبارزه در او گردید و بالاخره جریاناتی که باو برای ساختن آهنگ الهام بخشیدند !!

فیلم موسورسکی مانندسایر فیلم‌های بیوگرافیک شوروی و برخلاف فیلمهای بیوگرافیک هالیوود در اطراف زندگی خصوصی و یا عشق بازیهای این شخصیت تاریخی دور نمیزند بلکه بکار هنری او ، مبارزه اجتماعی و بالاخره ایجاد عوامل پرورش ذوق و نبوغ هنری موسورسکی توجه شده است بدین ترتیب درمیان فیلم های بیوگرافیک برای چنین فیلمی باید امتیاز درخشانی قائل بود بخصوصی که کنسرت‌ها و اپراهای او نیز کم و بیش درطی فیلم نشان داده میشود. بدین مسئله باید توجه زیادی کرد زیرا از لحاظ اصول هنری در فیلمهای بیوگرافیک باید به جنبه اجتماعی کار و زندگی شخصیت موردنظر توجه شود بدین ترتیب فیلم موسورسکی با وجود آنکه ازلحاظ تکنیک چندان قوی نیست هم دارای جنبه هنری است وهم جنبه اجتماعی!

۵ - (**مسافرت به‌قطب**) محصول رنگی سال ۱۹۴۸ کمپانی ج . ارتوررانك انگلستان باشتراك جان میلس . جمزرابرتسن داستانی است ازسیاحت و مسافرت کاشفین قطب جنوب که در آن تلاش و عملیات ماجراجویان باارادهای که مشکلات را پشت سرنهاده و موفقیت عظیمی را درراه کشف نقاط مختلف دنیا بدست آوردند مجسم می‌شود در این فیلم که ازلحاظ تکنیك بشکل خوب و پرارزشی تهیه شده مسافرت یکعده کاشفین را نشان میدهد با توجه بقسمت های مختلف آن باید قبول کرد که درفیلمبرداری زحمات واشکالات زیادی بوجود آمده است ولی فیلم برداران برکلیه این اشکالات فائق آمده و صحنه‌های جالبی از مسافرت کاشفین در میان سرما و یخ بندان وهمچنین مناظر هجوم بهمن وحمله خرس‌های سفید و گرگ‌ها و سایر ماجراهای قطب را نشان داده‌اند بطور قطع برای فیلم برداری ورنك آمیزی زیبا وطبیعی فیلم امتیاز درخشانی را میتوان قائل بود وضمنا متوجه شد که سینما در تجسم تلاش بشر در راه ترقی انسانست تاچه حد موثر و پر ارزش است

۶ - (**سامسون ودلیله**) محصول رنگی سال ۱۹۴۸ کمپانی پارامونت امریکا تهیه کننده سیل. ب. دومیل موزیك زویکتور یانك هنرپیشگان ویکتورمیچر - هدی لامار جرج ساندرس - آنجلالانسبوری - هانری و بلکوکسون این فیلم اقتباس از یکی از افسانه های مشهور تورات است که سرگذشت فانتزی قهرمان افسانه‌ای ملت یهود که سمبول آزادی و استقلال طلبی آن ملت بشمار میرفت در آن شرح داده میشود سامسون یا شمشون قهرمان نیرومندی بود که قدرت فیزیکی عجیبی داشت ، دلیله نیز دختری زیبای فلسطینی بود که فریفته نیروی عجیب وقدرت عظیم سامسون گردید فکر و ایده این افسانه بیان مبارزه ملی و استقلال طلبی ملتی است که در سالهای ماقبل مسیح برای حفظ استقلال و ملیت خود برعلیه جهالت و زورگوئی مبارزه میکردند. البته در فیلم بیشتر تکنیك ودکوراسیون نشان داده شده است و این ایده مقدس و عالی آنطور که لازم است پرورش نیافته بعلاوه پرسوناژ هانیز شبیه شخصیت‌های تاریخی مانند سامسون نیستند قطعا جوان ریش و سبیل تراشیده ای که بیشتر به

قهرمانان زیبائی اندام امریکا شبیه است بهیچ وجه سامسون افسانه تورات نمیتواند باشد ولی از لحاظ تکنیك ، فیلمبرداری پلان بندی و تروك (حقه) فیلم بینهایت عالی تنظیم شده ودر واقع میتوان گفت یکی از پر خرج ترین و بزرگترین آثار صنعت سینماتوگرافی است که حقه‌ها و ماکت های آن کمتر نظیر داشته است و از آن فیلم‌هائی است که در میان اکثریت طبقات مردم جهان با استقبال و علاقمندی روبرو میشود موزیك فیلم هم برلطف وارزش صحنه‌ها وجریانات فیلم افزوده است

۷ـ (گریه دلقك): محصول سال ۱۹۵۱ آلمان باشتراك هل هوربیژر این فیلم داستان مشهور لاخه بایاتزو یا گریه دلقك میباشد لاخه بایانتروسرگذشت دلقك ناکام وتیره روزی بود که بمنقضای شغل خود لازم بود همه را بخنداند ولی خیانت و بی وفائی همسرش وی را بی‌اندازه رنج میداد وچون او همسرش را بی اندازه دوست داشت قادر نبود ویرا از نزد خود براند و آنوقت هنگامی که او روی صحنه میآمد درلحظاتی که لازم بود مردم را بخنداند متاثر میشد وگریه و خنده او توام میگردید و آنوقت بود که تماشاچیان از خنده روده بر میشدند !! این سرگذشت را در طی این فیلم به شکل موثروجالبی درآورده‌اند بخصوص که بازی هنرپیشگان نیز تا اندازه‌ای در بالابردن ارزش فیلم موثر بوده است

۸ (بیگناه) : محصول ۱۹۴۷ کمپانی پاته فرانسه باشتراك میشل سیمون یك داستان موثر جنائی است که در آن مرد سبع و دیوانه‌ای جنایتی مرتکب میشود وقوع این جنایت ویرا ناگزیر میسازد که برای جلوگیری از کشف حقایق جنایت دیگری بکند بدین ترتیب پنج فر کشته میشوند گرچه فیلم جنبه اجتماعی و یا آموزنده‌ای ندارد لیکن یك سوژه پیچیده جنائی است که دارای جنبه روانی نیز بوده و بشکل خوبی تنظیم شده‌است بخصوص که میشل سیمون هنرپیشه فرانسوی نقش یك جانی قسی‌القلب را بخوبی ایفا میکند .

۹ (گنج نر بادر فته): محصول سال ۱۹۴۸ کمپانی برادران وارنر امریکا موزیك از ماکس ستینر باشتراك همفری بوگارت و والتر هوستن . حرص طمع بشر است که باعث جنایت و فجایع بیشماری میگردد همین حرص طلا و پول باشکال مختلف بر روح انسان مستولی شده و شخص را بطرف پستی و جنایت سوق میدهد خود آنها جنایاتی مرتکب میشوند وسپس خود نیز قربانی و فدای اعمالشان میگردند اگر بتاریخ زندگی خودمان از بدو تشکیل اجتماعات تاکنون نظر بیافکنیم بخوبی بمیزان جنایات خودمان واقف خواهیم شد... جنایاتی که باشکال مختلف بزرك و کوچك وجود داشته و دارد و تنها عامل آن حرص وطمع عادی عده معدودی از افراد بشر است که در نتیجه شرایط غلط اصول زندگی بدرجاتی پست تر از انسان سقوط کرده‌اند.

داستان این فیلم نیز سرگذشت سه نفر کارگری است که کار وزندگی خود را رها کرده و برای بدست آوردن طلا بکوه‌های سیرامادر میروند ودر راه بدست آوردن طلا از هیچگونه عملی خودداری نمیکنند و هنگامیکه مقداری طلا بچنك میاورند نسبت بیکدیگر سوظن و بدبینی پیدا میکنند آنوقت درصدد قتل یکدیگر برمیآیند در جریان وقایعی که اتفاق میافتد چون کیسه‌هائیرا که مملو از طلا کرده بودند پاره میشود باد کلیه طلاها را میبرد آنوقت است که یکی از سه نفر بدیگری میگوید : (باد آورده را باد میبرد) . هنرپیشه‌های فیلم بخصوص بوگارت وهوستن رل

های خودرا بشکلی عالی و متناسب ایفا میکنند وشخصیت کارگران حریص را نشان میدهند موزیك فیلم نیز فوق العاده مناسب و موثر تنظیم شده.

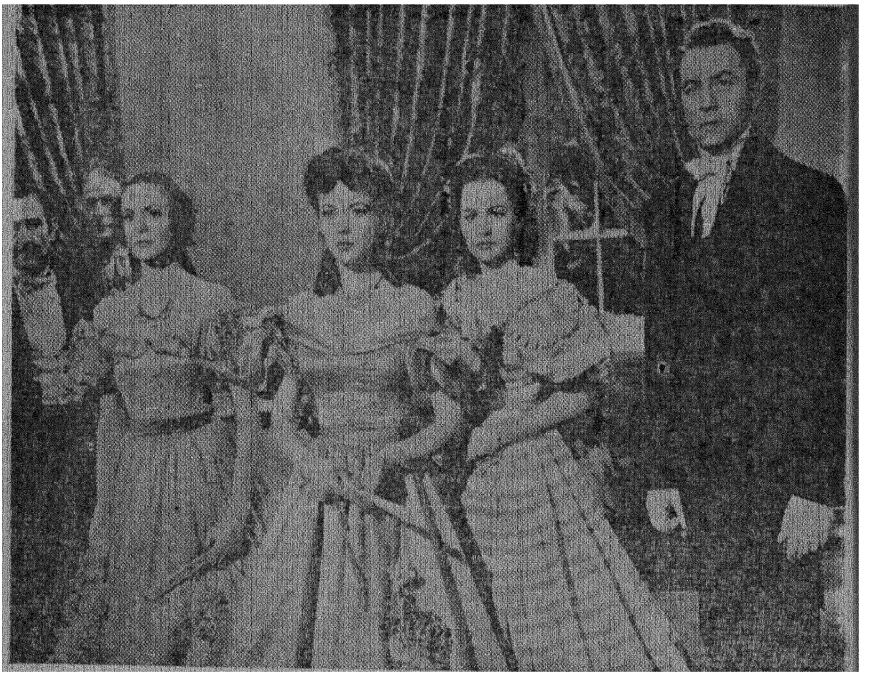
۱۰-(اسیرعشق) : محصول ۱۹٤٤ چکواسلواکی ناطق بزبان آلمانی باشتراك: ویل آدینا ، هانس ویتور یك داستان مؤثر عشقی واخلاقی است که ضمنا دارای فکر اجتماعی نیز میباشد داستان مربوط بسرگذشت دختری است که تنها زندگی میکند او نسبت بافسر جوانی بنام وارگا علاقمند میشود ولی وارگا احساسات او را درك نمیکند و مارتا دخترك زیبا در نتیجه نفر واستیصال مادی درمنجلاب فساد سقوط میکند سالها میگذرد ولی او اولین عشق خود ووارگای محبوبش را فراموش نمیکند وباوجود اینکه یك زن هرجائی شده احساسات ومعنویات خودرا حفظ میکند تا اینکه سرانجام روزی وارگای خودرا باز میابد وهنگامیکه عشقش را باو بازمیگوید وطلب نجات میکند جوان دانشجوئی که نسبت باو علاقمند شده بود درنتیجه شدت حسادت وی را هدف گلوله قرار میدهد ومارتا در آغوش وارگا جان میسپارد و تازه وارگا میفهمد که مارتا چه حد او را دوست میداشت با کمی ریزه کاری این داستان اخلاقی و پر مفهوم را چنان شیرین و جذاب ساخته اند که روح واحساسات بیننده را تسخیر میکند و قطعا فیلمی که بتواند در بیننده اثرات مطلوب و فراموش نشدنی بجا گذارد ودر ضمن از جنبه اخلاقی و اجتماعی نیز بی بهره نباشد پر ارزش بشمار می رود.

نگاهی به بهترین فیلمهای سال ۳۰

نگاهی به لیست بهترین فیلمهای سال ۳۰ بیفکنیم ... در این لیست چیزی که بیشتر



صحنه‌ای از فیلم همیشه درقلب منی (گلوریاوارن و والترهوستن)



صحنه‌ای از فیلم «پرستش» با خواهران برونته (ایدا الوپینو و اولیویا دوهاویلاند)

نظر را جلب خواهد گرفت. برتری و ترتیب محصولات انگلیسی است بدین ترتیب که از پنج فیلم اول سال دو فیلم محصول کمپانی آرتورانک انگلستان میباشند و این برتری و وجه تمایز فیلم های انگلیسی ترقی هنر سینما را در انگلستان نشان میدهد کمتر فیلمی از محصولات کمپانی آرتورانک وجود داشته که جنبه هنری فوق العاده نداشته باشد فیلمهای کاروان - حسادت - کفشهای قرمز - ارث شوم نمونه‌ای از آثار سینمائی آرتورانک محسوب میشوند که هریك شاهکارهای فراموش نشدنی و پر ارزشی شناخته شده‌اند ، از طرف دیگر فیلمهای لیدی هامیلتون - آنا کارنینا و عموسیلاس نیز از آثار دراماتیك آرتورانک بودند که بدون شك مانند یك اثر درام کامل وعالی بشمار میرفتند . فیلم بزرك و بی نظیر دزد بغداد محصول لندن فیلم در سال ۱۹٤۰ ودرام فراموش نشدنی « ربکا » که بدریافت جایزه اسکار نائل آمد دلایل دیگری برمیزان ارزش فیلمهای انگلیسی است، کارگردانان سینمای انگلستان در تهیه و تنظیم محصولات خود از لحاظ موضوع و فکر و ایده‌های اخلاقی نکته بینی و ریزه کاریهای جالبی بکار میبرند، موضوعات فیلمهای انگلیسی کمتر بهم نشابه داشته بشکل جالب موثر وجذابی تنظیم میشوند، سبك فیلمبرداری نیز در پرورش و تجسم این موضوعات بشکلی شیرین تر کمك میکند بدینجهت آثار سینمائی کمپانی آرتورانک در ردیف محصولات عالی و پر ارزش قرار میگیرند ولی متاسفانه مقداری از بهترین فیلمهای این کمپانی بایران نیامده‌اند ازجمله باید فیلم « رویای هولمان » را نام برد که در

دنباله فیلم کفشهای قرمز باشرکت موبراشرر و لودمیلاچرینا تهیه شد و بعنوان یك شاهکار موزیکال کلاسیك معرفی گردید. در آمارسال ۳۰ ازمیان فیلمهای شوروی به فیلم «موسورسکی» برخورده میکنم شورویها گرچه از لحاظ تکنیك وسبك فیلمبرداری نسبت بامریکا و انگلیس فوق العاده ضعیف هستند ولی محصولات کارخانجاتشان بر خلاف کمپانیهای هالیود بر اساس و جنبه هنری و اجتماعی قرار دارد ، کلیه موضوعات فیلمهایشان دارای ایده و نتیجه و جنبه های موثر و مترقی آموزنده است وگرچه آکترهای شوروی چندان قوی بازی نمیکنند و بازی آنها بیشترشبیه ببازی آکتورهای تآتر است لیکن هدف سینمای آنها بیشتر متوجه تجسم و نمایش جنبشهای مردم و تلاش روز افزون بشر برای نیل بسعادت و آرامش و بالاخره وجود هم بستگی و یگانگی میان کلیه افرادبشر است .



جورج وهدی لامار درصحنه‌ای ازفیلم سامسون ودلیله

در میان فیلمهای شوروی که ازسال ۱۹۴۹ وارد مرحله جدیدی گردید بیشتر بآثار بیوگرافیك و همچنین موضوعات اجتماعی برخورد میکنیم نمونه آنها فیلم «موسورسکی» بودکه مانند یك فیلم بیوگرافیك بتمام معنی عالی وکامل بشمارمیرفت. و اما ترتیب فیلمهای سال ۳۰ بما نشان میدهدکه آثار در اماتیك و اجتماعی به مراتب بآثار صنعتی سینما مانند سامسون ودلیله که تنها دارای تکنیك ودکوراسیون میباشند ترجیح داشته و ارزش فیلمهائی که دارای موضوع قوی و ایده عالی میباشند بمراتب ازفیلمهائی که دارای تکنیك قوی هستند بیشتر است.

بهترین فیلمهای سال ۱۳۳۱

۱- «یتیم» محصول سال ۱۹۵۰ کمپانی آرتورانك انگلستان (نمایش دهنده سینما رکس)

۲- «وارثه» محصول سال ۱۹۵۰ کمپانی پارامونت امریکا (سینما کریستال)

۳- «ساقه سبز» محصول سال ۱۹۴۳ کمپانی برادران وارنر امریکا (سینما کریستال)

٤- «تاراس شفچنکو» محصول سال ۱۹۵۱ کارخانه مسفیلم شوروی (سینما کریستال) رنگی

٥- «صخره مرك» محصول سال ۱۹۵۰ کمپانی برادران وارنر امریکا (سینما رکس)

٦- «پیروزی درخشان» محصول سال ۱۹۵۰ کمپانی یونیورسال انترنشنال امریکا (سینما دیانا و پارك)

۷- «نامه یك زن ناشناس» محصول سال ۱۹٤۸ کمپانی یونیورسال انترنشنال امریکا (سینما مایاك)

۸- «تعیین سرنوشت بامانیست» محصول سال ۱۹۵۰ کمپانی کلمبیا امریکا (سینما کریستال)

۹- «ماجراجویان مرزی» محصول سال ۱۹٤۹ آلمان (سینما کریستال)

۱۰- «کنسرت بزرك» محصول سال ۱۹۵۰ کارخانه مسفیلم شوروی (سینما کریستال و مایاك) رنگی

بهترین هنرپیشگان زن سال ۱۳۳۱

۱- (اولیویا دوهاویلاند) برای بازی در فیلم وارثه محصول کمپانی پارامونت امریکا

۲- (بت داویس) برای بازی در فیلم ساقه سبز محصول کمپانی وارنر امریکا

۳- (جون فونتن) » » نامه یکزن ناشناس محصول کمپانی یونیورسال امریکا

۳- (ویرجینا مایو) » » صخره مرك محصول کمپانی وارنر امریکا

٥- (مارگارت سولیوان) » تعیین سرنوشت بامانیست محصول کلمبیا امریکا

٦- (کی والش) » » یتیم محصول کمپانی آرتورانك انگلستان

۷- (انگرید برگمن) » » زندگانی دوزخی محصول کمپانی وارنر امریکا

۸- (والی) » » » پارادین محصول سلزنیك امریکا
۹ (جین اوینك) » » ساقه سبز محصول وارنر امریکا
۱۰-(جون لیسون) » » زنان کوچك محصول کمپانی مترو امریکا

بهترین هنرپیشگان مرد

۱-(جان هووارد داویس) برای بازی در فیلم یتیم محصول آرتوروانك انگلستان
۲-(رابرت نیوتون) » » » » » » » » »
۳-(امیل یانینگس) » » » تا آخرین نفس محصول کمپانی توبیس آلمان
۶-(الك گوئینس) » » » یتیم محصول آرتوروانك انگلستان
۷-(اریك فن شترهیم) » » » غروب یك ستاره محصول کلمبیا امریکا
۸-(جون دال) » » » ساقه سبز محصول وارنر امریکا
۹-(جوزف کاتن) » » » زندگانی دوزخی محصول وارنر آمریکا
۱۰-(ارسن ولز) » » » گل سیاه محصول کمپانی فوکس امریکا

امتیاز سینما ها

سینما کریستال با ۹۵ امتیاز اول و نمایش دهنده بهترین فیلمها
سینما رکس با ۵۴ امتیاز دوم
سینما ایران با ۱۹ امتیاز سوم



صحنه‌ای از فیلم «رزیکال (بخت واشتباه)»



کارمن سویلا و لوئی ماریانو در فیلم (آندالوزی)

سال ۱۳۳۱ را باید دره سال اخیر نمایش دهنده درخشانترین فیلمهای سال دانست زیرا دراین سال چند تا از بهترین محصولات سینمائی جهان بمعرض نمایش گذارده شده و بعلاوه ازلحاظ تعداد نمایش فیلمهای دیدنی و با ارزش نیز برسایر سالها مزیت و برتری دارد. بغیراز ده فیلم اول سال فیلمهای کوی کرانیچنا و آخرین مرحله از محصولات لهستان «آندالوزی» از محصولات فرانسه «بهت واشتباه» از محصولات انگلستان وبالاخره فیلمهای «گل سیاه» محصول رنگی کمپانی فوکس «روح وجسم» محصول کمپانی مترو «زنان کوچك» محصول رنگی مترو زندگانی دوزخی محصول وارنر «پارادین» محصول کمپانی سلزنیك از محصولات امریکا فیلمهائی بودند که کم و بیش دارای ارزش بوده واز لحاظ هنری درسطح بالا قرار داشتند و آنها را میتوان از جمله بهترین فیلمهای دیدنی دانست . علاوه ازلحاظ نمایش فیلمهای با ارزش تکراری نیز سال ۳۱ دارای امتیاز قابل توجهی است. فیلمهای «کفشهای قرمز» - «زاندارك» «آرشه سحرآمیز» «گمراه» «هاملت» «تصویر دوریان گری» ومجمل ملی از فیلمهای عالی و پرارزش تکراری بودند که درطی سال نمایش داده شدند واتفاقا از بعضی فیلمهای تکراری استقبال خوبی بعمل آمد



صحنه‌ای از رقص اسپانیولی کارمن سویلا در فیلم آندالوزی

ازمیان فیلمهای موزیکال با ارزش سال باید «آندالوزی» و «بخت اشتباه» را نام برد آندالوزی یك کمدی موزیکال فرانسوی بود که لوئی ماریانو خواننده مشهور و «کارمن سویلا» رقاصه محبوب اسپانیائی رلهای اول آنرا بعهده داشتند.

بخت و اشتباه یا خوشحال و بیخیال یك کمدی شیرین و جالب رنگی بشمار می‌رفت که چند صحنه رقص فوق العاده عالی داشت که «ورااالن» آنرا اجرا میکرد و در میان فیلمهای پوچ موزیکال از لحاظ شیرینی موضوع و سرپائش زیت زیادی داشت.. اکنون شرح مختصری دوباره میزان ارزش و علت برتری یکایك ده فیلم بزرك سال :

۱ـ (یتیوم) : یا اولیورتویست محصول ۱۹۵۰ کمپانی ج آرتوور رانك انگلستان باشتراك جان هواردداویس - آلك کوئینس - رابرت نیوتون - کی والش. طوفان وحشتناك همراه با رگبار شدیدی در نیمه های شب جان دخترك زیبای حامله‌ای راکه ازراه بیابان بطرف پرورشگاه تیمان پیش میرود تهدید میکند، ولی درآخرین لحظه بمقصد رسیده و آنشب او پسری را بدنیا میآورد که حاصل عشقبازی یکشبه او است بدین طریق الیورکه نوه یك لرد بانفوذ و متمول است با بعرصه وجود بنهدوداستان «چارلزدیکنس» داستانهای مشهور انگلیسی بدین طرق آغاز میشود.

دیکنز در این اثر حوادث وجنجال یك محیط فاسد راتجسم میکند، پرسوناژ های این داستان پرابهام و مهیج و اسرارانگیز هریك برای خود تیپهای جالبی هستند که جلب نظر میکنند. در این داستان حوادث عجیبی که برای یك کودك



اولیور تویست در پیشگاه رئیس جیب برها (صحنه از فیلم یتیم) یا بهترین فیلم سال ۴۱

نجیب‌زاده در زاویه‌های جنوب شهر لندن در یکقرن پیش اتفاق می افتد نشان‌داده میشود ، فیلم نه تنها از لحاظ داستان و بازی هنرپیشگان قوی و فوق العاده است بلکه تکنیك وسبك عالی فیلمبرداری ودکوراسیون عجیب فیلم که بطرز ماهرانه وهنرمندانه‌ای تهیه شده بسهم خود پرارزش و دیدنی میباشد . صحنه های فیلم بی شباهت بصوری که تنها درعالم تخیل انسانی وجوددارد نیست ولی درعین حال برداشتن اززندگی ووقایع اجتماعی است که دارای فکر و نتایج عالی اجتماعی و اخلاقی میباشد . از لحاظ بازی آکترها نیز فیلم غنی است زیرا جان هواردودویس کودك خردسال انگلیسی دررل اولیور — کی‌والش دررل یکزن تیره روز و خوش قلب ، آلك کوینس دررل رئیس بچه های جیب برو بالاخره رابرت نیوتون درنقش یك دیوانه حریص هریك عالی ودرخشان بازی میکنند میباشند !

۴ـ (وارثه) : محصول ۱۹۵۰ کمپانی پارامونت باشتراك اولیویادو ـ هاویلاند ـ مونتگمری کلیفت ـ یك داستان اخلاقی میباشدکه از لحاظ جنبه داستانی رقلمی فوق العاده عالی وقوی تنظیم شده . واین داستان زندگی دختری حساس درشت میباشد که آمال وآرزوهای زیادی دارد لیکن زشتی اوسبب گردیده که مردها از اودوری نمایندوکسانی هم که باو نزدیك میشوند فقط چشم طمع بثروت پدرش دوخته اند ! زندگی در تنهائی باو فرصت میدهدکه غرق دراندیشه های خودشود . زشتی چهره سعادت دروغین وسطحی رااز او بازگرفته درعوض ویرا بدرك حقایق تلخ زندگی وامیدارد.

هنگامیکه عشق دروغی بخاطر ثروت پدری بطرفش میآمد او بمقتضای

سادگی درونی خود فریفته آن میشود ولی خیلی زودتر از آنچه بتوان تصور کرد به حقیقت پی میبرد و هنگامیکه عشن دروغی در برامی کوبد و فریاد میزند : دربرا باز کن!

او که باحقارت ودوروئی اطرافیان ومردم آشنائی پیدا کرده پاسخی نمیدهد اوحاضر نیست بازیچه دست چنین افرادی شود، فیلم چندان جنبه اجتماعی ندارد دوقسمت باارزش سوژه و باری قوی آن میباشد . واین دوقسمت با ارزش عاملی است که این فیلم را عالی ساخته ودرطراز اول محصولات بزرگ سینما قرارمیدهد.

۳ - ساقه سبز : محصول سال ۱۹۴۳ کمپانی برادران وارنر امریکا به اشتراک بت داویس - جون دال - جین لورینك لورنك یکداستان اخلاقی واجتماعی است یعنی یك مفهوم واقعی و پرمغزاز زندگی در بردارد داستان فیلم مربوط بسال ۱۸۹۵ میلادی ومکان آن یکی از قراء انگلستان است قهرمان فیلم زنی است که زندگی خود راوقف سعادت و پیروزی جوانان زادگاه خود میکند اوپس ازفارغ التحصیل شدن از دانشگاه هنگامی که بزادگاه خود مراجعت میکند متوجه میشود که در آن قریه مدرسه ای وجود ندارد وساکنین آن غالبا از نعمت سواد محرومند بالنتیجه تصمیم میگیرد که مدرسه ای دایر کرده وجوانان دهکده رابکسب معلومات دعوت نماید احساسات عمیق اووارادهٔ راسخش ویرا در این تصمیم یاری میکند درمیان شاگردان او جوانی بنام مورگان



جون دال وبت داویس درفیلم ساقه سبز

وجود دارد که در سایه استعداد فطری خود بسرعت پیشرفت کرده و با همراهی و کمک معلم فداکار خود رتبه درخشانی در امتحانات دانشگاه آکسفورد بچنگ می آورد و اما قهرمان فداکارما که موهای خودرا در این راه سپیده کرده میگوید : بی نهایت خوشوقتم که فرد روشنفکر و تحصیل کرده‌ای تحویل اجتماع میدهم اکنون وظیفه من نسبت به تو پایان یافته نوبت تو است که پس از تحصیلات عالی بخدمت خلق بپردازی تو باعث افتخار کارگران قریه خود هستی .

بطوری که می بینیم داستان موثری بشمار میرود که دارای فکری عالی است چنین فیلم هائی دارای جنبه آموزنده بوده و مفهوم هنری آنها هنر برای مردم و هنر برای هدایت و راهنمائی افکار بشر است ضمنا باید گفت که هنربازی و موزیك نیز در این فیلم فوق العاده قوی است .

(۴ـ تاراس شفچنکو) محصول رنگی سال ۱۹۵۱ کارخانه مسفیلم شوروی باشتراك بوندارچوك. زندگی و مبارزات اجتماعی تاراس شفچنکو شاعر مبارز خلق روس است که در راه تجسم دردها و مرارتهای ملت خود در زمان تزار رنجها و مصائب فراوانی تحمل کرد و زندگی و سلامتی خودرا در این راه از دست داد تنها آثار جاویدانی بجا گذارد که نمونه افکار عالی اجتماعی او بشمار میرود. این سراینده اشعار روستائی هنرخودرا نفروخت و برای خاندان اشراف شعر از دلدادگی و عیاشی نسرود بلکه بمیان روستائیان وطبقه محروم اجتماع رفت واز نزدیك بازندگی آنها آشنا شد و آنوقت بزخم درون خود مرهم نهاد و با اشعار خود مردم را بمبارزه دعوت کرد حکومت وقت اورا تبعید کرد بیست پنج سال از بهترین سالهای زندگی خودرا به خدمت اجباری سربازی گذراند ولی شخصیت و اراده خودرا حفظ کرد بطوریکه چرنیشفسکی نویسنده بزرگ روس بعد از بیست و پنجسال تبعید هنگامیکه از او پرسیدند شفچنکو در چه حال است؟ جواب داد: «قیافه او پیر شده ولی روحش هنوز جوانست»

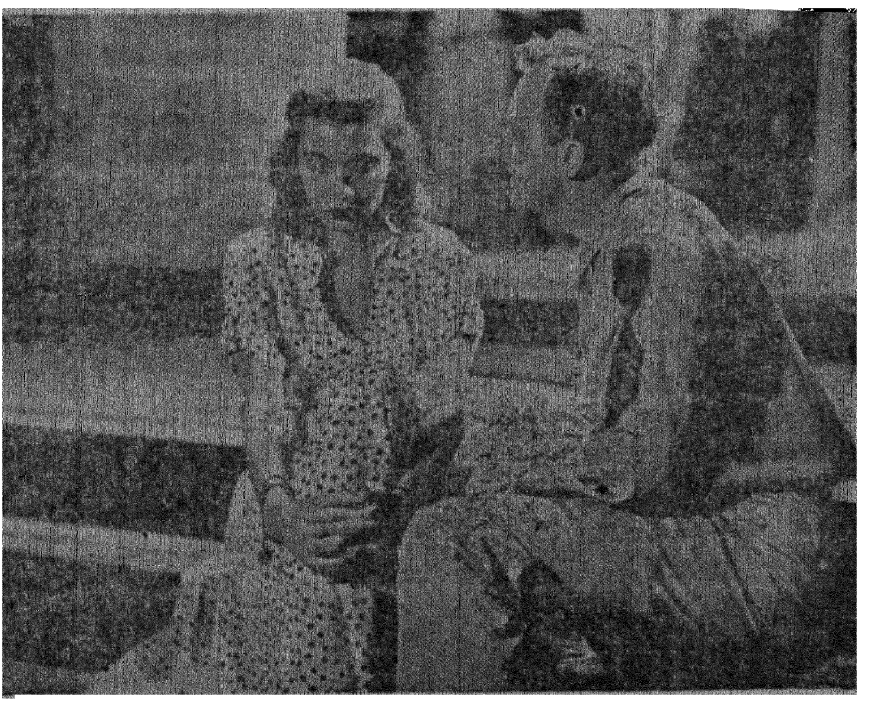
این فیلم، بیوگرافی کاملی از زندگی اجتماعی و مبارزات شفچنکو شاعر روستائی است که بهترین وجهی محرومیتهای یك هنرمند مبارزات اجتماعی او و افکار آزاده انقلابی را مجسم میکند موضوع و ایده که ارکان اساسی هر فیلم میباشد در این فیلم بحد اعلای خود قوی و عالی تنظیم شده.

۵ـ (ضجره مرگ) : محصول سال ۱۹۵۰ کمپانی برادران وارنر امریکا ژیسور راءول والش موزیك از دیوید بوتولف و هنرپیشگان آن جوئل مك کری ـ و برجینیا مایو و دوروتی مالون میباشند.

این فیلم سرگذشت وس مك کوئین یکی از راهزنان مشهور امریکائی است که به طرزی شجاعانه جان سپرد ... در زمان قدیم درمغرب زمین (امریکا) راهزنانی یافت میشدند که باوجود اشتغال به شغل راهزنی بیش از دیگران از صفات عالی انسانی و شهامت خطری بهره‌مند بودند ولی فساد محیط آنها را به راه سوئی سوق داده بود . داستان‌هائی از این راهزنان باقی مانده که یکی از این داستانها همین داستان است که نام حقیقی آن «سرزمین کلرادو» میباشد قهرمان اول فیلم راهزنی است که برعلیه پستی مبارزه میکند و سرانجام نیز شجاعانه جان می‌سپارد

در این فیلم دختری هم وجود دارد که او نیز دلباخته این راهزن بی باک شده و تا آخرین لحظه با او همراهی میکند دختری که در سایه یک عشق واقعی و عالی محبوب ماجراجوی خود را به پول نفروخت و تا دم مرگ شجاعانه از او دفاع کرد ، ضمناً دختر دیگری را می بینم که برای عشق و علاقه و س راهزن ارزشی قائل نشد و خواست که بخاطر پول او را تسلیم پلیس نموده و از جایزه دستگیرش بهره مند شود این فیلم در میان فیلمهای وسترن یک اثر تمام معنی عالی و دیدنی بشمار میرود و ثابت میکند که در میان فیلم های وسترن آثار باارزشی نیز پیدا میشوند که جالب و دیدنی هستند پس از موضوع موزیک فیلم از لحاظ تناسب با صحنه ها تکنیک و فیلمبرداری از لحاظ سبک و ریزه کاری فوق العاده عالی تنظیم و تهیه شده اند فیلمی است که چه از لحاظ کیفیت و چرا از لحاظ کمیت با ارزش به شمار میرود:

۶ - (پیروزی درخشان) : محصول سال ۱۹۵۰ کمپانی یونیورسال انترنشنال امریکا رژیسور : هارك روبسون موزیك از فرانك سکینر و هنرپیشگان: آرتور کندی - پگی دوو .



پگی دوو و آرتور کندی درفیلم پیروزی درخشان

سرگذشت شورانگیز سرباز جوانی است که درطی جنك نابیناشد ولی اراده قوی و دوستی معنوی دختری اورا نسبت بآینده وزندگی امیدوار ساخت. قسمت اساسی فیلم ازبازی هنرپیشگان تشکیل یافته است .

شکی نیست که ایفای رل یک نابینا و بیان افکار و احساسات او تاچه حد دشوار است ! لیکن آرتورکندی بخوبی رل نابینارا بازی میکند درچهره یک نابینا حالت بخصوصی وجود دارد که حاکی ازعدم بینائی وادراك بصری او است ، چشمان نابینا حالت ندارد زیرا چیزی نمی بیند که عکس العمل بنماید و البته تجسم این حالات بی اندازه دشوار است ترکیب صحنه های فیلم ازلحاظ داستان وموزیك متن فیلم نیز باارزش وکامل بشمارمیرود بدین جهت باتوجه باین نکات می توان پیروزی درخشان را درزمره یکی ازبهترین فیلمهای سال قرارداد.

۷- (نامه یك زن ناشناس) : محصول سال ۱۹۴۸ کمپانی یونیورسال انترناشنال امریکا نویسنده داستان استفان زوایك - باشتراك جون فونتن و لوئی جوردن. داستان فیلم که ازرزوایك نویسنده مشهوراطریشی میباشد تجلی عشق و ناکامی دخترحساس وتیره روزی است که در اولین عشق خود باشکست روبرو میشود او در عنفوان جوانی خودرا تسلیم کسی میکند که بعد پرستش دوستش میدارد در حالیکه آنکس اورا بازیچه عیاشی آنی و پوچش میگرداند داستان فیلم گذشته چنین واقعه ای راحکایت میکند هنگامیکه استفان نویسنده به منزل شهری خودمراجعت می کند نوکرش نامه ای باومیدهد که وقتی آنرامیگشاید خودرا با نوشته های دختری روبرو میبیند که زمانی بازیچه شهوت اوشده بود وفیلم سالها به عقب برگشته و داستان راباز بان نوشته های آندختر شروع میکند زمانی که دخترك ساده وحساس سیزده ساله ای بودو استفان نویسنده جوان همسایه آنها شده هرروز ملاقاتش میکرد وجودیکه قلب دخترك بیچاره را فشرد واحساسات درونی اورا بیدار کرد تا بالاخره دریك شب برفی دخترك که مسحوراولین عشق خودشده بود خودرا تسلیم شهوت مردی ساخت که از شرافت و حقیقت زندگی بوئی نبرده بود، صبح روز بعد استفان قربانی هوس بازی خود راترك کرد و به دنبال زندگی همیشگی خودرفت و آنوقت دخترك جوان با اولین و آخرین عشق خود تنهاماند حاصل آن عشق بازی یکشبه پسری بود که تنها یادگار اولین عشق اوبشمار میرفت ، بامردی که دوست نداشت ازدواج کرد سالها گذشت بازهم آنها همدیگر راملاقات کردند ولی استفان دیگراورانمی شناخت زیرا اوهیچ گاه قربانی های شهوت خودرابه خاطرنمی سپرد !! مرك پسر کوچك تنها یادگار استفان را نیز نابود ساخت آنوقت اوازدر نامه اش می نویسد « بچه من دیروز مرده است. سه روزو سه شب بخاطراین موجود ظریف وکوچك بامرك دست به گریبان بودم ، ساعت های متوالی درحالی که بدن کرم و بیچاره اش درتب میسوخت بربالینش نشستم ، من میدانم که بچه ام مرده ، دیگرتنها توبرایم مانده ای و بس تنهاتو که بی خبر ازهمه چیز بازندگی من بازی کرده ای تو که هیچگاه مرانشناخته ای تو که همه چیز من بودی وهمه چیز من هستی حالا که منهم دارم میمیرم لازم نیست به من جوابی بدهی ، اوه اگر این کاغذ بدست توبرسد بدان که زنی ناکام که زندگی اش تمام شده سرگذشت خودرا برای تو حکایت میکند .» یك اثر عالی قلمی است که به طرز موثری روی پرده سینما آمده موزیك مناسب و بازی متناسب هنرپیشگان برلطف وارزش آن افزوده است.

۸ـ(تعیین سرنوشت باما نیست): محصول سال ۱۹۵۰ کمپانی کلمبیا امریکا باشتراك مارگارت سولیوان . وندل کوری ـ ویوکاایندفورس

داستان ساده‌ایست که از زندگی خانواده‌ای برداشته شده‌است. واقعه‌ای که جنبه هیجان انگیز فیلم را بوجود میآورد بیماری سرطان زن جوانی است که دکتر باو اطلاع میدهد که بیش از شش ماه قادر نخواهد بود زندگی کند و او برای اینکه شوهر و دختر کوچکش را ناراحت نکند بآنها چیزی نمی گوید و با تحمل این گذشت و فداکاری بزرك سعی میکند که زندگی خود را در مدت شش ماه بخوبی و راحتی بگذراند و هنگامی که میبیرد درسی از فداکاری از خود بجا میگذارد این داستان از لحاظ اجتماع ماکاملا آموزنده و پرمفهوم بشمارمیرود چنین داستان وفکری برای دختران وزنان مالازم است تاکمی ازبی فکری‌ها زندگی سطحی گریخته و حتی آنقدر قادر باشند زندگی خودرا وقف سعادت دیگران کنند وهنگامی که محکوم به مرك میشوند وسائلی ایجاد نکنند تاکسانی که بآنها علاقه دارند دچار ناراحتی و شکست گردند صحنه‌ها و جریانات فیلم طوری است که داستان را بخوبی پرورش داده و بازی موثر مارگارت سولیوان نیز مزید بسر ارزش فیلم است .

۹ ـ ماجراجویان مرزی : محصول سال ۱۹۵۱ آلمان شرقی باشتراك ویتربورشه ـ اینکه اگر ـ پترموسباخر این فیلم نمودار و نماینده وقایع وجریانات بعداز جنك در کانون واقعی جنك یعنی آلمان می باشد .

ماجراجویان مرزی زندگی ۷۰۰۰۰ کودك بیگناه را که شرایط زندگی و وقوع جنك آنها را به بخت ومنحرف ساخته است نشان میدهد . داستان فیلم مکتب گرانبهائی برای ماست که باحقایق آشناشویم ونتایج جنك را به بینیم . شاید کمی برای ماغیر قابل تصور باشد؟ شاید تصور کنیم چقدر ساختگی است؟ ولی آخر ما چنان جنگی رامتحمل نشده‌ایم زندگی کودکان مابشکل دیگر رقت انگیز وفلاکت باراست ازاینها بگذریم فیلم صحنه های پرشور وجنب وجوش بعداز جنك را برای تامین حوائج مادی نشان می دهد .

کودکانی که باوجود ممانعت پلیس دست از جان شسته ازمرز عبور ومرور می نمایند تامواد مخدره حمل کنند ، دختر جوانی که فشار محیط برخلاف میل قلبیش وبرا وادار بشرکت درعملیات قاچاق می نماید ولی حوادث بعدی ضمیر نابجای اورا بیدار نموده و حس تنفرش را نسبت باین جریانات برمی انگیزد، جوان محصلی که از فساد و تباهی کودکان متاثر است ولی معتقداست که مولد این جریانات کشیدن تیرهائی بنام مرز وسرحد بین کشورهااست اگر مرزها که عامل فساد هستند ازبین بروند دیگر چنین جریاناتی بوجود نخواهد آمد!! جوان دیگری که بکلی گمراه گشته و کودکان بیگناه دیگری را نیز اغفال میکند وبالاخره پیرمردی که تجربه ۶۰ ساله و تلخ اورا بحقایق بیشتری واقف ساخته ومی خواهد باتحمل هرگونه رنج وگرسنگی اطفال خودرا از شرکت در این جریان شوم فساد و تباهی برحذر دارد!

تمام این قیافه ها دیدنی است مجموعه این قیافه‌ها وعملیات آنها جریانی را



صحنه‌ای از فیلم (ماجراجویان مرزی)

بوجود میآورد که حاصل آن درس آموزنده‌ای برای بیننده می‌باشد بشرطی که بیننده بخواهد درك کند و بداند. نکات جالبی درطی فیلم وجود دارد و جملاتی بگوش میرسد که پرمفهوم وعالی است ازجمله دریك صحنه هنگامیکه کودکان مشغول کندن برنز یکی ازقبرها هستند یکی بدیگری میگوید: اینجانام خدارانوشته‌اند آنرا نکن! واما دیگری جواب میدهد: **ای بابا بحال مرده چه فرق میکند که روی قبرش اسم خدا باشد، آنرا بکن تا شاید در این دنیا بکار ما بخورد.**

فیلم غرق درجنبش وآنتریك است واین آنتریکها دراطراف هدف اجتماعی فیلم دورمیزنند دروافع ازآن نوع فیلمهائی است که دارای هدف اجتماعی بوده و داستان آن نیز برداشتن ازبند جریانات وحوادث بعداز جنك وتجسم نتایج شوم آن می‌باشد.

۱۰ (کنسرت بزرك): محصول رنگی سال ۱۹۵۰ کارخانه مسفیلم شوروی.

این فیلم کنسرتها و نمایشات هنری بالشوی تآتر مسکورا نشان میدهد ، البته موضوع آن چندان مورد توجه نیست خلاصه موضوع کوتاه آن دعوت هنرپیشگان تآتر ازهنرپیشگان ساوخوزها و کلخوزها میباشد ودرآخر فیلم گفته میشود که هنرمندان بااستعدادی رادرزمینه های هنری از میان کارگران و زارعین میتوان پیدا نمود .

در طی فیلم قطعات باله « دریاچوقو » موزیك از چایکوفسکی — اپرای «ایوان‌سوسانین» موزیك ازگلینکا — اپرای‌پرنس ایگور وچندقطعه دیگر اجرا میگرددکه هریك ازلحاظ هنری باارزش‌ودیدنی‌میباشند . فیلم کنسرت بزرك را باید یك‌اثر باارزش هنری دانست که مجموعه‌ای‌ازنمایشات‌اپرا ، باله‌وکنسرت‌و رقصهای گوناگون محلی وملی است .

برای انتخاب بهترین فیلمهای سال ۳۲

عمده بحث ما در این کتاب به فیلمهای طراز اول سال ۳۲ اختصاص‌دارد متاسفانه ترقی دلار در سالهای گذشته و رواج فیلمهای فارسی درسال ۳۱ و بهار ۳۲ سبب شدکه از تعداد فیلمهای خارجی کاسته شود و بخصوص ازموفقیت فیلمهای با ارزش دراماتیك وآثار هنری کاملا کاسته شود بطوریکه‌در تنظیم آمارسال۳۲ تعداد فیلمهای با ارزش اولین مرتبه فوق‌العاده ناچیز بود و حتی درفصلهای‌بهار و پائیز اصلافیلم چندان برجسته و پرارزشی بروی پرده نیامد و اگر در زمستان گذشته چند فیلم نسبتا با ارزش (آنهم البته با اشکال زیاد) بمعرض نمـایش نمیگذاردند اصلا امکان‌معرفی ده فیلم اول سال پیدانمیشد . و اما درمیان‌فیلمهای اول سال‌گذشته محصولاتی مانند (تراموائی بنام هوس) و (نسل بیچاره) پیدا می‌شوند که ازهرلحاظ قابل بحث و تجزیه و تحلیل هستند ،هدف نهائی‌ازاین بحث طویل و عمیق بیان نکات پر اهمیت وجنبه های متمایز اخلاقی . اجتماعی و هنری هرفیلم و ضمنا بیان و تشریح اهمیت وارزش هنری‌سینما میباشد



بت‌دادیس ستاره فیلم (سافه‌سبز)

پس‌از معرفی بهترین فیلمها و هنرپیشگان دهگانه اول سال راجع‌بهر یك‌ازفیلمهای اول سال بحث‌کامل‌خواهد شد این بحث از قسمتهای زیر تشکیل یافته: ۱- نکات وجنبه‌های فیلم ازلحاظ بیان موضوع‌وایده ونتایج‌فیلم ۲-نکات جنبه‌های‌فیلم ازلحاظ بازی‌وموزیك‌و... ۳- میزان تاثیر فیلم‌در مردم واستقبال مردم‌ازفیلم‌باذکر عکس‌العملهای هرفیلم درافراد مختلف؛ البته درترتیب بهترین فیلمها بیشتر بقسمت‌موضوع‌وایده‌آن‌توجه شده و درواقع جنبه اجتماعی آن بیش ازجنبه‌هنری آن مورد بحث قرارگرفته است. چون‌مبحث‌اصلی کتاب‌ما به‌فیلمهای

این سال اختصاص دارد بدوا بهترین فیلمهای هرفصل وسپس بهترین فیلمهای سال معرفی میشوند .

بهترین فیلمهای فصل بهار

۱ـ مادام بوواری محصول سال ۱۹۴۹ کمپانی متروگلدوین مایر امریکا (جنیفر جونس ـ لوئی جوردان ـ وان هفلین ـ کریستفر کنت ـ جمس میسون)

۲ـ شراره های حسد محصول سال ۱۹۵۰ کمپانی برادران وارنر امریکا (ویوکالیند فورس ـ دان کلارك ـ ویر جینیا مایو ـ گوردون مك‌ری ـ ادموند اوبراین

۳ـ سرزمین عقابها محصول ۱۹۵۲ کمپانی لیبرت انگلستان (جاك وارنر ـ جان مك کلوم ـ نادیا گری)

۴ـ عمو سیلاس محصول ۱۹۴۹ کمپانی سلزنیك انگلستان (جن سیمونس ـ کاتینا پاکسینو)

۵ـ تصویر ژنی محصول ۱۹۴۹ کمپانی سلزنیك امریکا (جنیفر جونس جوزف کاتن ـ اتل باریمور)

۶ـ زندگانی مضاعف محصول ۱۹۴۷ کمپانی یونیورسال امریکا (رونالد کلمن ـ ساین حسو ـ ادموند اوبراین)

۷ـ مشعل و کمان محصول ۱۹۵۰ کمپانی برادران وارنر امریکا (برت لنکستر ـ ویرجینیا مایو ـ رابرت دوکلاس) رنگی

۸ـ مدرك رسوائی محصول ۱۹۵۱ کلمبیا امریکا (برودریك کرافورد جان درك ـ دونارد)

۹ـ قهرمانان هارلم محصول ۱۹۵۲ کمپانی کلمبیا امریکا (بیلی والکر ـ توماس کومز)

۱۰ـ کمپوزیتور گلینکا محصول سال ۱۹۵۲ کارخانه مسفیلم شوروی رنگی

بهترین فیلمهای فصل پائیز

۱ـ «سرچشمه» محصول سال ۱۹۵۰ کمپانی برادران وارنر امریکا (گاری کوپر ـ پاتریشیا نل ـ ریموند ماسی ـ رابرت دوکلاس ـ هنری هول)

۲ـ «فاجعه عشق» محصول سال ۱۹۵۱ کمپانی برادران وارنر امریکا (گریر گارسون ـ ارل فلین ـ والتر بیچون ـ جانت لی ـ رابرت یانك) رنگی

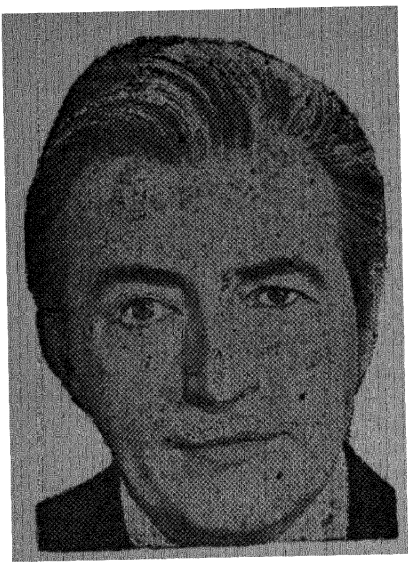
۳ـ «دامن خونین» محصول سال ۱۹۵۰ کمپانی برادران وارنر امریکا (جن وایمن ـ ریچارد تود ـ مایکل ولدینك ـ کی والش)

۴- «جانی مرموز» محصول سال ۱۹۴۸ کمپانی برادران وارنر امریکا (گلودرنس-جون کالفیلد- اودری توتر- نورمان هایس)

۵- «سنگر» محصول سال ۱۹۵۰ کمپانی برادران وارنر امریکا (دان کلارک روت رومن - ریموند ماسی - رابرت دوکلاس) رنگی

۶- «شیطان فراری» محصول ۱۹۵۰ کمپانی لند فیلم انگلستان (دوکلاس فربنکس)

۷- «قسمت» محصول سال ۱۹۳۹ کمپانی مترو امریکا (رونالد کلمان - مارلن دیتریش) رنگی



گلودرنس هنرپیشه فیلم (جانی مرموز)

۸- «ده هزار شب» محصول سال ۱۹۵۲ کمپانی کلمبیا امریکا (برت لنکستر-جودی لادرانس- ژیلبرت رولاند) رنگی

۹- «خاک میهن» محصول سال ۱۹۵۰ کمپانی مترو امریکا (لسی-جانت لی) رنگی

۱۰- «زندگی پایدار نیست» محصول سال ۱۹۴۷ کمپانی برادران وارنر امریکا (جان کالفیلد-جرالدین فیتزجرالد)



دان کلارک و روت رومن در فیلم رنگی (سنگر)

بهترین فیلم‌های فصل زمستان

۱ـ«تراموائی بنام هوس»
محصول سال ۱۹۵۱ کمپانی برادران وارنر امریکا (ویویان لی ـ مارلون براندو ـ کیم هونتر ـ کارل مالدن)

۲ـ«روشنائی‌های شهر»
محصول ۱۹۳۰ امریکا (چارلی چاپلین)

۳ـ«رودخانه» محصول سال ۱۹۵۱ کمپانی یونایتد آرتیست امریکا (آدرین کوری ـ رادها ـ پاتریسیا والتر توماس برین) رنگی

۴ـ«پایان یک عمر» محصول ۱۹۵۱ کمپانی کلمبیا امریکا (فردریک مارچ)

۵ـ«نسل بیچاره» محصول ۱۹۵۱ کمپانی یونایتد آرتیست امریکا (پل هنرید ـ کاترین مک لود ـ آن فرانسیس ـ ائی پولور)



ارل فلین و گریر گارسون در فیلم (فاجعه عشق)

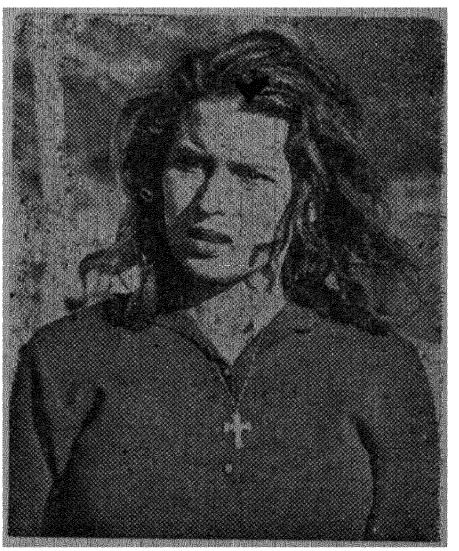
۶ـ «کارزوی کبیر»
محصول ۱۹۵۱ کمپانی مترو امریکا (ماریولانزا آن بلایت) رنگی

۷ـ «پرنس و گدا»:
محصول ۱۹۳۸ کمپانی برادران وارنر امریکا (ارل فلین ـ برادران موج تونیس ـ کلودرنس ـ هنری ستیفسون)

۸ـ«پائولو و فرانچسکا»:
محصول ۱۹۵۰ لوکس فیلم ایتالیا (اودیل ورسوآ ـ آرماندو فرانسیولی ـ آندریا شچ

۹ـ «گرگ مزرعه» محصو ۱۹۵۱ لوکس فیلم ایتالیا (سیلوانا منگانو ـ آمدئو نازاری ـ ویتوریو گاسمان ـ ژاک سرنا ـ لوئیز اروسی)

۱۰ـ«محبوس جزیره نهنگ»:
محصول ۱۹۳۷ کمپانی فوکس امریکا (وارنر باکستر)



سیلوانا منگانو ستاره ایتالیائی فیلم (گرگ مزرعه)

۱۶۴۵۰

بهترین فیلمهای سال ۱۳۳۲

۱.«تراموائی بنام‌هوس» محصول سال۱۹۵۱ وارنرامریکا(نمایش دهنده سینما رکس)

۲-«روشنیهای‌شهر» محصول سال ۱۹۳۰ امریکا (نمایش دهنده سینما کریستال)

۳ - «رودخانه» محصول سال۱۹۵۱ یونایتد آرتیست امریکا(نمایش دهنده سینما ایران)

۴. «مادام‌بوواری» محصول سال ۱۹۴۹ کمپانی مترو‌امریکا (نمایش دهنده سینما ایران)

۵- «پایان یك عمر» محصول ۱۹۵۱ کمپانی کلمبیا امریکا (نمایش دهنده سینما کریستال)

۶- «نسل بیچاره» محصول ۱۹۵۱ کمپانی یونایتد آرتیست امریکا (نمایش‌دهنده سینما کریستال)

۷- «کارزوی کبیر» محصول ۱۹۵۱ کمپانی مترو امریکا (نمایش دهنده سینما ایران)

۸- «پرنس و گدا» محصول سال۱۹۳۸ کمپانی وارنرامریکا (نمایش دهنده سینما رکس)

۹- «کنسرت استادان‌هنر» محصول ۱۹۵۲ کارخانه لن فیلم‌شوروی (نمایش دهنده سینما کریستال)

۱۰- «سرچشمه» محصول ۱۹۵۱ کمپانی وارنر امریکا (نمایش دهنده سینما رکس)

امتیازات سینماها درسال ۱۳۳۲

۱- سینما رکس با۸۳ امتیاز اول و نمایش‌دهنده بهترین‌فیلمهای سال
۲- سینما ایران با۶۶ » دوم . ۳- سینما کریستال با۶۱ امتیازسوم

بهترین هنر پیشگان زن سال

۱-(ویویان‌لی)	برای‌بازی‌درفیلم	تراموائی‌بنام‌هوس‌محصول‌امریکا	
۲-(جینفرجونس)	» » »	مادام‌بوواری	»
۳-(جن‌سیمونس)	» » »	عموسیلاس	»
٤-(کیم‌هونتر)	» » »	تراموائی بنام‌هوس	»
٥-(گریرگارسون)	» » »	فاجعه عشق	»

٦ـ(پاتریشیانل) » » » سرچشمه » »

٧ـ(آن‌فرانسیس) » » » نسل بیچاره » »

٨ـ(ویوکالیندفورس) » » » شراره‌های حسد » »

٩ـ(سیلوانامنگانو) » » » گرگ مزرعه محصول ایتالیا

١٠(جینفرجونس) » » » تصویرزنی محصول امریکا

بهترین هنرپیشگان مرد سال

١ـ(چارلی‌چاپلین) برای بازی در فیلم روشنائیهای شهر محصول امریکا

٢ـ(مارلون براندو) » » » تراموائی بنام هوس » »

٣ـ(برادران موچ تونیس) » » » پرنس گدا » »

٤ـ(کارل مالدن) » » » تراموائی بنام هوس » »

٥ـ(رونالدکلمان) » » » زندگانی مضاعف » »

٦ـ(برودریك گرافورد) » » » مدرك رسوائی » »

٧ـ(آمدئونازاری) » » » گرگ مزرعه محصول ایتالیا

٨ـ(وارنر باکستر) » » » محبوس جزیره نهنك محصول امریکا

٩ـ(ماریولانزا) » » » کاروزوی کبیر » »

١٠ـ(کلودرنس) » » » جانی مرموز » »

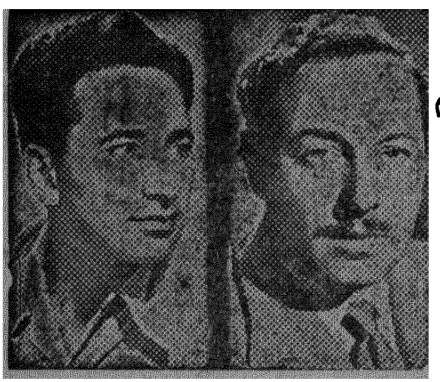
تراموائی بنام هوس

A-STREETCAR NAMED DESIRE

محصول سال ۱۹۵۱ کمپانی برادران وارنر رژیسور الیا کازان

اثر تنسی ویلیامز باشتراک ویویان لی- مارلون براندو . کیم هونتر کارل مالدن

با فیلم پیش برویم



تنسی ویلیامز نویسنده و الیا کازان رژیسور فیلم (تراموائی بنام هوس)

در داستانی کـه تنها چهار شخصیت و یك دکور که فقط از دو اطاق تشکیل یافته است وجوددارد تمام تلخی‌ها ، دردها و فشار های محیط و بالاخره فساد زندگی و شکستگی روح های بزرك دیـده میشود . دراین فیلم بخوبی می‌بینیم که چقدر زندگی تلخ و پوچ پایه گزاری شده .... زندگی که اجدادما بانی آن بوده‌اند رنج و ناراحتی هائی که تضاد افکارو روحیات افراد مختلف درشرایط کنونی زندگی بوجود میآورد تمام این رنج و ناراحتی ها را در وجود پر سوناژ اول فیلم می بینیم این فیلم سرگذشت زنی است که بدبخت شده زنی که افکار اجتماعی کنونی که زاده متد غلط زندگی است احساسات اورا محکوم ودرهم شکسته است بلانش دو بو آ قهرمان محرومی است که زندگی اورا محکوم ساخته ، بلانش زنی است که ازتمام خشونتها ، وحشیگریها ، خودخواهیها وهوسرانی های سطحی زندگی متنفر و منزجر است او به دنبال افرادی میرود که احساسات وافکار اورا درك کننده و با او مانند یك انسان رفتار کرده و به احساساتش جواب متقابل دهند و اما کسی نیست که بفهمد اوچه میکوید تمام مردها به او تنها مانند یك بازیچه برای هوسرانی خود نگاه میکنند و اما بلانش چون تسلیم این زندگی نمیشود دیوانه شده و محو

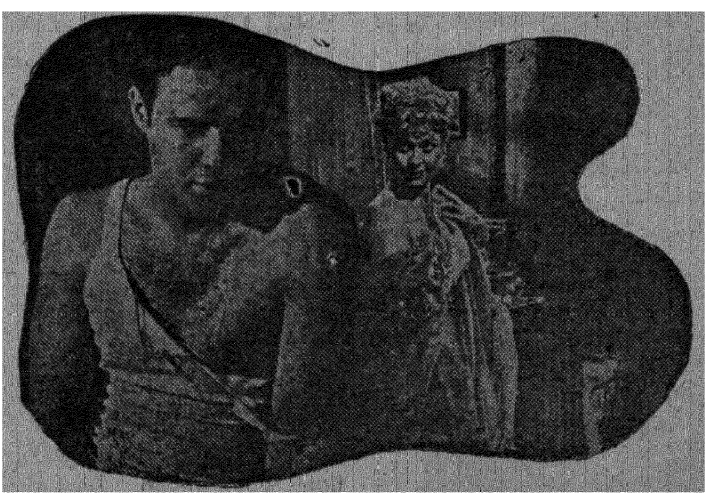
میگردد. سه پرسوناژ دیگر فیلم یکی ستلا خواهر بلانش است که زنی ساده و خوش قلب میباشد که درعین حال نسبت بشوهرش ستانلی عجز جنسی دارد او بخشونت زندگی شوهرش عادت کرده و احساسات ظریف یکزن را ازدست داده است. دیگری ستانلی کارگرخشنی است که زندگی را درکار برای رفع حوائج مادی ، داشتن همسری برای رفع حوائج جنسی وبالاخره قمار ومشروب خوری برای تفریح میداند او موجودی بی‌عاطفه است که سبك وطرز زندگی اورا درنده ساخته !



صحنه های فیلم (تراموائی بنام هوس)

شخصیت چهارم فیلم دوست ستانلی یك موجود سبك مغز و متظاهر بی‌اراده است که خود را تسلیم جریان زندگی نموده و حتی در نتیجه سبك مغزی فوق‌العاده بدجنسی دوستش ستانلی را هم ندارد !

زندگی این چهار نفر با یکدیگر ماجرای غم‌انگیزی را ایجاد میکند که در پایان آن بلانش دیوانه میشود و آنهای دیگر به همان زندگی یکنواخت و پرسر و صدای خود ادامه میدهند ... یکنفرهم فدای پستی وسبك مغزی‌های آنها میگردد



عارلون براندو و ویویان‌لی درفیلم (تراموائی بنام هوس)

بدون آنکه برایشان محسوس باشد درصحنه‌های فیلم ما بخوبی حرکات پرسوناژها را می‌بینم بلانش که هم خود از همه میگریزد وهم‌همه او را از خود میرانند بما دنیای درونی خود راز نیاز میکند دریك‌صحنه که‌دچار التهاب‌درونی است‌با پسرك جوان نامه رسان عشق بازی‌میکنددرچندصحنه‌دیگر او بتصوراینکه هیچ احساساتش را درك میکند از احساسات وعالم درون خود با او سخن میراند در اینجا قیافه ابلهانه هیچ که در مقابل این سخنان مبهوت شده تماشائی است‌واماستانلی‌غرق در زندگی خشن وپوچ خود می‌باشد اوکه ظاهراخود را پایبند قیوداخلاقی‌نشان میدهد باین عنوان نسبت به بلانش توهین و حقارت میکند ولی دنیا و افکار مادی او با جهان معنوی بلانش خیلی از هم دور است ستلاکه‌در تمام حرکاتش علامات عجزشهوانی مشهوداست. بین‌خواهرو شوهرش رل سرگردان‌رابازی‌میکند

شاید تنها او هنگامیکه بلانش را به تیمارستان میسپرند چند لحظه متاثر شود ؛ ولی هنگامیکه صدای‌گوش‌خراش ستانلی باندشده و او را به ادامه‌همان زندگی سابق فرا میخواند این تاثر موقتی هم محو میگردد

درزندگی ستلا وستانلی کوچکترین چیزی بنام سعادت‌واقعی یا شیرینی‌دیده نمیشود آنها نسبت هم فقط یك‌شهوت صرف دارندو از احساسات واقعی بهره‌مند نیستند زیرا شرایط زندگی احساسات آنها را غیر طبیعی ساخته‌واجازه‌درك‌مسائل دیگری را نمیدهد.

حساسیت و دیوانگی یکی، خشونت و وحشت دیگری، عجز شهوانی یکی و بالاخره سبك مغزی آینگی نموداری ازانسان‌های مختلفی است که‌دراصول کنونی زندگی‌میکنند.

نکات وجنبه های هنری فیلم

اثر تنسی ویلیامز نویسنده معاصر امریکائی را بدون کوچکترین تغییر یـا انحرافی بطرزی موثر روی پرده آورده اند.

اثری که نمایش "پیس آن درشهر های اروپا وامریکا باموفقیت بی‌نظیری روبرو شددرروی پرده سینما نیز بشکل یك‌شاهکار درخشان‌هنری درآمد. بازی آرتیستیك آکترهای‌فیلم بزرگتری‌عاملی بود که ارزش فیلم وداستان آنرا بحد اعلای خود رسانید ، ویویان‌لی ستاره مشهورفیلم‌های‌دراماتیك بهترین‌بازی‌را درنقش‌بلانش‌انجام‌میدهد کسی که‌اسکارلت فیلم بربادرفته راباآنهمه شوروحرارت آناکارنینا قهرمان کتاب تولستوی را با آنهمه حساسیت ، لیدی ها میلتون



«ویویان‌لی»ستاره‌فیلم (تراموائی‌بنام‌هوس)



مارلون براندو در فیلم (تراموائی بنام هوس)

محبوبه دریاسالار نلسون را با آنهمه عظمت بازی کرد این بار چنان درقالب رل خود قرار گرفت که شخصیت حقیقی اش را از دست داد و دیوانه شد تا اینکه چندماه قبل درلندن معالجه و بهبودی یافت مارلن براندو هنرپیشه جوان در رل ستانلی کیم هونتر در رل ستلا و بالاخره کارل مالدن در رل میچ نیز فوق العاده طبیعی و قوی بازی میکنند نبوغ ویویان لی و نکته بینی الیا کازان اثر قلمی تنسی ویلیامز را زنده کرده و بروی پرده آورده است باید گفت که دکوراسیون دو تا اطاق وهمچنین موزیك موثر فیلم بطور متناسبی تنظیم شده است .

تراموای بنام هوس از طرف بزرگترین آکادمی امریکا یعنی آکادمی آوارد بدریافت پنج جایزه اسکار نائل آمد که سه جایزه اسکار آن بسه هنرپیشه فیلم تعلق گرفت ویویان لی بدریافت جایزه اسکار درجه اول و کیم هونتر و کارل مالدن به دریافت جایزه اسکار درجه دوم نائل آمدند و غیر از جایزه اسکار جوائز دیگری از جمله جایزه «پولیتیزر» و (بینال ونیز) نیز نصیب فیلم شده است ، بطورقطع این فیلم صرف نظر از جنبه اجتماعی وروانی خود داستان از لحاظ هنری نیز یك شاهکار پر ارزش سینما محسوب می شود .

میزان تاثیر فیلم درمردم وقضاوتهای مختلف تماشاچیان

برخلاف کشورهای امریکائی واروپائی در تهران از فیلم (تراموائی بنام هوس) استقبال بعمل نیامد، تنها پوبلیك معینی بدیدن این فیلم شتافتند که البته اکثریت این عده نیز از فیلم ابراز نارضایتی کرده وآنرا خسته کننده و بدون مفهوم نامیدند در این میان عده‌ای هم نسبت بفیلم ابراز علاقمندی کرده وآنرا دیدنی وبا ارزش خواندند منتهی این اشخاص نیز هریك نتیجه ازفیلم گرفته و هرکدام بشکلی درباره داستان و پرسوناژهای فیلم ابرازعقیده نمودند . اصولا نظریات تماشاچیان این فیلم را میتوان به شرح زیر درجه بندی نمود:

۱ـ کسانیکه اصلا بدیدن این فیلم نرفتند واگرهم احیانا درچند شب اول عزم نمایش فیلم راکردند درنیمه‌های ستانس سرهایشانرا میان دو دست گرفته

فرار اختیار کرده وازدادن ۱۵ ریال اظهار تاسف نمودند، اکثریت این دسته با طبقه بیسواد بودکه آنقدر معلومات و یا روشنی فکر نداشتندکه درباره مسائل چنین فیلمی تفکر کنند ولی درمیان ایندسته اشخاص منورالفکر نیز پیدا میشدندکه یاحاضر نبودند فکر کنند ویا اصلا قادر بادراك نبودند.

افراد ایندسته تماشاچیان کسانی هستندکه بصحنه‌های مجلل فیلمهای تجارتی و آتریکهای وزدوخوردهای محصولات تجارتی عادت کرده وبسینما مانند یکوسیله تفریحی صرف که احتیاج بتفکر نداشته باشد مینگرند.

۲- تماشاچیان دیگری که سالن را ترك گفتند ولی نسبت بفیلم بدگوئی نمیکردند وخوشبختانه مطالبه پول بلیط را هم نمی‌نمودند تنهااظهارعقیده میکردند که فیلم هنری بزرگی است منتهاآنها حوصله دیدن چنین فیلمی‌را ندارند!

اینها کسانی بشمار میرفتندکه جریان روزمره زندگی وخستگی‌مفرط‌اعصاب و سایر مشکلات مادی زندگی به آنها مجال نمی‌داد که خود رابرای‌دیدن چنین فیلمهائی آماده کنند.

۳- افرادی ازروشنفکران نیز درمیان تماشاچیان پیداشدندکه اصلا فیلمرا یك اثر مسخره و منحط خواندند که افکار مردم را بطرف تباهی‌سوق داده و اذهانرا مشوش میکرداند وحتی‌درمیان‌نویسندگان‌سینمائی نیزیکی‌سینمارکس‌رامتهم کردکه خواسته است بانمایش چنین فیلمهائی مغزمردمرا فرسوده سازد! این عده بقول‌خود ازلحاظ هنری فیلمرامنحط وبی‌ارزش دانستند.

٤- عده‌ای از افرادطبقات بالاکه درباره فیلم زیاد شنیده ومیدانستند که فیلم درمحافل هنری با استقبال زیادی روبرو شده وبدریافت جوایز متعددی نائل آمده است در حالی که فیلم را پسند نکرده و چیزی ازآن درك نکرده بودند برای تظاهر تماشای فیلمراتابه‌آخر تحمل‌کرده وبعدهم‌آن‌را عالی نامیدند. اینها افراد متظاهری بشمارمیرفتندکه برای حفظ شخصیت‌خودو برای‌این‌که‌مورد تمسخر ارباب هنر واقع نشوند بدین شکل بر خلاف سلیقه شخصی خود ابراز عقیده می‌کردند!!

۵ - عده معدودی هم از تماشاچیان بالذت‌تمام فیلم را تماشاکرده‌وآنرا بارزش خواندند وحتی بعضی‌ها ازجمله عده‌ای‌از دانشجویان‌و هنرپیشگان چندین مرتبه برای تماشای فیلم‌آمدندولی‌نکته جالب‌در اینجاست‌که هریك از این‌اشخاص برای خود از فیلم نتیجه‌ای‌گرفتند و هریك‌درباره داستان و پرسوناژهای‌آن به طرزی قضاوت نمودند عده‌ای داستان فیلم را فاقد ارزش و جنبه اجتماعی‌دانسته‌و تنهابرای‌بازی هنرپیشگان ارزش قائل شدند این افراد معتقدبودندکه‌چنین‌داستانی مفهومی ندارد تنها بازی قوی‌هنرپیشگان است‌که از لحاظ جنبه‌صرف‌سینمائی‌برای فیلم ایجاد ارزشی میکند.

عده دیگر تمام قسمت‌های فیلم را حائزارزشی‌دانسته‌و ازلحاظ جنبه‌روانی اینطور نتیجه‌گرفته بودندکه بلانش‌دوبوآزن خود خواه وخودپسندحسودی‌بودکه میخواست زندگی شیرین خانوادگی ستلا و ستانلی را برهم زند ولی‌ستانلی از نیت‌سوء اوجلوگیری‌کرد. واکثریت‌دسته‌پنجم هم‌بامعتقدین این‌فکربود یعنی‌میشود

گفت اکثریت قاطعی از فیلم نتیجه فوق را گرفتند و اما افراد معدودی دیگری نیز بودند که در باره فیلم عمیق تر فکر کرده و بالعکس آن دسته عقیده داشتند که بلانش زنی محروم و بدبخت بوده که محیط فاسد و ناجور او را محکوم ساخته بود و ستانلی و ستلا هم جز یك خشونت و وحشیگری چیزی در زندگی خود نداشتند البته همانطور که گفته شد فیلم بیش از ده شب روی پرده نبود ودر این ده شب هم تنها عده‌ای علاقمندان آثار در اماتیك به دیدن آن شتافتند ولی تفاوت عقاید تماشاچیان اززمین تاآسمان بود !! شب دوم فیلم خودنگارنده شاهد جریانات جالب و تماشائی بودم که در سینمارکس اتفاق افتاد ... از سانس اول بین علاقمندان فیلم و ناراضی‌ها اختلاف و مشاجره شروع عده‌ای که از فیلم چیزی نمی‌فهمیدند شروع به داد بیداد مسخره گی کردند وعده دیگر که میل داشتند درسکوت و آرامش فیلم را تماشا کنند با دسته اول به نزاع پرداختند .

بطوریکه حتی دو نفر بی سواد از درجه دوم خارج شده و باهم شدیدا بحث داشتند زیرا یکی فیلم را پسندکرده بود و دیگری اصلا وحشت‌زده بودوهر یك آنیکی را نفهم میخواند بطوریکه مدیر داخلی سینما بعداز مدتی دوندگی اظهار داشت : (امروز دیگر تماشاچی‌ها بین خودشان دعواومشاجره دارند و دخالت ما بیمورد است) نتیجه‌ای بگیریم ... چندان جای تعجب نیست که چنین فیلمی مورد پسند اکثریت سینما رو قرار بگیرد زیرا هنوز سطح فرهنك و روشنی بینی عمومی ودرك هنری چندان وسعت نیافته که چنین فیلم‌هائی مطلوب مردم سینما رو باشد وعلاوه بر این بحران‌های اقتصادی و سیاسی وهمچنین اشکالات مادی زندگی چنان اعصاب را فرسوده ساخته که اجازه نمیدهد مردم هنگام تماشای فیلم که به منزله تنها تفریح آنهاست نیز خود را حاضر بفکر و تعمق درباره مسائل بغرنج روانی و اجتماعی بنمایند ولی خوشبختانه باید گفت که اگر این فیلم در پنج یاشش سال قبل نمایش داده میشد مانند حالا حتی تا ده شب هم روی پرده باقی نمیماند !!

تراموای بنام هوس از آن فیلم‌هائی بود که تاثیرات مختلفی در تماشاچیان ایرانی کرد و شاید هم عدم تشابه و طرز تفکر وروحیات پرسوناژهای داستان با زندگی ما یکی از عوامل عدم درك فیلم گردید.

در حالیکه برعکس در امریکا و بخصوصی فرانسه وانگلستان فیلم تراموائی بنام هوس چه درمیان طبقه روشن فکر وچه درمیان توده مردم با استقبال وموفقیت رو برو گشت .

روشنائیهای شهر

CITI LIGHT

محصول ۱۹۳۰ ـ کپی شده در سال ۱۹۵۲ ـ رژیسور ، تهیه کننده وآهنگساز : چارلی چاپلین باشتراك چارلی چاپلین

بافیلم پیش ارویم

در شهر جشن گرفته‌اند ، ازروی مجسمه ملکه وآرامش پرده برداری میکنند بازهم همان تظاهرات وتشریفات معموله اجرا میگردد، عده معدودی برای این که برسر توده مردم سوار شده و بمقاصد شوم خود برسند مراسم برپا میکنند، صاحبان پول وزور از مجسمه آرامش بنا میکنند از آن پرده برداری میکنند، اما هنگامی که پرده را برمیدارند درزیر پرده ، روی مجسمه ولگرد فقیری خفته است، ولگردی که اجتماع اورا مقید و محکوم ساخته همان اجتماعی که می‌خواهد خود را قبولاند که در آرامش وسعادت زندگی میکند همه این ولگرد بیسروپا را ازخود میرانند، این موجود بیکار تیروروز محکوم بفناشده است، حرکات دردناك او برای همه وحتی تماشاچیان فیلم خنده آوراست درحالی که موجودیت او سمبول بدبختی ومحرومیت است، او دراجتماع جائی ندارد زیرا صاحب پولی نیست اما معین موجود ولگرد برای همه گونه عواطف و احساسات عالی می باشد که در هستوعان او کمتر وجوددارد، او بادختر نابینائی گل فروش روبرو میشود وحس انسان دوستی وی راوادار بکمك باین دختر میکند .

البته این تصادف وبرخورد جزئی از نمایش کلیاتی است که در زندگی کنونی بشروجود دارد... این وجود طردشده شبی با ملیونر مستی رو برو میشود که بعلل اختلاف بازنش میخواهد انتحار کند ، اورا ازمرك نجات داده وبزندگی باز میگرداند . واما آن ملیونر شخصی است که صبحها زندگی عادی خودرا طی میکند واما شبها مست شده وزندگی وکارخود رافراموش میکند او شبها رفیق نجات دهنده خودرامیشناسد واما صبحها اصلااورا بخاطر نمیآورد ،صبح‌ها این نجات دهنده انسان دوست برای او موجود ناشناسی بیش نیست و تصور میکند که تفریح وآرزوهای این دوست رابه وسیله پول ویاترتیب مجالس نفرت انگیز عیاشی وتفریحات آنی وسطحی می تواند تامین کند.

در حالیکه این ولگرد محروم از دوست متمول خود تنها بخاطر کمک بدختر نابینا استفاده میکند. از طرفی دختر گلفروش از مساعدتهای این دوست متمول ناشناس متحیر است وعلاقه اورا بدل میگیرد . این دوست ناشناس برای کمک بدختر از هیچگونه کاری رو گردان نیست هنگامی هم که دوست میلیونرش بمسافرت میرود می خواهد با اشتغال بکار سپوری و بعدهم شرکت درمسابقه بکس پولی برای معالجه چشم های دختر بدست آورد، لیکن در آنجائیکه رشوه خواری و قیودات مسخره بر کار و زندگی اجتماعی حکومت میکند بآدمی مثل او راه نمیدهند !! سرانجام با مزار زحمت از دوست میلیونرش هزار دلار برای معالجه چشم دختر میگیرد و اما چقدر تلخ و دردناک است ... که پلیس اورا بعنوان دزدی از خانه دوست میلیونرش بزندان میبرد ، در غیاب او دختر با همین هزار دولار چشمهای خودرا معالجه کرده وسپس دکان گلفروشی باز میکند چند ماه میگذرد اواز زندان آزاد میگردد.. . اینه روز است بچه های روزنامه فروش این ولگرد فقیر و البته پاره وژنده اورا مسخره میکنند او درست مقابل دکان گلفروشی رسیده است ، اما دختر دیگر اورا نمی شناسد زیرا درزمان نابینائی بااوطرف بوده ولی هنگامی که میخواهد از روی ترحم و شفقت پولی دردستش قرار دهد در نتیجه تماس دست متوجه میشود که این همان دوست ناشناس مهربان و انسان دوستی است که وی درهنگام نابینائی تصور میکرد بامرد ثروتمندی طرف شده است آنوقت دختر متوجه میشود که در مقابل چه انسان با گذشت وفداکاری قرار دارد انسانی که در پس آن لباس ژنده دارای قلبی رئوف و احساساتی عالی وعقلی سلیم است... توهستی؟

بله جواب مثبت است : این او است که بدون تقاضای هیچگونه پاداش با تمایلات شهوت انگیزی اینهمه نسبت باو خوبی نموده بود !! در این صحنه هائی که شاید برای شما تنها خنده آور باشد چقدر نکته و فکر عالی نهفته است. تمام قیدها و مراسم ساختگی و پوچی که بنام تمدن برما حکومت میکند مسخره میشود و اصول پوسیده زندگی و پستی انسانهائیکه بجهت داشتن ثروت وسرمایه بیشتر بردیگران حکومت وفرمانروائی میکنند نمودار میگردد در اینجا آشکار میشود که تا زمانیکه پول و طلا درجریان بوده و برزندگی بشر حکومت کند .. بشر دربدبختی و فساد و تضاد ووحشت غوطه ور خواهد بود این فیلم که شاید برای ما ظاهرا یک کمدی بنظر آید یک اثر واقعی از زندگی است که در پس جریانات بظاهر فانتزی خود دردها و مصائب زندگی مادی و تضادهای طبقاتی و تیره روزی افراد انسان دوست و ازطرف دیگر زندگی پوچ و سطحی افرادی را که تنها بخاطر شخص خود زیست میکنند نشان میدهد

خنده های تلخ !! سراسر فیلم گذشته ازموضوع دارای صحنه های متعدد کمیک خنده آوری است اما این خنده ها خنده های تلخی هستند که رنج و بدبختی بهمراه دارند. خنده های تاثر آوری که یکدنیا درد و تیره بختی درخود دارد خنده هائیکه شدت رنج درون آنرا بوجود می آورد، و آنهائیرا که تنها بشخص خود نمی اندیشند متاثر میسازد. این کمدی نیست که برای تفریح آفریده شده باشد بلکه درام حزن انگیزی است که واقعیات تلخ زندگی را مجسم میکند !!

نکات وجنبه های هنری فیلم

بوجود آورنده این فیلم چارلی چاپلین (چارلز چاپلین) میباشد که زمانی

مظهر کمدی برای شما بود. چارلی هنرمند بزرگ خالق چنین موضوعات پر مغز و پر مفهومی است که در آن درد ها و گله های اجتماع تجلی میکند چارلی نابغه بزرگ سینما زاده های فکری خودرا که برای آن آهنگ هم می سازد بطرز ماهرانه‌ای بروی پرده سینما می آورد و جنبه اساسی و مهمی که بکار او اهمیت وارزش می می بخشند یکی ایجاد و دنبال کردن یک هدف اجتماعی و همچنین ایجاد همبستگی بین هنر و زندگی دیگری عوام فهم بودن آثار او است زیرا چارلی در لفافه حرکات کمیک وخنده آور وصحنه‌های شیرین ومتنوع مسائل مختلف زندگی را روشن می سازد و واقعیات تلخ زنده‌ای را مجسم میکرداند عملیات کمیک وخنده آور او سبب می شود که همه باعلاقه به تماشای آثارش بشتابند واین وسیله‌ای میگردد که جمعیت عظیم تری از طبقات مختلف از پس لفافه کمیک فیلم با نکات و مسائل حساس اجتماعی آشنا شوند یک جنبه با ارزش هنری این فیلم همانا صامت بودن آن می باشد زیرا در عوض مکالمه همه چیز با حرکت وجنبش و میمیک صورت بیان میگردد نبوغ فکری چارلی چاپلین وابداعات عالی هنری او که در آن تضادهای طبقاتی ، علل جنبشهای اجتماعی و پوسیدگی قیودات کنونی زندگی و همچنین محرومیت انسانهای واقعی دیده میشود عالی ترین آثار هنری سینما را بوجود آورده است بیست و چهار سال پیش از این چنین اثر گرانبهائی بروی پرده آمده که ارزش آن چه از لحاظ اجتماعی و چه از لحاظ هنری تا ابد محفوظ مانده و خواهد ماند تهیه کننده ورژیسور این فیلم خود چارلی و موزیک آن نیز از خود او می باشد و باید گفت که حقیقتا موزیک عالی و دلپذیری مناسب با کلیه صحنه ها تنظیم شده است. خود چارلی در رل ترامپ «ویر جینیا شریل» در رل دختر نابینا و «فلورنس لی» در رل مادر بزرگ آن دختر ظاهر می شوند.

میزان تاثیر فیلم در مردم

بیست سال پیش از این که فیلم های چارلی را در اینجا نمایش میدادند چندان موفقیتی پیدا نمیکرد و بعلاوه از میان تماشاچیان کمتر کسی پیدا میشد که به مفهومات و نکات عالی فیلم پی ببرد اکنون که پس از سالهای متمادی فیلم چارلی به معرض نمایش گذارده شد گذشته از استقبال شایانی که از آن بعمل آمد غالب تماشاچیان بانظر دیگری باین فیلم نگریستند و دیگر تنها مانند یک فیلم کمدی از آن استقبال نکردند هنگامیکه از تماشاچیان درباره فیلم جویا میشدید گذشته از تعریف و تمجید و یاذکر مسائل کمیک فیلم راجع به نکات اجتماعی وایده فیلم نیز سخنانی میشنیدید . رشد فکری و توسعه فرهنگ و روشن بینی عمومی در وجه تمایز قضاوت مردم بیست سال قبل و مردم حالا تاثیر بسزائی داشته است و بدین ترتیب برخلاف نظر بعضی ها که می خواهند ملت خودرا محکوم کنند میتوان امیدوار بود و حتی مسلم دانست که سالهای بعد مردم با نظر عمیق تر و فکر گشاده تری به هنر سینما و فیلم ها خواهند نگریست و بتدریج این رشد و تکامل فکری عاملی خواهد شد که فیلم ها و محصولات مبتذل از عالم سینما طرد شوند.

البته عده بیشماری هم بودند که تنها از لحاظ خندیدن و وقت گذرانی چندبار به دیدن این فیلم شتافته و به نکات و جنبه های اجتماعی آن کمتر توجه کردند ولی همین اشخاص هم خندیدن از صحنه های فیلم چارلی را بدیدن صحنه های مسخره فیلم های بوب هوپ و لورل هاردی ترجیح دادند و قطعا نمیتوان شک داشت که چاپلین با نبوغ ذاتی خود آثاری بوجود آورده است که از نظر روانی نیز در جلب ذوق مردم موثر میباشد.

رودخانه

The River

محصول رنگی سال ۱۹۵۱
کمپانی یونایتد آرتیست امریکا
تهیه کننده :
ملک الدونی -
رژیسور :
ژان رنوآر .
داستان از
رامر گادن
با شتراک :
توماس برن -
رادها -
آدرین کوری
پاتریسیا والتر

بافیلم پیش برویم

کنار رودخانه
گل آلود آنجائی که
جنگل‌های در هم و
بی پایان هند آغاز
می‌شود بومی های
سیاه چرده هندی
زندگی آرام و اسرار
انگیزی دارند آبهای
رودخانه حامی زندگی
و بقاء آنهاست آنچه
که طبیعت به آنها
داده است خصوصیات
زندگی آنها را ایجاد
کرده مانند آنست که
همه چیز خود و حتی
احساسات و آمال

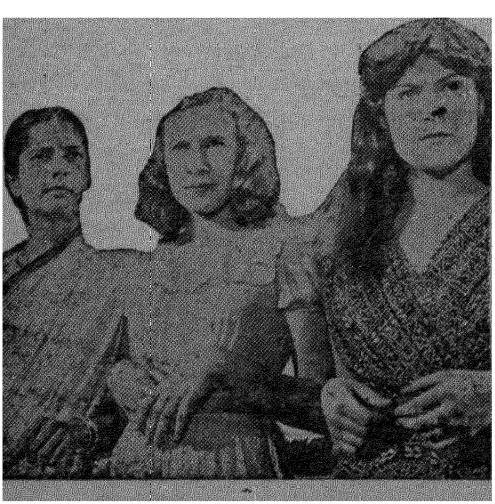


فیلم «رودخانه»

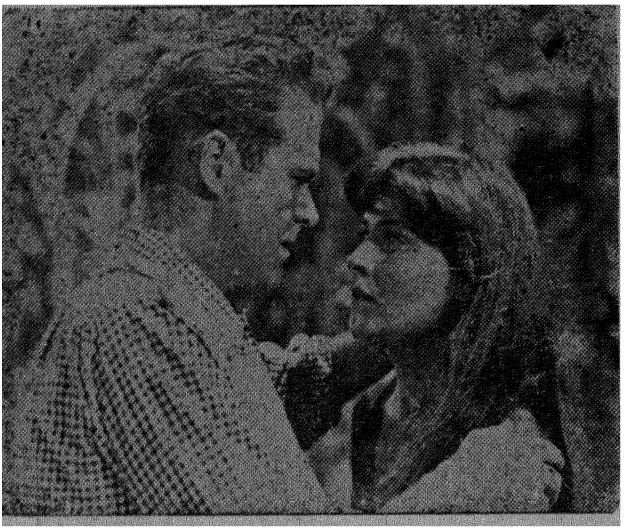
خود را نیز از میان آبهای گل آلود و تیره رودخانه کنك جستجو می کنند ، جنب جوش آنها برای تامین زندگی خود با آرامش عجیبی توام است عشق و احساسات آنها نیز از آن نوع عواطفی هستند که خیلی طبیعی بوسیله خود طبیعت بوجود آمده و در این احساسات عمیق و ساده هیچگونه تظاهر و تصنعی وجودندارد حتی اعتقادات مذهبی و معنوی آنها نیز از طبیعتی که در میان آن زندگی میکنند برخاسته است خدای زشتی و بدی خود را درجشن های سالیانه به آب میسپارند زیرا آب رود خانه منبع حیات و امید و شاید هم وسیله نابودی مظهر دشمنان آنهاست .

در این فیلم که دور از هر گونه صحنه سازی و نمایش جار وجنجال و هیاهوی متمدنین است زندگی واقعی یك ملتی دیده می شود یك ملت کهن سال که آداب و اخلاق خود را همانطور حفظ کرده است، شاید ظاهرا برای شما دیدن زندگی یك ملت بزرگی جالب توجه نباشد در حالیکه این وظیفه مقدسی است که باید آنرا دنبال کرد وشایدهم دیدن شهرهای متمدنین وجنجال وهیاهو وعیاشی مغرب زمینی ها که هر روزه ها فیلم از آنرا می بینند شمارا آنقدر بدعادت کرده باشد که مانند اشخاص هیپنوتیزم شده که با فانتزی های خیالی خود مشغولند که از دیدن یك زندگی حقیقی و ساده دوری می کنید در این فیلم عشق واحساسات آتشین سه دختر جوان که هریك دارای نوعی عواطف وامیال می باشند نشان داده میشود که البته وجود این پرسوناژها نیز سمبول افراد ملتی هستند که زندگی شان با موجودیت طبیعت هم آهنك است:

کلیه قسمت های فیلم غرق رنگ بظاهر کوچك ودر باطن شیرین و پرمفهومی است که بیان کننده جریانات زندگی مردمی می باشد که آداب اخلاق خودرا بشکل زیبائی حفظ کرده اند . یك کودك اجوج اروپائی که میخواهد مانند مارگیر ها مارهای مینکی را مجذوب خود سازد، یك دختر بومی هندی که روزی در نی زاد با پسری برخورد کرده وعاشقش میشود و هنگامی که پی میبرد شوهر آینده او همان پسر است بخاطر او میرقصد تا عشق و محبت بی آلایش خود را بوسیله رقص سحرانگیزش بیان کند. یك کاپیتان امریکائی که یك پایش را درجنك از دست داده بمیان این مردم میآید و چون اولین مردی است که با در محیط خانواده ای مینهد که سه دختر جوان در آن زندگی می کنند هرسه دختر دلباخته او میشوند یکی ملانی دختر هندی است که



رادها - پاتر پسیاو الترو آدر این کوری در فیلم رودخانه



صحنه‌ای از فیلم رودخانه

عشق او نسبت به کاپیتان جون تنها لذت درونی‌اش بشمار میرود دیگری هاریت خرد سال است که بخاطر عشق خود شعر میگوید و حتی میخواهد خود کشی کند و بالاخره والری زیبا وحساس که غرق احساسات اولین عشق خود بوده و برای جلب نظر کاپیتان جون از هیچگونه دارائی خود داری نمیکند واما این عشقها احساسات کودکانه اولیه ای هستند که عزت نفس کاپیتان جون اجازه نمیدهد که از آنها استفاده کند. تنها سینما است که می‌تواند حقیقت زندگی یک ملتی را توام با داستان شیرینی که از زندگی آنها برداشت شده بدین شکل جالب برای مانشان دهد از انتریکهای محرک اعصاب وصحنه‌های فریبنده تجارتی و یا صورتهای گریم کرده هنرپیشه‌ها در فیلم اثری دیده نمی‌شود همین عدم انتریک بزرگترین عامل موثر برای تجلی زندگی واقعی ملتی است و در عوض صحنه‌های زننده تجارتی نکاتی که در فیلم دیده می‌شود همبستگی زندگی بومی‌ها با رودخانه جنبش و تلاش طبیعت وحشی که منبع حیات مردم است وسیر جریان رودخانه گل آلودی که با سکوت آرامش از میان مسکن زندگی باهزاران حوادث وخطرات طبیعی و ناگهانی در مناطق حاره زندگی میکنند میگذرد وعشق واحساسات وکار ساکنین این کشور را نشان میدهد میباشد.

نکات وجنبه های هنری فیلم

بزرگترین جنبه هنری فیلم همانا تجسم زندگی ملت هند میباشد، بدینوسیله آشکار میگردد که هنر سینما چگونه قادر است که زندگی وخصوصیات مردم را که شاید درباره آن تنها شنیده وخوانده ولی با چشم خود ندیده بودیم بمانشان دهد.

علاوه براین داستان وجریانات این فیلم برخلاف غالب محصولات کمپانی های تجارتی ازهرگونه صحنه سازی‌های ساختگی وجریانات فانتزی ومناظر تحریک کننده بدور است. رژیسور هنرمند و باذوق فرانسوی «ژان رانوآر» که شهرت جهانی دارد پس از سه سال زحمت باذوق مخصوص خود توانسته یک اثر پرارزش ازروی داستان نویسنده مشهور «رامر گاتن» تهیه نموده و برای حفظ جنبه هنری آن قسمتهای زیادی ازفیلم را از زندگی عادی و حقیقی ساکنین بومی کنار رودخانه وکار و جشن و مراسم آنها فیلمبرداری نماید نکته بینی رژیسور هنرمند فیلم بر

ارزش داستان می افزوده است. وجود پرسوناژهای مختلف که هریك در نوع خود جالب هستند مزید بر ارزش فیلم گردیده . باید اضافه کرد که هنر بازی هنر پیشگان جوان فیلم در خور و تمجید است « رادها » ستاره و رقاصه هندی بخوبی احساسات یکدختر حساس و خوددار را مجسم میکند پس ازاو شخصیت والاری که « آدرین کوری » فارق التحصیل آکادمی آرتیستیك لندن در نقش او ظاهر میشود جالب و باارزش میباشد ازبازی باتر بسیاوالتر درنقش هاریت باوجود زشتی صورت وهمچنین بازی توماس برن بایدبخوبی بیاد کرد . رنك آمیزی طبیعی فیلم نیز فوق العاده عالی است گذشته ازاین فیلم دارای موزیك مخصوص بخود میباشد و تناسب کلیه آهنگها بخصوص نوای نی مارگیرها باصحنه های فیلم فوق العاده زیاد است درمسئله موزیك متن فیلم بخصوص چنین فیلمی باید دقت بیشتری کرد تاارزش آن آشکار شود. بنابراین باتوجه باینکه فیلم ازکلیه قسمتهای هنری قوی بوده وقتی ازلحاظ پلان بندی و تکنیك نیز کامل وقوی است آنرا باید در ردیف یك شاهکار هنری قرارداد .

فیلم رودخانه درمقابل تماشاچیان ومیزان تاثیر آن

درست بخاطر میآوردم اولین شبی که این فیلم بمعرض نمایش گذارده شد چه جنجال نفرت انگیزی بپا کردید.

سینما ایران که باوجود زیادی فیلم قادر نیست برنامه های خود را آنطور که باید وشاید تنظیم کند برای چنین اثر دراماتیکی چند مجسمه باشکوه ساخت و بفیلم جنبه تجارتی دادودر نتیجه شبی که فیلم بمعرض نمایش گذارد چون مدتها بود سینماها برنامه های خود را هنر نگرده بودند در نتیجه اکثریت بزرگی که ازفیلم و سینما سردر نمیآورند اجبارا و کورکورانه بتصور اینکه در فیلم جنك حیوانات و عملیات محیرالعقول قهرمانی خواهند دید به تماشای آن شتافته و چون مطلوبات خود را در فیلم ندیدند و آنقدر آمادگی ذهنی نداشتند که بنکات هنری وجنبه اجتماعی فیلم پی ببرند بنای تظاهر را گذاشتند تماشاچیانی که بخاطر دوساعت وقت گذرانی و بعبارت دیگر وقت کشی ودیدن صحنه ها ومناظر تحریك کننده وزدو خوردهای وحشیانه وصورتهای گریم کرده وبظاهر زیبای هنرپیشگان واندام لخت آنها بسینما میروند قادر به تماشای یك درام حقیقی دوراز هرصحنه خیالی و آنتریکهای محرك اعصاب نمیباشند. آنشب در نیمه سانس دوم این افراد که دیدن هندی های بابرهنه وبازی هنرپیشگانیکه باتمام سادگی خود درفیلم ظاهر میشوند برای آنها ناگوار آمد دست بتظاهرات زننده ای زدمو هیاهوی عجیبی راه انداختند سینما ایرانیم که آنقدر شهامت جلوگیری ازتظاهرات این قبیل اشخاص را نداشت بفوریت فیلم را عوض کرد وفیلمی تکراری ازبودابت و لوکوستلو بمعرض نمایش گذارد ومردمیکه تقاضای فیلم جالب میکردند با رضایت اینکه دی مسخره پوچ تجارتی را که کوچکترین مفهوم سینمائی نداشت تاآخر تماشا کردند آنهائیکه برای رقص لخت زننده عربی وصحنه های زننده رقصهای لخت فیلمهای تجارتی مجذوب و بی اختیار میشوند هنگامیکه رقص ملی هنری را دهها دختر ك سیاه چهره بومی آغازشد بافریادهای گوش خراش خودسالون را پرسرشان گذاشتند درحالیکه همین اشخاص که متاسفانه اکثریت راهم تشکیل میدهند هنگام

تماشای رقصی زننده فیلم بی پناه با عربده های شعف انگیز خود منتهای لذتشان را نشان دادند.

آن کسانی که بقول خود این فیلم را منحط و بی ارزش دانسته و تقاضای فیلم اخلاقی می کردند بالذت تمام یکی از کوچکترین و پوچترین کمدی هالوکاستلو را تماشا کردند و فردای آنروزهم باردیگر بسینما ایران آمدند تاشاهد زدوخوردهای وحشیانه ومناظر حرکت گاوها درفیلم تجارتی(دره انتقام) بشوند. آنروز انکارنده بازحمت زیادی میخواستم باین آقایان بفهمانم که آخرهر فیلمی صرفنظر ازمیزان ارزش خود مورد پسند همه قرارنمیگیرد واگرکسی فیلمی را نپسندید میتواند با نهایت آرامش سالون سینمارا ترك کند نه اینکه باعملیات زننده باآبروی خویش بازی کند بطوری که همانشب عده‌ای از تماشاچیان فهمیدکه بارزش فیلم رودخانه پی برده بودند پس‌از تغییر فیلم ونمایش فیلم بدایت و لوکوستلو سالون سینمارا با تاسف ترك کرده وازاینکه سینما درمقابل چنین اشخاصی ازخودضعف نشانداده بود اظهارنارضایتی کردند.

بدبختی دراین‌جااست که سینما روندگانی که بصحنه‌های منحط تجارتی و آنتریك وآکسیونهای معموله فیلمها عادت کرده اند می‌خواهند سلیقه شخصی خود را بعنوان ایده اکثریت بصاحبان سینماها تحمیل کنند آنها بسینماها معترضند که چرا فیلم اولین مرتبه نمایش نمی‌دهند ولی‌خود بانهایت‌میل یك فیلم کمدی‌تکراری را تماشا میکنند وشاید هم بقول خود آنرا یك اثر اخلاقی‌میدانند.جای‌تاسف‌است که‌عده‌از تماشاچیان سینما ، بواسطه نداشتن‌فرهنك و فقدان تربیت دارند هنگامی که فیلمی‌رانمی‌پسندند‌ایجادتشنج کرده‌وازهیچگونه‌عمل‌زننده‌ای خودداری نمی کنند‌و عده‌ای دیگرهم مترصد تظاهر این‌دسته بوده وازشدت بیکاری‌دشاید هم بیماری‌در دادوفریاد با دسته اول همراهی میکنند.

واما یك مسأله روانی نیزدر علل استقبال مردم از فیلم رود خانه وجـود داشته‌است‌چون‌درطی‌سالهای متمادی غالب‌فیلم‌هاایکه نمایش داده‌شده‌اندحتی‌شاهکار های آنها غرق درآکسیون وآنتریك‌های مختلف وصحنه‌های مبرك اعصاب‌بوده اند ومردم‌هم در نتیجه زندگی غیر طبیعی خود نسبت به این انتریك ها علاقمند شده وعادت کرده بودند بدینجهت اگر عالیترین شاهکار هنری‌را هراندازه هم پرارزش باشد بمعرض نمایش‌گذارندمردم که‌عادت به‌صحنه ها وانتریك های‌مطلوب خودکرده اند اگر از این مطلوبات که غالبا در فیلم های جنائی و پلیسی و درام های عشقی‌دیده میشوددرآن فیلم موجود نباشد باسردی آنرا طرد میکنند در واقع این انتریك ها که درباره خوبی یابدی آن وارد بحث نمی‌شویم چنان درروح‌و اعصاب مردم سینماروتاثیر کرده که‌دیگر حاضر نیستند‌غیراز‌آنتریك چیزدیگری ببینند البته این مسئله درمیان طبقه روشن فکر صدق می کند والا در طبقات دیگری که بتماشای فیلم‌های قهرمانی تجارتی‌میروند اصلا مسئله و درك انتریك های سینمائی وجود و مفهومی‌ندارد

مادام بوواری

MADAM - BOOVARI

محصول سال ۱۹۵۱ کمپانی مترو گلدین مایر امریکا - اثر گوستاو فلوبر - باشتراك : جینفر جونس - لوئی جوردان - وان هفلین کریستفر کنت - جمس میسون

درداستانی که اثر قلمی نویسنده مشهور فرانسوی گوستاو فلوبر است سرگذشت دختری که وسوسه‌های شیطانی و ناراحتی های جنسی اورا ازعالم حقیقت دور داشته و بطرف هوسبازی‌های موقت سوق داده است تجسم پیدا میکند قسمت عمده فیلم در اطراف حرکات وزندگی این دختر که احساساتش ازحال طبیعی خارج شده ولی بواسطه جذبه سحرآمیز خوددل جوانان رامی باید دورمیزند او که نمیتواند تنهایك محبوب داشته باشد چنان در عوالم هوس انگیزی خود غوطه‌ور است و چنان فریفته تجمل و ثروت گردیده که همه چیز را در زندگی زیر پا مینهد. امابوواری زنی است زیبا و همه دور اورا گرفته‌اند واو هم می خواهد نظروتوجه همه‌را جلب کند وچنان در دلربائی یدطولائی دارد که همه‌را بازیچه دست خود قرارداده وعجزی که همواره دربسیاری ازمردان دیده میشود سبب شده که وی بتواند هوسهای خودرا بر دوستارانش تحمیل کند. او دوست دارد لباسهای شیکی بپوشد ، زیبائیش همه‌را خیره کند قلب ها همه در مقابلش بلرزه درآید .

او قادر است زیرا زیباوجذاب بوده وخیلی خوب می رقصد وهمین کافیست که جوانان همه محو اوشوند اودنبال معبود خیالی میرفت که در اجتماع وجود نداشت . فلوبر نویسنده میرز دراین داستان موتر خود احساسات وعوالم چنین زنی را بخوبی مجسم میکند واتفاقا چنین پرسوناژی که قهرمان کتاب اوست درزندگی ما نیز بتعداد بیشماری دیده میشود تنهااما بوواری ملکه آنها محسوب میگردد در این داستان وفیلم همه چیز بامرك اما بوواری خاتمه می یابد وتنها کسی که در مرك اش اشك میریزد شوهرش دکتر بوواری است که باوجود اینکه بخیانت ها و هوسرانی های همسرش پی برده بود بازهم باشکیبائی طاقت فرسائی اوراحفظ می کرد (ولی آنهای دیگر که تنهابااو نرد عشق باخته بودند هنگام مرك هم سراغش نیامدند زیرا اوگل خوشبو وزیبائی بود که پژمرده شده، پلاسید وازبین رفت!! این داستان را می توان یکی از آثار بی نظیر اخلاقی دانست که دراین فیلم هم بشکل خوبی پرورانده شده و نشان داده میشود .

نکات و جنبه های هنری فیلم

دراین فیلم پنج هنرپیشه بزرك عالم‌سینما شرکت دارندکه چهارتن ازآن ها دررل شخصیت های بزرك داستان ظاهرمیشوند ووجود این هنرپیشگان بزرك هنرمند برمیزان ارزش فیلم می‌افزاید البته‌نه‌برای آنکه دراین فیلم شرکت‌دارند بلکه برای اینکه این‌هنرپیشگان دررل پرسوناژهای بزرك داستان فیلم ظاهر شده ورل‌خودرا هم بخوبی ایفا میکنند .ستاره‌اول‌فیلم « جنیفرجونس » ستاره درخشان عالم سینما میباشدکه موفقیت های زیادی بواسطه بازی درفیلم های بزرك هنری بدست آورده است وی اولین‌بار بواسطه بازی درفیلم (آواز برناردت)بدریافت جایزه اسکار نائل آمد وسپس درفیلم های بزرگی مانند دوران‌درآفتاب ـتصویر ژنی ونامه‌های عشق باتفاق جوزف‌کاتن شرکت کردکه کلیه آنهارادرطهران‌نمایش دادند دراین فیلم وی باحساسیت ومهارت زیادی رل‌امابووآری را ایفا میکندالبته بازیش در صحنه های مختلف تااندازه‌ای ضعیف وقوی‌میگردد درچند صحنه بازی وی بخصوص ازلحاظ حرکات عصبی چهره وحالت چشم فوق‌العاده‌قوی شده است «وان‌هفلین» هنرپیشه‌فیلم سه‌تفنگدار وخیابان دالبن دررل دکتر بووآری، «اولی جوردان» هنرپیشه فیلم‌های نامه‌یك زن ناشناس وپاراداین دررل یك‌جوان‌ثروتمند و عیاشی و «کریستفرکنت» هنرپیشه فیلم سینگوالا در رل یك جوان دانشجو ظاهر میشوند .

موزیك متن فیلم‌ازقسمت های پرارزشی است‌که لطف بخصوصی به‌صحنه ها بخشیده چندصحنه فیلم از لحاظ دکور وپلان بندی واصول‌فنی سینما فوق‌العاده قوی تنظیم شده‌است قطعا جا داشت که چنین فیلمی جزء بهترین فیلم های سال شناخته شود .

میزان تاثیر فیلم درمردم

این فیلم ازلحاظ کلی موردپسند عده بیشماری‌از افرادروشن فکرودوستجات هنرمند و هنرپیشه واقع گردید طرفداران فیلم‌های قهرمانی اصلابه دیدن این‌فیلم نیامدند اکثریت تماشاچیان رادوشیزگان و بانوان تشکیل میدادندو قطعاجنبه‌های عشقی وصحنه‌های رقص‌والس فیلم در احساسات رقیق دختران وپسران نو جوان فوق العاده موثرواقع شد واین‌خودیکی ازعواملی بودکه جوانان را وادارب‌ه تماشای این‌فیلم کرد واین‌تاثیررا بایدیك‌اثرصرفا مسی‌از لحاظ‌جنبه‌عشقی‌دانست.

اکثریت کسانیکه این‌فیلم دادیده و پسندکرده بودندتنها اظهار عقیده‌کردندکه فیلم خوب ولذت‌بخش بودو اگراز آنهابیشتر سئوال میکردید پاسخ‌میدادندکه داستان قشنگی داشت!! خیلی‌خوب بازی‌میکردند وصحنه‌والس اولی جوردن وجنیفرجونس خیلی تماشائی بود الهمین وبس ..

پایان یك عمر

Deeth of a Salesman

محصول سال ۱۹۵۳ کمپانی کلمبیا امریکا رژیسور: لاسلو بندك

تهیه کننده: ستانلی کرامر موزیك از موریس ستواوف ـ رهبری موزیك باآلکس نورت ـ باشتراك: فردریك مارچ ـ میلدریك دونوك ـ کوین مك کارتی

بافیلم پیش برویم

ما که خود دچار مضیقه ومصائب و مشکلات مادی زندگی بوده‌ایم قطعا باید بتوانیم با این نوع گرفتاری، ها وناراحتی های مادی آشنا باشیم زیرا شکی نیست که اکثریت مردم جهان دارای ناراحتی ها و گرفتاری‌های مادی هستند که نتیجه متدغلط زندگی اجتماعی است. صاحبان کار و سرمایه افراد زحمت کش را بمثل ناچیزی طرد ومحروم میکنند در این فیلم جنون یك فروشنده بعلت استیصال مادی و نرسیدن به آمال و آرزوهایش مجسم میشود اجتماع که بدون ترحم اورا از نزد خود رانده چنان ویرا تحت فشار قرار میدهد که او دیوانه میشود البته ده ها هزار نفر که دچار این مشکلات مادی شده ، میایند میروند و هیچگاه از حالت طبیعی خارج نمیشوند زیرا مانند انسانهای عادی زندگی را دوست دارند و بهر وسیله که هست نمی خواهند آنرا از دست بدهند ویلی لومان کسی است که سالها به فروشندگی اشتغال داشته ولی صاحبان کار بدون آنکه قدرش را بدانند ویرا اخراج میکنند واو که در نتیجه داشتن روحیات بخصوصی آمال و آرزوهائی داشته چون در نتیجه استیصال مادی آمال و آرزوهایش رانقش برآب می‌بیند دچار بحران روحی عجیبی میشود و فیلم در جائی آغاز میشود که شبی بحران روحی ویلی به منتهادرجه رسیده ودچار رویاهای عجیبی میشود...

او میخواست پسر بزرگش در امتحانات موفق شود و آینده خوبی برای خود بسازد ولی همه اینها درنظرش نقش برآب شده میآید... برادر مرحومش را می بیند که در تجارت خود موفقیت زیادی بچنگ آورده و سرمایه خوبی کسب کرده ولی ازطرفی او نمیتواند حتی برای معشوقه‌اش که ازاو جوراب میخواهد جورابی بخرد رویا هایکی پس ازدیگری اورا رنج میدهند وبالاخره صبح روز بعد هنگامیکه با

ماشین بیرون میرود تصادم کرده وجان میسپارد فکراین داستان از لحاظ تجسم مشکلات ودردهای مادی وهمچنین اصول پوسیده زندگی کنونی سرمایه‌داری که افراد را دچار مضیقه مادی ساخته و به نیستی سوق میدهد جالب است لیکن از چند لحاظ شدیدا مورد انتقاد میباشد ...

اولا زندگی این خانواده باتوجه به وضعیت خانه آنها هنوز درحدود متوسط بوده و کار بجائی نکشیده بود که سرپرست خانواده دچار چنین التهاب وجنونی بشود درست است که بیکاری برای توده مغرب زمین ناراحتی عجیبی است لیکن باید بمیزان آن توجه کرد بعلاوه در این فیلم از عالم معنی هیچگونه صحبتی نیست وتنها از بحرانهای روحی که ناشی از فشار مادی است صحبت میشود درحالیکه فشار مادی در این فیلم نسبت به بدبختی وفقر اجتماعی که در جهان وجوددارد بی اندازه ناچیز ومسخره است بدبختیهای وحشت آور بزرگ اجتماعی است که بشررا وادار به جدال ومبارزه کنونی ساخته . بنابر این چنین موضوعات تخیلی نمیتوانند ازلحاظ جنبه اجتماعی درردیف آثاری قرارگیرد که کلیات حقیقی تری از فقر توده های مردم ووحشتی که در نتیجه این فقر بوجود میآید مجسم گرداند ولی البته سوژه قوی، صحنه بندی و جنبه هنری فیلم از لحاظ بازی و موزیك فیلم را در ردیف محصولات با ارزش قرار میدهد .

نکات وجنبه‌های هنری فیلم

با توجه ببحث فوق درباره داستان وجنبه اجتماعی فیلم این طور نتیجه می گیریم که در فیلم پایان یك عمر جنبه هنری بالاتر و قویتر از جنبه اجتماعی است و بعبارت بهتر یك سوژه ناقص که فکر آن آنطور که لازم است پرورش نیافته در سایه بازی قوی هنرپیشگان ارزش فوق العاده پیدا کرده است دراینگونه فیلمها است که بازی آکتورها قسمت اساسی را تشکیل میدهد . دربسیاری ازفیلم ها هنرپیشگان بابازی خود توانسته اند یك سوژه کوچك را بزرگ کرده و فیلم را حائز ارزش نمایند دراین فیلم هم «فردریك مارچ» نمونه یك بازی قوی آرتیستیك را نشان میدهد حالت چهره او دربعضی از صحنه ها فوق العاده جالب است ،ودرچند صحنه دیگر در تجسم رویاهائی که دچار میشود فوق العاده طبیعی در دل خود ظاهر شده است پس ازمارچ میلدرد دونوك دررل پسر بزرگ او فوق العاده قوی بازی میکند درواقع کلیه هنرپیشگان فیلم کاملا درقالبهای دل خود قرارگرفته و بانهایت مهارت نقشهای دشوار خودرا ایفا کرده اند پدرو پسر درصحنه هائی که مقابل هم قرار میگیرند در تجسم حالات روحی و هیجانات درونی خود مهارت زیادی نشان میدهند موزیك متن فیلم درغالب صحنه ها باکوتاه و بلند شدن تم های مختلف در پرورش صحنه ها وبازی هنرپیشگان تاثیر بسزائی داشته است درواقع باید بازی، موزیك ودکوراسیون فیلم را فوق العاده عالی ودرخشان دانست.

میزان تاثیر فیلم درمردم

پایان یك عمر یکی ازآن فیلمهائی بود که اصلا مورد استقبال واقع نشد

وآنرا تنها یکهفته درسینما کریستال نمایش دادند قطعا چنین فیلم سنگینی باآن صحنه های درهم وجریانات پیچیده خود نمیتوانست مطلوب دوستداران فیلمهای تفریحی باشد ، و کمتر کسی از تماشاچیان حاضر شد خود را وادار بتفکر درباره فیلم و کشف مسائل و نکات پیچیده آن بنماید .

ولی چون سینما کریستال نمایش دهنده فیلم از همان شبهای اول در طی یک آگهی متذکر شده بود که این فیلم تنها برای علاقمندان محصولات سنگین هنری بمعرض نمایش گذارده شده است بدینجهت آن تماشاچیانی که همیشه خود را حاضر به کشیدن فریادهای گوش خراش و پس گرفتن پول بلیط مینمایند نتوانستند تظاهراتی بکنند.

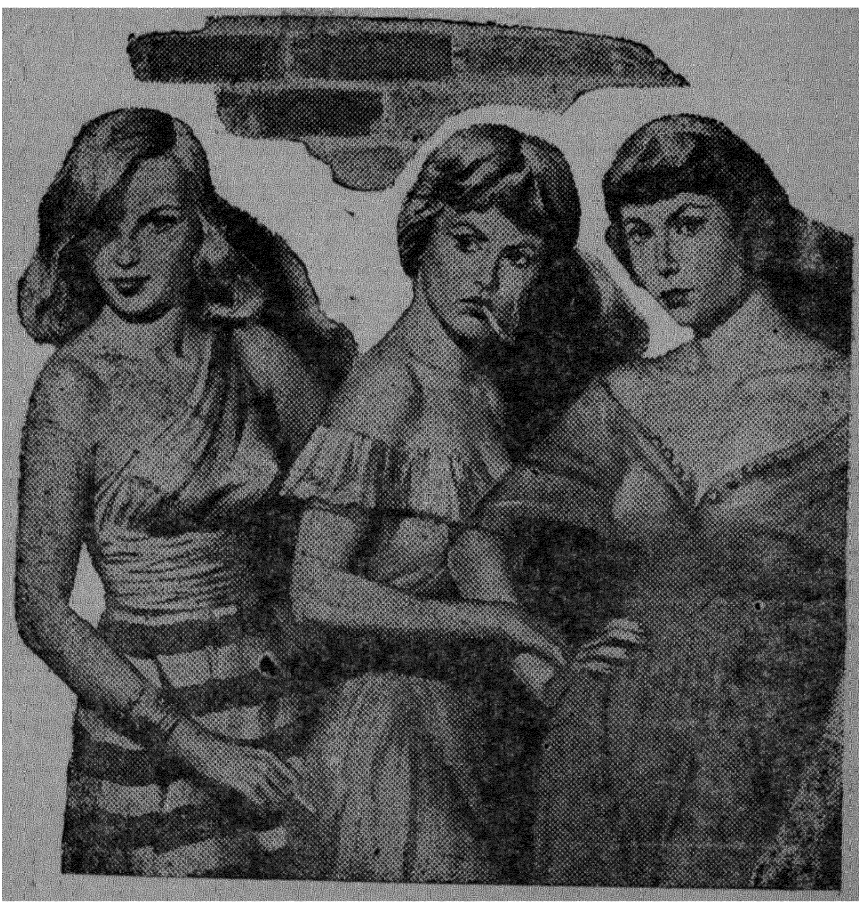
عده‌ای هم بودند که بانهایت رغبت و علاقمندی این فیلم را تماشا کرده و از بازی و نکات هنری آن لذت بردند متاسفانه تعداد آنها آنقدر نبود که سبب شود فیلم مدت بیشتری روی پرده بماند.



نسل بیچاره

SoYoung so bad

محصول سال ۱۹۵۱ کمپانی یونایتد آرتیست آمریکا - رژیسور
برناردورهوس - داستان اثر ژان پوورول - موزیك ازو. سترینجر
باشتراك: پل هنرید - کاترین مك لود - آن فرانسیس - سیل کلاوولی
انی پولور - آن جاکسون

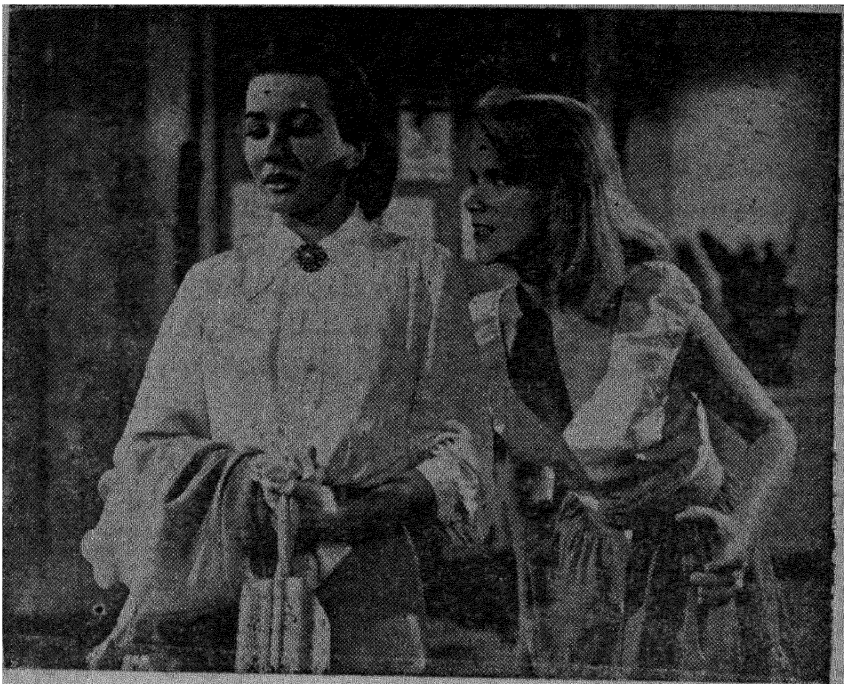


آن فرانسیس - انی پولور و آن جاکسون درفیلم نسل بیچاره

با فیلم پیش برویم

دسته جدیدی از دختران را بطرف دارالتادیب میبرند تا آنها را در تحت شرایط صحیح تعلیم و تربیتی راهنمائی و اصلاح کنند، ده‌ها دختر بجرم دزدی و عملیات خلاف قانون در این دارالتادیب بسر میبرند این نوجوانان منحرف را برای این به اینجا آورده‌اند که تحت اصول صحیحی تربیت نمایند !!! داستان ما از همین جا شروع میشود در میان این دختران چهار شخصیت برجسته تر جلب نظر میکنند که قهرمان اول داستان بشمار میرود دلورس دخترک حساس و شاعر منش ایتالیائی که تنها در گوشه‌ای با مجسمه کوچك حضرت مریم راز و نیاز میکند، چین دختر ساده و مظلومی که در گوشه زندان تنها با خرگوش کوچکی که دارد دلخوش است، ژاکی دخترک خشن و خونسردی که در روح او عصیان عجیبی وجود دارد او همواره میگوید که هیچ چیز اورا مغلوب نخواهد کرد و حتی قطره‌ای هم اشك نخواهد ریخت، و اما راتا دخترك عشوه گر که صاحب احساسات پاکی بوده و به مقتضای احساسات جوانی خود دنبال عشق رفته و در نتیجه پستی‌ها و بدبختی‌هائی که دیده است منحرف شده اصول غلط زندگی اجتماعی احساسات حقیقی اورا تبدیل به یك احساسات کودکانه شهوانی ساخته و اما در این دارالتادیب مقرراتی خشن و اصول غلطی وجود دارد که دختران را وحشی تر و بدبین تر ساخته و روح عصیان را در آنها شدیدتر میکند شکنجه هائیکه از طرف متصدیان پرورشگاه نسبت به آنها میشود نه تنها آنها را اصلاح نمی کند بلکه از زندگی و مردم هم متنفر میسازد.

تمام وسائل تفریح آنها را میگیرند حتی اجازه نمیدهند مجسمه معبود دلورس و خرگوش بی آزار چین از دشان بمانند! در شبی که وسائل تفریح و اشیاء دختران را میگیرند خانم روهلر متصدی پرورشگاه خرگوش چین را زیر لگد کشته و بعد بکوره آتش می‌اندازد در نتیجه این عمل که مقابل چشم دختران انجام میگیرد احساسات دختران تهییج شده و در اطاق خود ایجاد حریق میکنند و پس از خاموش شدن حریق خانم روهلر تصمیم میگیرد مسببین حریق را تنبیه کند بدینجهت آنها را به زیرزمین برده و زیر فشار لوله‌های آب قرار میدهد در نتیجه این شکنجه وحشت آور دخترها به حالت اغماء می‌افتند ، در آخرین لحظه دکتر جاسون که از مخالفین سرسخت این گونه تعلیم و تربیت است سر رسیده و آنها را نجات میدهد پس از این واقعه خود دکتر جاسون برنامه جدیدی برای دارالتادیب تنظیم میکند در این برنامه تمام اشیاء دختران مسترد شده و بآنها مطابق ذوقشان کار های مختلفی مانند روزنامه نویسی و ماشین نویسی و... واگذار میشود وحتی وسائل تفریح و ورزش آن ها فراهم میگردد بدین طریق هر یك از دخترها فنی را یاد میگیرند که پس از آزادی میتوانند از آن استفاده کرده و شرافتمندانه زندگی کنند وعلاوه براین در عوض بدبینی در آنها حس امید به زندگی بوجود میآید ولی بازهم رئیس دارالتادیب و خانم روهلر دخالت کرده و با عملیات خود سبب میشوند که دلورس حساس انتحار کند محاکمه آغاز میشود ... و بالاخره دکتر جاسون با کمك ژاکی ولرتا باعضاء دادگاه ثابت میکنند که این اصول تعلیم و تربیت چقدر غلط بوده و متصدیان پرورشگاه چه عملیات فجیعی میکرده‌اند در پایان دکتر جاسون دوباره اصول جدید و برنامه های



لرتا و روت لسبت بهم حسودی‌می‌کنند، صحنه‌ای ازفیلم نسل بیچاره

خود را آغازمیکند لرتاکه باوعلاقه‌مند بوده چون متوجه میشودکه چنین علاقه‌ای چقدرکودکانه است بنابه‌توصیه ونصیحت دکترجاسون به‌نزدکودك خردسالش که‌در پرورشگاه نهاده‌بود میرد تامادر خوبی برای‌او باشد. ازلحاظ روانی، اجتماعی‌و اخلاقی فیلم نسل‌بیچاره یك شاهکار دیدنی و آموزنده بشمار میرود وقوع یك تضاد هـای شدید طبقاتی توسعه فساد اخلاق سبب میشود کـه جوانها در عوض اینکه در تحت شرایط صحیح و مربیان دلسوزی تحت تربیت قرار گیرند آواره وسرگردان‌وفاسد شوند.

مصائب وحشتناك جنك‌روحیات واحساسات جوانان‌را درهم‌می‌شکند وآنهارا بافساد وخشونت وبدبینی درمیآمیزد پدرو مادرانی‌که خود دنبال عیاشی می روند فرزندان خودرا تنها وبی‌سرپرست درمحیط کثیف باقی میگذارند پدر و مادران دیگری‌که شاید بتوانندکودکان خودرا پرورش دهنددرنتیجه وقوع جنك کشته‌شده وفرزندانشانرا تنها میگذارند. بی‌رحمیها وحشیگری‌ها وپوسیدگی فکری‌درشرایط کنونی نسل‌های جوان رابکلی‌پس‌از دیگری محکوم بفسادونابودی میسازد دخترانی که‌ما دراین فیلم میبینیم افراد بیگناهی هستندکه شرایط زندگی‌وفشار محیط‌آنها رابطرف فساد سوق‌داده است‌آنها بامید وآرزوی زیادی پادربرورشگاه می‌نهند تاشاید درآنجا سعادت وآرامش مطلوب خودرا بازیابندولی درآنجا باآنهامانند برده های فراری قرون وسطی رفتار میکنند چیزی بنام تعلیم وتربیت در آنجا

وجود ندارد دراینجا فیلم بخوبی نشان میدهد که درکشور های متمدن نیز اصول تعلیم وتربیت چقدر غلط وحتی وحشت انگیزاست واین می‌رساند که صاحبان قدرت وپول بجز منافع خود بهیچ چیز دیگر نمی‌اندیشند تضادمنافع بین آنها وحرص وطمع نتیجه همان ده ها بلکه صد ها هزار نفر را قربانی میسازد قطعا لازم بود چنین فیلمی بهتر و قوی تر تهیه می شد و پایان آن بطرزی قوی تر و پر مفهوم تر خاتمه مییافت .

در فیلم نشان داده میشود که با برقراری یک اصول صحیح امید بخش روحیات دخترها تغییر پیدا میکند لرتا که کودک خودرا رها کرده بود پس از آزادی مجددا نزد او میرود ، ژاکی با آنهمه خشونت وخونسردی هنگامیکه محبت لرتا را نسبت به کودکش میبیند برای اولین بار درزندگی خود اشک میریزد و حتی چین که بدون وجود دوستش ژاکی نمیتوانست زندگی کند متوجه میشود که همواره نمیتواند با اوباشد وباتوجه به نکات فوق میتوان پی برد که فیلم دارای چه نکات باارزش پرمفهوم و آموزنده‌ای است .

نکات و جنبه های هنری فیلم

از لحاظ کلی بازی هنرپیشه‌ها طبیعی و قوی است بازیها طوری است که بیننده تصور میکند که چنین جریاناتی واقعیت داشته و خود ناظر آنست وکمتر بنظر بیننده میآید که این فیلم وبازی هنرپیشه است بدینجهت کلیه بازیها را باید طبیعی دانست بخصوص دردرجه اول «آن فرانسیس» که برای اولین بار در فیلم بازی میکند درنقش لرتا ظاهرشده ورل خودرا بینهایت طبیعی ایفا میکند شخصیت و حالات دختر ها بسیار جالب توجه است ترکیب صحنه ها طوری است که بیننده‌را مجذوب میسازد وقطعا میتوان گفت که چنین داستان و فیلمی در نوع خود کاملا تازگی داشته و فقط به بخشنامه وجرد خانمی بنام روت لورمیک در نقش محبوبه دکتر جاسون در فیلم فوق‌العاده زیادی وبیهوده است وکلیتا جنبه هنری فیلم درمقابل جنبه‌های اخلاقی و اجتماعی ناچیز است .

میزان تاثیر فیلم وقضاوت‌های مختلف مردم

این فیلم برخلاف فیلمهای پایان یک عبر وتراموای بنام هوس با استقبال عمومی روبروشد . علت اساسی این استقبال این بود که موضوع فیلم طوری ترتیب داده شده بود که کلیه قسمت‌های آن نظر تماشاچی را جلب کرده ونکته بغرنج و پیچیده‌ای بهر راه نداشت اصولا چنین موضوعاتی که بدین شکل ساده هم تنظیم شود چون فاقد پیچیدگی وفلسفه‌های درهم میباشد مورد توجه عموم قرارمیگیرد ولی البته بازهم از این فیلم مانند فیلمهای قهرمانی تجارتی استقبال نشد مسخره در اینجا بود که پس ازاینکه بکهفته از نمایش فیلم گذشت تازه مقامات وزارت فرهنگ در صدد تشویق سینما کریستال برآمدند وحتی برای سینمای نمایش دهنده فیلم تقاضای مدال کردند . نتیجه این عملیات توزیع مقداری بلیط مجانی میان معلمین مدارس بود که شاید این عمل بعنوان زحمات وزارت فرهنگ برای توسعه فرهنگ در پرونده‌های مخصوص ضبط شده باشد!!

کاروزوی کبیر

The GreatC aruso

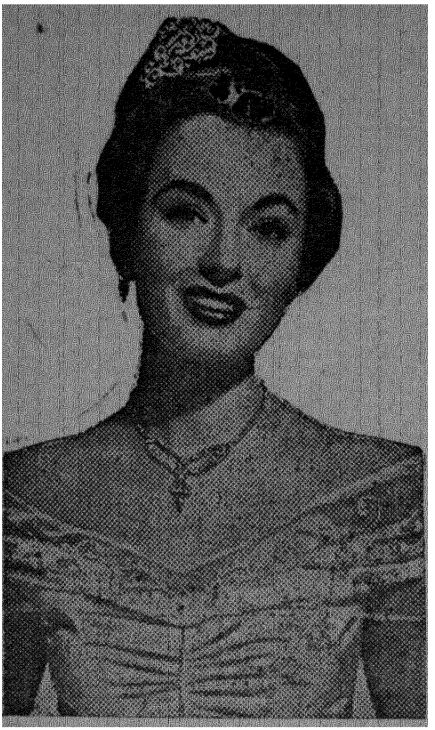
محصول رنگی سال ۱۹۵۱ کمپانی مترو گلدوین مایر امریکا
رژیسور : ریچاردتورپ - تهیه کننده : جوپاسترناك
باشتراك : ماریولانزا - آن بلایت - بارمیلاوو تنا - درروتی کیرستن



صحنه‌ای از فیلم کارزری کبیر

*

بافیلم پیش برویم



آن بلایت ستاره فیلم کاروزوی کبیر

این فیلم شرح حال انریکو کاروزو خواننده مشهور ایتالیائی است که درسال ۱۸۷۳ درناپل پابعرصه وجود نهادو بعد ها با آواز بی نظیر و استعداد فطری که داشت شهرت جهانی بهم زدتا اینکه در نیویورك درنتیجه بیماری سل در گذشت.

کاروزو فرزند خانواده متوسطی بود که در ناپل بزحمت امرار معاش میکردند وی در کودکی مادر خودرا ازدست داد ولی درهمان موقع استعدادش در قسمت آوازمورد توجه قرار گرفت و دردسته کر مذهبی مقام شامخی را بدست آورد . هنگامیکه بسن ۲۰ سال رسیددر کافه ها به آوازخوانی پرداخت و با انعامی که ازمشتریها می گرفت تااندازه‌ای امرار معاش میکردولی بزودی اورا دراپرا استخدام کردند و چند سالی نگذشت که کاروزو خواننده مشهوری گشت و تمول زیادی بهم رسانید وی بعد ازچندسفر بشهرهای اروپا وشرکت دراپراها بآمریکا رفت و در اپرای متروپولیتن بکار پرداخت و درآنجا اوبادختری بنام دوروتی بنجامین ازدواج نمود وچند سال بعد درگذشت.

دراین فیلم زندگی انریکو همراه با نمایشات اپرای او مجسم میگردد، منتهی مرحله اجتماعی زندگی او خلاصه شده و بیشتر به زندگی خصوصی وعشقبازی او توجه شده است تا بکار هنریش !! قسمت آخر فیلم تا اندازه ناقص و ضعیف تمام میشود درحالیکه کاملا ممکن بود داستان فیلم را بهتر وعالیتر پرورش داد و پایان آنرا بشکل قویتر و موثرتر تمام کرد!!

کاروزوی کبیر یك فیلم بیوگرافیك است که از لحاظ جنبه هنری نمایش آواز واپرا قوی و دیدنی ولی از لحاظ جنبه هنری اجتماعی ضعیف و ناقص بشمار میرود بخصوص صحنه های مقطع که زندگی کاروزو را خلاصه کرده و فشرده تحویل بیننده میدهنداز ارزش فیلم کاسته است.

نکات وجنبه‌های هنری فیلم

فیلم کارزوی کبیر را باید از لحاظ موزیك و آواز و نمایشات اپرا با ارزش و دیدنی دانست صدای قوی ماریولانزا که در رل کارزو ظاهر میگردد وصحنه هائیکه ازاپرای‌های مشهور نمایش داده شده ازقسمتهای با ارزش فیلم میباشد ولی باید گفت

که صرفنظر از آواز کارزو اپراهای فیلم چندان قوی و کامل نیست بخصوص که غالب آنها نیز نیمه تمام و ناقص است علاوه براین جریان فیلم آنطور که لازم است قوی ترتیب داده نشده درحالیکه اگر درعوض تجسم صحنه های عشقبازی و نامزد بازی برقسمت نمایشات فیلم اضافه میگردید برجنبه هنری آن افزوده می شد و بازهم دراین فیلم هدف مادی صاحبان کمپانی مانع از این شده است که بجنبه حقیقی هنریك فیلم بیوگرافیك آنطور که لازم است توجه شود [1]

درطی فیلم قطعاتی از اپراهای توسکا - لاخه بابا تزو ، تراویاتا ، هایده ریگولتو، اجرا میگردد . دورتی گیرستن قطعه آیدا، آن بلایت والس (شبهای دوست داشتنی سال) اثر شتراوس رامیخوانند. قطعاتیکه ماریولانزا بطور سولو درقسمت های مختلف فیلم میخواند عبارتند از : دوناموبیل از ریگولتو ، توسکا ، آیدا ایرای بوهم ، ژیوکندا ، بایاتزو ، لادانزا ، تورنسا آسوانتو ، آوه ماریا اثر شوبرت .

در طی فیلم از آهنگهای موسیقیدان بزرك از جمله شوبرت ، اثوکاوالو سکاگنی ، وردی، پوسینی، توستی، روسینی بگوش میرسد کلیه این آهنگها و نمایشات باوجود کوتاهی باارزش بشمار می روند

بازی «ماریولانزا» خواننده جوان و نوظهور که ازفیلمهای او نوای دل- نشین را درتهران نمایش داده اند و همچنین «آن بلایت» دررل دورتی خوب ومتناسب بشمار میرود در واقع کاروزو را از لحاظ جنبه هنری باید فیلمی دیدنی و با ارزش دانست بخصوص که مانند سایر فیلمهای بزرك کمپانی مترو ازلحاظ تکنیك و رنك آمیزی نیز قوی است .

میزان تاثیر فیلم درمردم

کاروزوی کبیر در اسفند ماه گذشته بمعرض نمایش گذارده شد و درمیان طبقات روشنفکر وطراز اول موفقیت خوبی بدست آورد و بطور تقریب می توان گفت که کلیه دوستداران فیلمهای موزیکال هنری وعلاقمندان موسیقی کلاسیك این فیلم را تماشا کرده و استقبال شایانی از آن نمودند . ولی البته درمیان تماشاچیان این فیلم از علاقمندان فیلمهای قهرمانی تجارتی اثری نبود. غالبا سانسهای سوم وروز های وسط هفته سالن سینما غرق درتماشاچی میشد ولی درروزهای جمعه از تعداد مشتریها بمقدار زیادی کاسته میشد ولی با همه این می توان گفت که عالی ترین پوبلیك برای دیدن این فیلم شتافتند وسینمای ایران درشبهائی که کاروزو را نمایش میداد نظم وترتیب و آرامش عجیبی داشت ودیگر از جنجال وحشت انگیز هوا خواهان فیلمهای قهرمانی وهیاهو تخمه شکنها خبری نبود

پرنس و گدا

PRINCE AnbThe PAUPFR

محصول ۱۹۳۸ کمپانی وارنر امریکا کپیه شده درسال ۱۹۵۱

اثر مارك تواین .رژیسور ویلیام کملی موزیك ازاریك ولنگان



کورن گلد باشتراك برادران موچ تونیس (بیلی و بوبی) ارل فلین و کلودرنس

فیلم پرنس و گدا

بافیلم پیش برویم

مارك تواین نویسنده انگلیسی داستانی بنام پرنس و گدا ازوقایع انگلستان ن شانزدهم نوشته که درواقع یك افسانه شیرین میباشدکه بقول تواین معلوم نیست که حقیقت داشته یانه! مکان داستان در انگلستان و زمان سال ۱۵۴۷ موقع سلطنت هانری هشتم است .



برادران موج: لوینس درفیلم پرنس وگدا

هانری پادشاه کهنسال انگلستان پسری بنام ادوارد دارد که باید جانشین او شود درجنوب شهر لندن نیز پسری هم سن ادوارد بنام توم که شباهت فوق العاده باو دارد زندگی میکند پدر توم دزد ولگردی است که دائما پسرش را کتک میزند شبی توم بقصر سلطنتی آمده ودر زیریکی ازسکوها میخوابد قراولان اورا دیده و هنگامی که میخواهند تنبیهش کنند ادوارد سررسیده اورا باخود بدرون قصر میبرد آنها تصمیم میگیرند که لباسهای خودو بدین وسیله مقام خودرا باهم عوض کنند ادوارد با لباس ژنده بجنوب شهر میرود وتوم درلباس پرنسس درکاخ میماند هنگامیکه این رویا بحقیقت می پیوندد توم وحشت کرده و بدرباریان اظهار میدارد که او پرنسس حقیقی نیست ولی کسی حرف اورا باور نکرده وهمه فکرمیکنند دیوانه شده است بدین ترتیب ماجرای شیرینی آغاز میشود که با حوادث جالب وتماشائی توام است ادوارد پسرحقیقی شاه درلباس گدا بجنوب شهر میرود وهمه جا خودرا پرنسس میخواند ولی همه اورا مسخره کرده کتک میزنند دراین میان هانری پادشاه کهنسال درمیگذرد ! حالا باید مراسم تاجگذاری پسرش اجرا شود ولی پسرحقیقی اودرلباس گدایان درجنوب شهراست وتنها ازاین موضوع چندتن ازاشراف آگاهی یافته و میخواهند ازوجود ولیعهد دروغی سوء استفاده کنند حوادث شیرین رخ میدهدو بالاخره پرنسس حقیقی بجای خود بازگشته وباشیوه خود توم زندگی جدیدی را

آغاز میکند داستان جالب ودلپذیری‌است که درفیلم هم بشکلی تماشاچی، مشغول کننده وشیرین درآمده است درواقع میتوان گفت که یکی ازداستانهای بـا ارزش تاریخی‌است که ازجنبه های اخلاقی نیز بهره‌مند است بخصوص شخصیت‌های‌داستان ووضعیت دربار وتفاوت زندگی اشراف وتوده‌مردم بخوبی‌نمودار میگردد دراین فیلم نشان داده میشود که مردم مقامات وشخصیتها را از روی‌لباسشان میشناسند و لباس ها هستند که احترام دارند !! پرنس و گـدا از آنگونه فیلمهائی است که کلیه دوستداران‌سینما را مجذوب و شیفته می‌سازد و قطعا جنبه گمراه کننده ای هم ندارد .

نکات وجنبه‌های هنری فیلم

فیلم پرنس وگدا درسال ۱۹۳۸ توسط‌کمپانی برادران وارنر که بهترین محصولات سینمائی هالیود را میسازد تهیه‌شده فیلم ازلحاظ بازی و موضوع فوق العاده قوی‌است وباوجوداینکه تکنیك وسبك فیلم‌برداری مانند سالهای اخیرقوی، وکامل نیست لیکن سبك بازی هنرپیشه‌ها نهایت بهتر ازبازی هنرپیشه‌های‌سالهای اخیر می‌باشد بدین‌معنی که غالب بازیکنان رلهای خود را درکلیه صحنه‌های فیلم فوق‌العاده طبیعی ایفا میکنند.

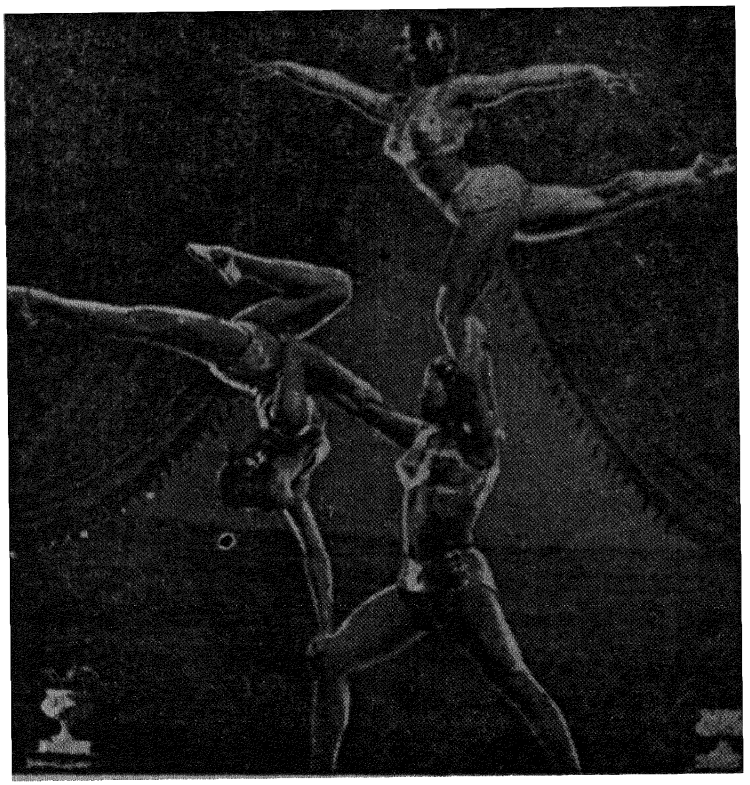
«برادران دوقلوی موج تویتس» در رل‌های پرنس ادوارد وتوم بهترین بازی‌را انجام میدهند بازی آنها از ژست‌های تصنعی وعملیات مخیرالعقول کاملا بدوراست ارول‌فلین وکلودرنس که ازهنرپیشگان طراز اول‌حالا می‌باشند دراین فیلم رل‌های درجه دوم را بعهده دارند موزیك فیلم نیز برای یك داستان تاریخی خوب تنظیم شده و دربعضی از صحنه‌هاتم‌های مناسب و دلپذیری‌که در مجذوب ساختن بیننده بی‌اثرنیست اجرامیشود ازدکورهای فیلم بخصوص دکورهای‌کاخ‌های سلطنتی باید بخوبی ذکرکرد

میزان تاثیر فیلم درمردم

فیلم پرنس وگدا ده‌سال قبل‌ازاین نیز درتهران نمایش‌داده‌شد ولی همان طوریکه پیش بینی میشد در زمستان‌گذشته هنگامی‌کـه برای دومین مرتبه روی پرده آمـد بیشتر از سابق مورد استقبال قـرارگرفت و ارزش‌آن برای عموم تماشاچیان بیشتر مشهودگردید قطعا داستان شیرین وصحنه‌های متنوع‌فیلم که‌دارای لطف و ارزش بی‌پایانی بودند دربینندگان تاثیرفراوانی کردند بطورقطع میتوان گفت که فیلم پرنس وگدا موفقیت‌خوبی‌بدست‌آورد وباوجوداینکه‌ازآکسیون‌های فیلم‌های تجارتی درآن خبری نبود عموم مردم فیلم را پسندیدند .

کنسرت استادان هنر

محصول تمام‌رنگی سال ۱۹۵۲ کارخانه‌ٔ فیلم‌شوروی باشتراک هنرپیشگان تاتر و ایراهای‌شوروی



صحنه‌ای ازفیلم (صحنه شجاعان)

در میان فیلم‌های هنری‌که درسال‌گذشته نمایش دادند فیلم رنگی (کنسرت استادان هنر) یکی‌از پرارزش ترین‌شاهکارها محسوب میشودکه بایدآنرا بعنوان عالی ترین اثرهنری سال شناخت باوجود اینکه این‌فیلم‌که ازقطعات مختلف‌آنرا کنسرت وباله تشکیل‌یافته و دارای موضوعی نیست لیکن‌مجموعه این‌قطعات‌هنری

که تشکیل این فیلم را میدهند دارای مفهوم عالی و پر ارزش اجتماعی میباشند بدین معنی که در طی فیلم نشان داده میشود که چگونه برای تجسم نمایشات هنری و پرورش ذوق و استعداد های فطری افراد تا چه اندازه سعی و کوشش میشود.

هنرهای زیبا و هنرمندان بزرگ تا چه اندازه در جامعه باید صاحب قدر و منزلت باشند هنر است که در سایه زیبائی و نشاطی که بهمراه دارد روح انسان را تصفیه ساخته و ایجاد هم بستگی بین افراد مختلف و مردم جهان مینماید . هنر بزرگترین وسیله ایست که می تواند مردم جهان را بهم نزدیک سازد زیرا در هنر جز زیبائی نشاط و نیروی فعالیت زندگی چیز دیگری وجود ندارد بدین ترتیب یک چنین فکری را باید گرامی دانسته و بعنوان یک ایده پر مفهوم و آموزنده از آن یاد کرد.

قسمت های هنری فیلم

ملت روس که در باله و اپرا از مدت ها پیش سر آمد اقران بوده است اکنون در سایه توجه بیمانندی که کارگردانان سینمائی اتحاد جماهیر شوروی برای پرورش هنر و هنرمند از خود مبذول میدارند آثار بی نظیر هنری ایجاد کرده و میکنند که نموداری از ترقی و تکامل هنر و دامنه عظمت آنست . اکنون پیس ها و نوشته های نویسندگان و شعرا و آهنگ های کمپوزیتور ها بشکل اپراهای باعظمت تاتر های شورانگیز و باله های سحر انگیز درروی پرده سینما مجسم میشود نموداری از این نمایشات هنری فیلم کنسرت بزرگ و پس از آن کنسرت استادان هنر بود فیلم با کنسرت «سنفونی سوم چایکوفسکی» آغاز میشود.

موزیک باتم شدیدی قسمت ششم سنفونی را آغاز میکند و بعدهم باهمان تم شدید آنرا به پایان میرساند.

سپس اپرای «ایوان سوسانین» که طویل ترین قسمت نمایش این فیلم است باصحنه آغاز مقدمات عروس دختر سوسانین آغاز میشود درصحنه های بعدی سپاهیان لهستانی به کلیه سوسانین آمده واز او میخواهند که آنهارا بمحل پنهانی مینین سردار بزرگ روسی آگاه کند ، سوسانین آنهارا بجنگل برده غفال میکند و در آنجا به آنها میگوید که آنها دیگر هرگز نخواهند توانست از این جنگل رهائی یابند این صحنه ها از لحاظ آواز اپرا ، دکوراسیون و سبک رنگ آمیزی جالب و باارزش است قسمت سوم بابالله «والس شوپن» آغاز میگردد بار دیگر اولانوا مشهور ترین و زبردست ترین بالرین شوروی که درفیلم کنسرت بزرگ قطعه درباچه قورا رقصیده بود روی پرده ظاهر شده و بامهارت زیاد و حرکات موزون والس دل انگیز شوپن را اجرا میکند دفعتا صحنه اپرای بی بی بیک اثر پوشکین شاعر نامی ظاهر میگردد قسمت اصلی این اپرا صحنه اظهار عشق نسبت به کنتس جوان است لیکن از لحاظ هنری آواز خیلی ضعیف و از لحاظ فنی فون تند سبز که در رنگ آمیزی مشاهده می شود فوق العاده زننده وحتی بازی و سبک فیلم برداری هم خیلی ضعیف است درخلال این صحنه ها چند صحنه کوچک آواز اجرا میشود پس از بی بی بیک صحنه شورانگیز رقص «گایانه» اثر خاچاطوریان آهنگ ساز ارمنی تماشاچی را مبهوت میسازد عظمت و ابهت رقص شمشیر زنان ارزش اینگونه صحنه های هنری را مجسم میگرداند قسمت اول صحنه باتم شدید موزیک و رقص شمشیر آغاز میشود و سپس این رقص

شمشیر تبدیل به باله‌ای میگردد که درموضوع آن روح شرقی نمودار است آخرین قطعه فیلم یادر واقع بهترین و کامل‌ترین قطعه فیلم قطعه رقص اسپانیائی رایموندا میباشد که قوی‌ترین و کامل ترین قسمت فیلم را تشکیل میدهد ... هنگامیکه تاصدان دربار سلطان تصویر خواستگار رایموندای زیبارا میآورند دخترك دلباخته تصور میشود وشب هنگامیکه جلاری تابلو بخواب میرود در خواب می‌بیند که با نازد آنی خود میرقصد ولی صبح روز بعد این رویا بحقیقت می‌پیوند وخواستگار زیبا وهنرمند او به قصر آمده و باتفاق در مجلس جشن و سرور میرقصند این صحنه های رقص عبارت از چند رقص پاسه‌دوبل اسپانیائی و دو رقص سولوی باله میباشد که فوق‌العاده عالی اجرامیشود .

دراین فیلم قطعات دیگری نیز اجرا میشود یکی رقص ملی روسی «کولیانکا» است که بشکل شورانگیز و هیجان آور و تماشائی اجرامیشود یرگاین آورند «تپه های اینن» رامی‌خواند رکسترسنفونی «آواز جنگل‌ها» اثرشوستاکوویچ‌را اجرامی‌کند قطعه‌ای همچنام «زنهای رینده» اجرامیگردد که البته این قطعات به‌پایه قسمت‌های بزرك فیلم نمیرسند . فیلم کنسرت استادان هنر یك برداشت واقعی از نمایشات هنری بشمار میرفت قطعاً ایراها و بالتهای این فیلم را باید بعنوان یکی از بهترین شاهکارهای عالم سینما معرفی کرد

میزان تاثیر فیلم در مردم

کسانی که به تماشای کنسرت استادان هنر شتافته بودند بر دو دسته بودند یکی علاقمندان آثار کلاسیك و دوستداران موسیقی و آواز ودیگری کسانی که خودرا موظف بدیدن فیلمهای شوروی میدانستند که البته اکثریت با دسته دوم بود دسته اول درسایه علاقمندی خود از کلیه قسمت‌های فیلم لذت فراوانی برده و حتی چند مرتبه فیلم را تماشاکردند و قطعات این فیلم بخصوص رقص رایموندا و کاپانه اثرات عمیق و فراموش نشدنی درآنها باقی گذاشت واما دسته دوم تنها بعلت تظاهر فیلم را تماشاکرده و شاید هم‌برای آن دست زدند زیرا قطعاچنین فیلمی تنها میتوانست مطلوب علاقمندان واقعی موسیقی کلاسیك و نمایشات سنگین هنری ایرا و باله باشد والا قطعی است کسانیکه موسیقی کلاسیك دوست نداشته وزبان روسی هم ندانند از این فیلم چیزی درك نکرده و تنها شاید یك اثرسطحی و آنی درآنها ایجاد شود طرفداران موسیقی کلاسیك و فیلمهای هنری از ایـن فیلم مانند یك هدیه کمیاب ولذت بخش هنری استقبال کردند کسانیکه درفستیوال سینمائی سوم اردیبهشت‌ماه سال ۳۲ قطعات منتخب این فیلم راندیده‌اند نمیکنند استقبال شایان توجهی ازآن قسمت‌ها بعمل آوردند

سرچشمه

FOUNTAINHEAD

محصول ۱۹۵۰ کمپانی برادران وارنر امریکا - رژیسور کینگ ویدور سناریو ازرین راند تهیه کننده . هنری بلانک موزیك ازماکس ستیز- باشتراك: گاری کوپر پاتریشیانل-ریموند ماسی- رابرت دوکلاس- کنت سمیت

بافیلم پیش برویم

دراجتماعی که اصول آن هیچیك از خواسته های معنوی مردم را برآورد نمی کند ایده و هدف معنوی افراد نیز بازیچه دست کسانی می شود که جز بقیودات مادی بچیز دیگری نمی اندیشند آنها میخواهند هدف وایده معنوی مردم را باپول بخرند وآنها را در زندگی خود محروم کنند شایدهم تصور میکنند که هر چیزی را با پول میتوان خرید وهر فکری را بامقررات خشك و پوچ میتوان مقیدساخت ؟ اما افرادی هم پیدا میشوند که هدف وفکرخود را بهیچ چیز نمیفروشند آنها حاضر نیستند هدف خود را حقیرتراز پول بشمارند یاخودرا اسیر و بنده مقررات منحوسی بکنند که در زندگی ما وجود دارد . مهندس هووارد روآرد کسی است که درکار ساختمانی خود و اصولا طرحهای ساختمانی ابتکار جدیدی بوجود آورده که راه تکامل وترقی را برای ساختن بناهای جدید بسیکی بهتر هموارمیکند واماصاحبان کار ازاو میخواهند که طرزکار خودرا تغییر داده پروژه هائی مطابق ذوق ومیل مردم بسازد ولی هووارد حاضرنیست درسبك کار خود تغییری بدهد اومعتقد استکه هرپروژه های او برای رفاه مردم است تنها مردم عموما عمیقتر به اهمیت کار او پی- نبرده اند وبالاخره روزی که طرحهای اورا تغییر داده وساختمان های جدیدی میسازند وی گلیه این ساختمانهارا منفجر میسازد ودر محاکمه وی میگوید : ممکن است مردم دریك زمان به اهمیت هرچیز نوینی پی نبرند واما هنگامیکه سالهامی- گذرد بتدریج ازآن استفاده نمایند واهمیت آن آشکار شود .... من کسی هستم که میل ندارم درکارو پروژه من تغییری بدهند تغییردر پروژه من خیانت بهدف و کاریك انسان محسوب می شود .

سرانجام هم او با موفقیت از میدان مبارزه باکسانیکه میخواستند با قرار دادهای مادی وی را مقیدسازند بیرون میآید و اما این یك داستان فیلم است بعبارت دیگر فیلی داستان دیگری هم دارد که آن داستان عشقی وروانی فیلم است در واقع در فیلم سرچشمه دو داستان برجسته وجالب توام باهم وجوددارد یکی داستان اجتماعی فیلم ودیگری داستان عشقی فیلم می باشد داستان اجتماعی فیلم همان بود که فوقا تعریف شد وامادر داستان عشقی فیلم یك شهوت عجیب و هیجان انگیز تجلی میکند دختری که شدیدا پای بند احساسات شدید جنسی خود بوده ظاهرا از مردها دوری می کند ولی باطنا درجستجوی معبود مطلوبی است که بتواند به احساسات شدید جنسی او پاسخ دهد این داستان عشقی در درجه اول در اطراف عشق توام با شهوت «دومینیك» دخترك نوبسنده متمولی نسبت به مهندس هووارد دور میزند دومینیك که مظهر خونسردی و بی اعتنائی در مقابل مردان است هنگامی که به مهندس جوان برخورد میکند تحت تاثیر چهره خونسرد وخاموش و نگاه نافذ او قرار میگیرد و به عناوین مختلف از او به منزل خود دعوت میکند ولی هربار باچهره خونسرد وخاموش و بی اعتنائی هووارد که مظهر خونسردی وکار و فعالیت است مواجه میشود درمقابلش زانو میزند ، التماس میکند هنگامیکه مایوس میشود به دنبالش شتافته وباشلاق اورا میکوبد آنوقت ورق برمیگردد نیمه شب هووارد به سراقش میآید ، دومینك درمقابل محبوبی که تاچندی پیش درمقابلش زانو زده بود استقامت میکند ولی سرانجام به زانو درآمده و تسلیم میشود اما هووارد که بکار خود بیش ازهرچیز علاقمند بود ویرا ترك کرده وبدنبال زندگی خود می رود دومینیك باگیل وبناند مدیر روزنامه وینر ازدواج میکند ولی عشق خود را نسبت به هووارد در دل محفوظ نگاه میدارد اشتغال هردو یعنی هووارد ودومینك به امور ساختمانی سرانجام آنهارا باهم روبرو میسازد واین شهوت تند که مدت زمان آنرا تبدیل بیك عشق شدید ابدی ساخته بود دومینك و هووارد را بهم می رساند .

داستان اجتماعی فیلم ازلحاظ فکر فوق العاده غنی وعالی است زیرا بخوبی نشان داده می شود که چگونه بین افرادی که هدف وکار خود را دوست دارند و کسانیکه می خواهند باقـراردادهـای مادی کار و ابتکار دیگران بخرند مبـارزه است!! البته این نظر که شخص باید بمیل خود برخلاف میل وسلیقه اجتماع کار بکند بدین معنی که کار او برخلاف سعادت ورفاه مردم باشد صحیح نیست لیکن ما بخوبی میدانیم که سلیقه عمومی اجتماعی درنتیجه شرایط زمانی ومکانی بر اساسی صحیحی استوار نیست باجتماع نباید چیزی تحمیل کرد بلکه باید اجتماع را دعوت کرد تابتدریج بااصول لازمه زندگی آشنا شود.

هدف وایده هرهنرمند گرامی و مقدس است چه بسا اشخاص بزرگی که در دنیا بوجود آمده اند واجتماع آنها را درك نکرده و آنها نیز در نهایت تیره روزی جهان را بدرود گفتند وپس از سالهای متمادی ارزش وعظمت آنها آشکار گردید باتوجه باین نکات بایدقبول کرد که هدف عالی هرفرد فروختنی نیست قیودات وقراردادهای عادی نمیتوانند ایده های عالی معنوی را تغییر دهند.

ازلحاظ جنبه عشقی نیز فیلم بسیار قوی است صحنه های برخورد و عشق دومینیك وهوواردواصولا تجسم شهوت عجیب و سوزناك یك دخترنسبت به یك مرد ازقسمت‌هائی است که ازلحاظ روانی فوق‌العاده عالی و مـوثر تنظیم شده صحنه‌های عشقی این فیلم رانبایدباصحنه‌های عشقی فیلمهای دیگرقیاس کرد زیرا در این فیلم عشق وشهوت ازنقطه نظر پسیکولوژی تشریح وبیان شده وارزش آن فوق‌العاده است ما در زندگی خودکمتر باچنین احساساتی برخورد می‌کنیـم گرچه این احساسات ازلحاظ جنبه شهوانی قویتر از احساسات ساده عشقی است وشاید برای کسانی که بقول خودشان دوست دارند همه چیز زندگی ساده و عادی بوده وازحد خارج نشود چنین احساساتی نامفهوم و منحرف بیاید لیکن نبـاید فراموش کرد که احساسات غیر عادی است که نبوغ و افکار عالی را بوجود می‌آورد تنها این احساسات گاهی بیك شهوت شدید وگاهی هم‌باحساسات درمسائل دیگرتبدیل میشود.

نکات وجنبه‌های هنری فیلم

ازلحاظ هنری نیز فیلم سرچشمه شاهکاری پرارزش بشمار میرود دوقسمت هنری فیلم یکی بازی و دیگری موزیك متن فیلم است در واقع میتوان گفت کـه بازی قوی هنرپیشه‌های فیلم هردوقسمت اجتماعی وعشقی داستان‌فیلم رابحداعلای عظمت و ارزش خود رسانـده است بدون دك ورزیدگی کاری کوپر و مهارت باتریشیانل در تجسم صحنه های شورانگیز این‌فیلم سهمی بسزا داشته است‌گاری کوپر یك مهندس فعال خونسردو باهدف را بخوبی‌مجسم میکرداند واماباتریشیانل بازیبائی خیره کـننده خود و حالات عجیب چشمهایش احساسات و حـالت روحی شهوانی‌دومینیك‌را نشان‌میدهدبازهم موزیك متن‌فیلم که اثر ماکس‌ستیز آهنك‌ساز نامی کمپانی وارنر است بزرگترین ومؤثرترین نقش را درتجسم صحنه‌هاوهمچنین جریان کلی‌فیلم بازی می‌کند آهنگهای موثرفیلم باتم‌های شدید وملایم‌خودهیجان عجیبی برپامیکند تناسب این آهنگهای عالی باموضوع وجریانات فیلم بحدی‌است که بایدگفت موثرترین رل را درفیلم سرچشمه موزیك بازی‌میکند تکنیك وپلان بندی فیلم نیزفوق‌العاده عالی تنظیم شده است.

میزان تاثیر فیلم در مردم

خوب بیاد دارم آنروزصبح که خود بتنهائی دربالکن سینما رکس نشسته‌و فیلم‌را تماشامیکردم درصحنه آخرفیلم هنگامی که دومینیك باآسانسور بطبقه ششم عمارت نزد محبوب خود هوارد میرفت موزیك فیلم بقدری هیجان انگیز ودلپذیر بودکه من بی‌اختیار چندقطره اشك فروریخته و درمقابل عظمت هنر زانو بزمین زدم واما باوجود اینکه فیلم سرچشمه تااندازه‌ای مورد استقبال علاقمندان‌فیلم‌های دراماتیك واقع شد لیکن قطع دارم‌که‌کمتر چنین احساساتی ویا اصولا تاثری به بینندگان دست داد وعلت اصلی استقبال مردم وجود جنبه‌شهوانی در فیلم وبازی گاری‌کوپر بشمار میرفت .

نظری به فیلم‌های دکو مانته و سایر فیلم‌های سال گذشته



باریف در نقش موسورسکی در فیلم موسورسکی

علاوه بر فیلم های بزرك آرتیستیك درطی سال گذشته فیلم‌های دکو مانته بزرگی نیز نمایش دادندکه از هرحیث حائز توجه و دیدنی بود در میان این فیلم ها باید ازشاهکار رنگی صحنه‌شجاعات یا سیرك شوروی ذکر کرد .

صحنه شجاعان مجموعه‌ای از هنرنمائی استادان و هنرمندان سیرك شوروی بودکه درآن نمایشات محیرالعقول اکروباسی، عملیات حیوانات واز جمله‌دوچرخه سواری خرس‌ها و فوتبال سك‌ها دیده میشد و طی فیلم بخوبی نمایان میگردید که هنرمندان سیرك در سایه تمرینات منظم و تشویق لازم عالی ترین نمایشات هنری سیرکی را اجرا می کنندودر واقع صحنه شجاعان بهترین فیلم دکوماسته‌ای بود که سال گذشته نمایش داده شد متاسفانه روی‌پرده سینماهای‌ما کمتر فیلم‌حقیقی

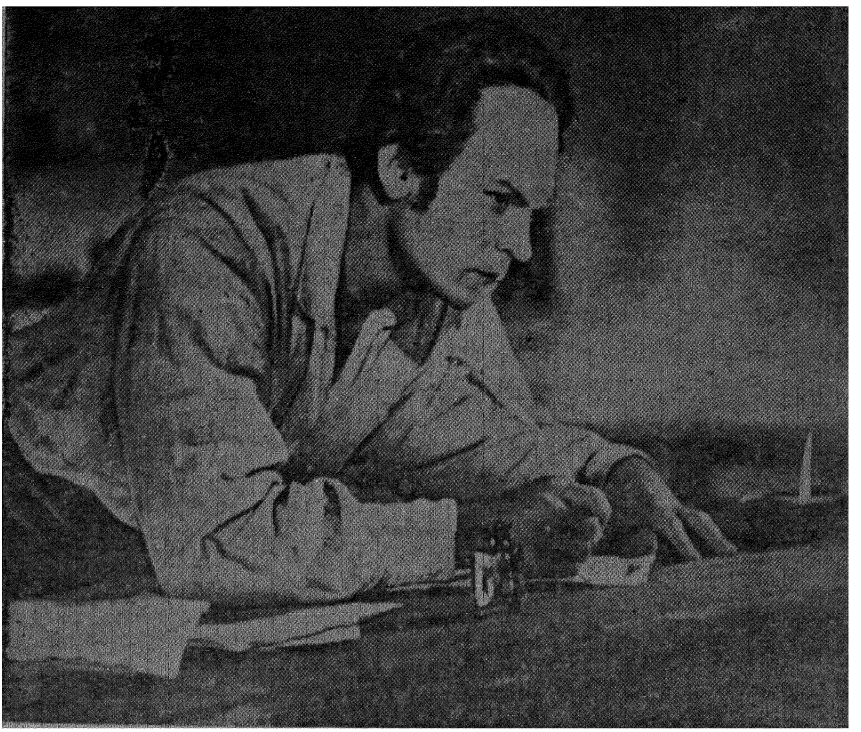
که نمودار واقعی زندگی وجنبش مردم می باشد دیده‌میشود بدون‌شك درفیلم‌های حقیقی ما واقعیات ونکات بدرد بخور و تربیتی را میبینیم که برای‌عموم‌مردم‌مفید و حتی ضروری‌است این نکات کمتر می‌توانند در فیلم‌های غیرحقیقی دیده شوند مثلا در همین فیلم صحنه شجاعان که فقط فیلم‌برداری از نمایشات سیرکی است ما عملیات هنری جوانان را می بینیم هنرمندان‌اکروبات در نمایشات‌تماشائی‌وحرکات حیرت‌انگیز وعجیب خودکه با نرمش‌فوق‌العاده‌اجرا میشود تکامل‌هنری‌واستعدادی را که در وجود افراد بشرنهفته است نشان میدهند و بیننده بخوبی متوجه‌میشود که انجام این حرکات چقدر دشوار ومستلزم چه استعدادی است ، گذشته ازاین ها درفیلم می‌بینم‌که چگونه این عملیات اکروباسی وورزشی را از شکل خشن اولیه خارج ساخته و برطبق‌قواعدکلاسیك تنظیم نموده‌اند نکته جالب‌وقابل‌توجه دیگر فیلم نمایشات دسته جمعی بازیکنان است و این بخوبی میرساندکه این هنر منحصربیك یا چند فردنیست‌بلکه دهها وصدهاافرادبااستعداد درکلاسهای‌مخصوص تعلیمات لازم را فراگرفته و درنتیجه این‌نمایشات هنری وورزشی را روز بروز کامل‌تر و بتهر اجرا میکنند.

این تنهانمونه‌ای ازنوع‌فیلمهای دکومانته‌است درسایر فیلم های دکومانته نمایشات هنری‌دیگر جنبش‌ها وزندگی مردم نقاطمختلف جهان‌را می‌بینیم بنابراین باید به‌ارزش محصولات مستند واقف باشیم .

از فیلم های‌با ارزش دیگری که‌در سال‌گذشته نمایش داده‌شدیکی فیلم‌تزی «همای‌سعادت‌یاسادکو» راکه یك‌محصول‌شیرین‌موزیکال‌محسوب میشود‌ودارای‌فکرو



صحنه‌ای از فیلم همای سعادت



تاراس شفچنکو سراینده اشعار روستائی

ایده مترقی اجتماعی بود باید ذکر کرد دیگر از فیلم های سینما با ارزش سال گذشته فیلم تهرمانان « هارلم » محصول کمپانی کلمبیا امریکا بود که آن عملیات شیرین تیم سیاه پوست بسکتبال هارلم امریکا دیده میشد از فیلم رگی ماکسیمکا محصول شوروی ـ نبرد راه آهن محصول فرانسه ـ داغ فرا ی محصول امریکا ـ لباس عروسی محصول فرانسه و بالاخره فیلم دکومانته جشن ورزشی جوانان نیز باید بخوبی یاد کرد .

اگر به آمار و لیست بهترین فیلم های چهارسال اخیر توجه کنیم به جنبه و میزان ارزش نوع و سبك سینمای کشور های مختلف بی خواهیم برد محصولات انگلیسی ارزش و برتری فوق العاده خود را ثابت نموده داستان های پیچیده و پر مغز در اماتیك جنبه ها و نکات پر مفهوم فلسفی و روانی و بالاخره سبك شیرین فیلم برداری و صحنه بندی و سبك اساس و سبك صنعت سینما توگرافی انگلیسی میباشد و بخوبی مشهود میگردد که کار گردانان سینمائی انگلستان تا چه حد بجنبه هنری و آرتیستیك محصولات خود توجه میکنند . اما در محصولات شوروی بیشتر به مفهومات اجتماعی برخورد می کنیم اساس سینما توگرافی شوروی روی یکهدف اجتماعی و تجسم و تلاش زندگی عمومی مردم و همچنین خدمات و مبارزات اجتماعی شخصیت های بزرك تاریخی دور میزند از این فیلم ها باید تاراس شفچنکو ـ موسورسکی ـ همای سعادت و شوالیه ستاره زرین را نام برد که در کلیه آنها ایده و نتیجه فیلم بیشتر از قسمت های دیگر جلب نظر میکند و در واقع ارکان

هرفیلم نیز موضوع و فکر فیلم است و قسمتهائی مانند بازی هنرپیشه و تکنیک
وسائلی برای تجسم ایده‌و تکمیل‌وپرورش داستان محسوب میشوند علاوه بر این
فیلمها سه دسته دیگر ازنوع فیلمهای شوروی نیزباارزش ودیدنی بشمارمیروند یکی
فیلمهای‌مولتی‌پلیکاسیون(میکی‌موز) میباشدکه برخلاف‌فیلم‌های میکی‌موز امریکا
دارای موضوعات با معنی ونتایج گرانبهای اخلاقی هستند در واقع میتوان فیلم
های مولتی پلیکاسیون شوروی را بهترین وسیله تعلیم بصری جهت کودکان
جوانان دانست دسته دوم فیلمهای با ارزش شوروی فیلمهای موزیکال کلاسیک
میباشند که‌در آن نمایشات عالی اپرا وباله‌بچشم میخورد نمونه این فیلم‌باکنسرت
بزرك وکنسرت استادان هنر بودند در واقع فیلم‌های موزیکال کلاسیك شوروی
از لحاظ اپرا و باله در جهان رتبه اول را دارا هستند سومین دسته فیلم های
ارزش وروی محصولات دکومانته هستندو اما از محصولات دراماتیك‌عشقی‌و
جنائی و پلیسی و یا فیلم‌های قهرمانی‌درمیان محصولات شوروی اصلادیده‌نمیشد



چرکاسف درفیلم موسورسکی

علاوه بر این تاکنون دیده نشده که شورویها از آثار نویسندگان بزرگ خارجی و موضوعات کمدی یا تراژدی کلاسیک فیلمی تهیه کنند و اگر یکی دو فیلمی هم تهیه کرده‌اند هیچیک حائز ارزش نبوده‌اند بازی آکتورهای سینمائی شوروی نیز از لحاظ اصول سینمائی چندان قوی نبوده و بیشتر جنبه تاتر ال دارد . اما نظری بمحصولات امریکا بیفکنیم ... هالیود سازنده پر خرج ترین فیلمهای جهان یک موسسه بزرگ تجارتی محسوب میشود که ماهی ده ها فیلم بنقاط مختلف جهان میفرستد بر کسی پوشیده نیست که هدف مادی کمپانیها بر جنبه هنری کار آنها رونق دارد و بهمین جهت در میان بیست فیلم تجارتی شاید تنها یک فیلم از لحاظ هنری حائز ارزش باشد و اما چون هالیود محل تجمع عده بیشماری از بهترین و بزرگترین هنرمندان و هنرپیشگان جهان است بدینجهت در سایه مجاهدت همین عده فیلمهای بزرگ و بی نظیری مانند بهترین سالهای زندگی ما - برباد رفته - تراموای بنام هوس - جانی بلیندا - کازابلانکا - رودخانه و... بوجود میآید که از بهترین شاهکارهای سینمائی جهان هستند. البته کلیتا از لحاظ اصولی در محصولات هالیود بمسائل تکنیک، دکوراسیون و موزیک بیش از هرچیز دیگر و حتی موضوع توجه میشود و در محصولات دراماتیک بازی هنرپیشه اصل فیلم را میگرداند بدین علت محصولات این کمپانیها از لحاظ موضوع و فکر پوچ و مبتذل و نسبت بهم متشابه گردیده‌اند که دیگر برای کسانیکه باین محصولات آشنائی دارند بی اندازه یکنواخت شده‌اند. محصولات بزرگ کمپانیهای هالیود از لحاظ میزان خرج، تکنیک و دکوراسیون در جهان بی همتا میباشد .

در اینجا مباحث انتقادی ما خاتمه می یابد ولی هنوز نکات و مسائل زیادی درباره سینما وجود دارد که باید بطور مبسوطی درباره آن بحث شود. من از خوانندگان عزیز که مطالب کتاب را تا اینجا خوانده‌اند بارد گر تقاضا دارم که نظریات خود را برایم ارسال دارند تا در نشریات دیگری که بزودی و بتدریج درباره مسائل مختلف سینما انتشار خواهد یافت از این نظریات استفاده شود .

درگذشت معصومه خاکیار

واقعه اسف انگیز وجان گدازی که در اسفندماه گذشته محافل هنری تهران را عزادار ساخت ، انتحار «معصومه خاکیار» ستاره جوان و ناکام ایرانی بود که باز هم درنتیجه محرومیتها و فشارهای محیط و ناراضی‌های خانوادگی که همواره در خانواده‌های ایرانی وجود داشته است تصمیم گرفت دست ازاین جهان بشوید.

معصومه دختر بااستعداد وهنرمندی بود که این استعداد فطری خودرا در سه فیلمی که در آن رلهای اول را داشت بثبوت رسانید . معصومه از اهالی آذربایجان بود ، هنگامی که چند سال پیش بتهران آمد زبان فارسی نمیدانست ولی استعداد هنری او در زمینه تآتر و سینما باو میدان زیادی برای پیشرفت داد و بزودی در تماشاخانه‌های تهران بکار پرداخت ولی تماشاخانه‌های تهران محل پیشرفت وهنرنمائی دختری مانندمعصومه نبودند، تااینکه هنگام آغاز فیلمبرداری پابعالم سینما گذاشت. اولین فیلم او «مستی عشق» محصول پارس فیلم بود که حقیقتا نسبت بسایر ستارگان ایرانی فوق العاده عالی بازی کرد و درهمانجا استعداد بیمانند فطری خود را نشان داد و باوجود این که کلاسی ندیده و با اصول هنری سینما آشنا نبود این بازی خود را بخوبی انجام داد ، سپس در فیلم« گل نسا » اولین محصول دیانا فیلم رل یکدختر دهاتی مازندرانی را بخوبی ایفا نمود . سومین فیلم او «مشهدی عباد» محصول استودیو عصر طلائی بود که با موفقیت زیادی رو برو گشت . درکلیه این فیلمها معصومه در نتیجه استعداد فطری خود بازی طبیعی و پر ارزشی انجام داد . بطور قطع باید اذعان کرد که معصومه یکی از ستارگان درخشانی بود که اگر بهنر واستعداد او توجه شده وتحت تعلیمات لازمه پرورش میبافت یکی ازبهترین هنرپیشگان عالم سینما میشد . مرگ او یك ضایعه اسف انگیز برای سینما درایران وهنرمندان سینما وتآتر بشمار می‌رود.

او در نتیجه محرومیتها وفشارهای مادی ومعنوی دست ازجهان شسته ودر آخرین لحظه زندگی بانهایت شهامت وفداکاری اعلام کرد که هیچکس در این قضیه دخالتی نداشته است . معصومه دخترمحبوب وحساس وهنرمندی بود که علاقه وافری بسینما وهنرپیشگی داشت.

درود به‌روان پاك معصومه خاکیار ! سینمای ایران هیچگاه نام این ستاره هنرمند خودرا فراموش نخواهدکرد . باوجود اینکه جراید آنطور که لازم است ازاین ستاره‌هنرمند یاد نکردند وحتی یکی از جراید کثیرالانتشار شب تنهااینطور نوشت : «زنی سوخت ومرد!! معصومه هنگامی که بآشپزخانه می‌رفت گوشه دامنش بشعله آتش پریموس برخورد وآتش گرفت، کسی نتوانست او را نجات دهد درنتیجه معصومه سوخت ودربیمارستان جان داد... معصومه ۲۱ سال داشت ! » این بود مطلب جریده بزرك کشورما ... این بود تجلیل یك جریده بزرك ازیك ستاره مشهور ایرانی!! زنی سوخت ومرد!! و ۲۱ سال داشت!!! واما این مطلب کوچکترین تزلزلی درارادهٔ ومبارزه هنرمندان ایجاد نخواهدکرد . من بسهم خود نهایت تاثر خود رااز این ضایعه اعلام داشته وباردیگر درود فراوان بروح معصومه خاکیار می فرستم!

نظر بعلاقه اینکه خوانندگان مطالب سینمائی بفیلم‌هائی که درطی سال جاری درتهران نمایش خواهند داد دارند وبرای اینکه علاقمندان سینما ازنام وچگونگی فیلم‌هائی که درسال ۱۳۳۳ درتهران نمایش داده خواهد شد آگاه شوند تعدادی از بهترین محصولات هنری و بزرگترین محصولات تجارتی خارجی را باذکر سینمای نمایش دهنده در لیست زیر بدون اظهار نظرمعرفی میشوند :

فیلمهائیکه درسال آینده در سینماهای تهران نمایش خواهند داد

سینما ایران :

(مکانی درخورشید) محصول سال ۱۹۵۱ کمپانی پارامونت امریکا - تهیه کننده و رژیسور : جرج ستیونس - موزیك از فرانزواکسمان - باشتراك : مونتگمری کلیفت ، الیزابت تـایلور ، شلی وینترز ، آن رور ، کیف بـراسل - (درام اخلاقی)

(کجا میروی؟) محصول رنگی سال ۱۹۵۲ کمپانی مترو گلدوین مایر امریکا - تهیه کننده : سام زیبالیست - رژیسور : ریـن رور - بـاشتراك : رابرت تایلور ، دیوراکر، لئوجن، پتراوسینو،(درام قهرمانی وتاریخی از زمان حکومت نرون)

(کوبك) محصول رنگی سال ۱۹۵۱ کمپانی پارامونت امریکا باشتراك: جان باریمور، کورین کالورت، باربارا روش، نیکی دووال (جنگی)

(گوه سرخ) محصول رنگی سال ۱۹۵۲ کمپانی پارامونت امریکا تهیه کننده : هال والیس رژیسور: جرج وجرج - باشتراك آلان لاد ، لیزابت سکات آرتور کندی، جان آیرلند (وسترن)

(آتشپاره یاغی) محصول رنگی سال ۱۹۵۲ کمپانی یونیورسال انترنشنال امریکا - رژیسور، جرج شرمان - موزیك از هانس ج سالتر - باشتراك : ارل فلین، مورن اوهارا ، آنتونی کوئین (قهرمانی)

(مصر کوچك) : محصول رنگی سال ۱۹۵۱ کمپانی یونیورسال انترنشنال امریکا تهیه کننده جاك کروز رژیسور : فردریك دوکورردووا - موزیك اثرژوزف جرشون - باشتراك : روندافلمینك ، مارك ستیونس ، نانسی گیلد : چارلزدراك (عشقی)

(مردان) : محصول ۱۹۵۱ کمپانی یونایتدآرتیست امریکا . تهیه کننده ستانلی کرامر- رژیسور : فردزینمان موزیك از دیمیتری تیومکین - باشتراك : مارلون براندو ، ترزارایت ، اوت سلوآن ، جاك وب ، ریچارد اردمـان - (درام اجتماعی)

(یك امریکائی در پاریس): محصول رنگی سال ۱۹۵۱ کمپانی مترو-گلدوین-مایر امریکا . رژیسور : ونسنت مینلی موزیك از جرج گرشوین-باشتراك جن کلی ، اسلی کارون ، ژرژ گیتاری ، اسکاراوانت (موزیکال هنری برنده جائزه اول اسکار)

(ترزا) : محصول سال ۱۹۵۱ کمپانی مترو گلدوین مایر امریکا - تهیه کننده : فرد زینمان - رژیسور : فرز زینمان موزیك از لوئی آپلبوم - باشتراك پیر آنجلی ، جون اریکسون ، پاتریسیا کولینك ، ریچارد بیشوب (درام عشقی و اخلاقی)

(شیشه مرك): محصول ۱۹۵۱ کمپانی ج آرتورز انگلستان - تهیه کنندگان : سیدنی روکس وجمس ماسون - رژیسور : لاورنس هونتینگتون ، ازموناکان باشتراك، جمس ماسون، روزاموندجون، پاملا کلینو، آن ستفنس، هنری-اسکار (درام جنائی دوبله شده بفارسی)

سینما رکس:

(ملبا) : محصول رنگی سال ۱۹۵۳ کمپانی یونایتد آرتیست امریکا (تهیه کننده . س . پ . اگل . رژیسور : لومیلستون - داستان ازهاری کورنیتس موزیك ازمورماتیسون . باشتراك پاتریسیامونسل. روبرت مورلی . جان مك کالوم (درام موزیکال عشقی)

(دزدان دریائی Crimson Pirate) - محصول رنگی سال ۱۹۵۲ کمپانی برادران وارنر امریکا - تهیه کننده :هارولدنچ رژیسور : روبرت سیودماك موزیك از ویلیام آلوین - باشتراك برت لنکستر- نیك کراوات-اوابارتوك تورین تاتچر - (قهرمانی)

(هرد ساکت) : محصول رنگی سال ۱۹۵۲ کمپانی ریابلیك -رژیسور: جان فورد-موزیك ازویکتوریانك باشتراك جون واین- مورن اوهارا - باری فیتز جرالد - واردبولد. ویکتورمك لاگلن (درام قهرمانی)

(ستارگان برادوی) . محصول رنگی سال ۱۹۵۰ کمپانی برادران وارنر امریکا - باشتراك دوریس دی - جن نلسون- (موزیکال تفریحی)

(سرگذشت شهر سان فرانسیسکو) : محصول سال ۱۹۵۲ کمپانی برادران وارنر - رژیسور : روبرت پاریش موزیك ازامیل نومان - باشتراك : جوئل مك کری- ایون دکارلو-سیدنی بلاکمر - (درام)

(جاك و بینستاك) : محصول رنگی سوپرسینه کالر سال ۱۹۵۲ کمپانی برادران وارنر آمریکا رژیسور : یاربروج - تهیه کننده : آلکسو کوتکیف - باشتراك . بدابت ولوکوستلو

(بازگشت بهشت) :محصول رنگی سال ۱۹۵۳ کمپانی یونایتد آرتیست تهیه تهیه کننده تیرون وارت رژیسور: مارك روبسن-سناریو از چارلز کوتمان-موزیك ازدبیتری تیومکین - باشتراك : گاری کوپر روبرتا بینس - باری جونس - جون هودسن - (درام عشقی) .

(مارا مارو :) محصول رنگی سال ۱۹۵۳ کمپانی برادران وارنر -- رژیسور : کوردون دوگلاس تهیه کننده : داوید سیارت . باشتراك : ارل‌فلین - روت رومن - ریموندبور - پل‌پیسرلی - ریچاردوب (قهرمانی‌عشقی)

(قلعه آلجرز): محصول ۱۹۵۲ کمپانی یونایتد آرتیست امریکا -- رژیسور : لسلی‌ساندر - تهیه کننده : ژوزف ارمولیف - باشتراك: ایون‌دکارلو - کارلوتومپسون - (قهرمانی)

(شمشیرهای متقاطع) : محصول رنگی (باتکنولور) سال ۱۹۵٤ کمپانی یونایتدآرتیست امریکا - تهیه کننده : بسارت ماهون - رژیسور : میلتون کریمس - باشتراك ارل‌فلین - جینالولو بریجیدا-نادیاگری - پولاموری (قهرمانی تاریخی) .

(زندانیان قلعه شاهین) محصول سال ۱۹۵۲ ایتالیا - متورانسن : روزانوبرازی - باشتراك الزاسزانی، میلی‌ویتاله، کارلوگوستینی (قهرمانی‌تاریخی)

(در بارگاه نرون) محصول سال ۱۹۵۲ ایتالیا - تهیه کننده لیکولو تئودوری - رژیسور . مایاسولانی باشتراك والترجی‌آری- سیلوانامپانینی-کارلو کامپانینی- ناطق‌انگلیسی (کمدی فانتزی تاریخی)

(تیر آتشین) : محصول رنگی (باتکالر) سال ۱۹۵۳ کمپانی یونایتد ارتیست -- رژیسور : اولاندرس باشتراك : آنتونی دکستر - جودی‌لاورنس -- آلان‌هال - روبرت‌کلارك (وسترن‌قهرمانی)

سینماگریستال :

(تیرانداز) : محصول سال ۱۹۵۳ کلمبیا امریکا -- تهیه کننده :ستانلی کرامر -- رژیسور: ادوارد دیمیتری باشتراك: آرتور فرانز -- ماری ویندسور -- آدلف‌مانجو (درام‌جنائی)

(بیگانگان) : محصول سال۱۹٤۹ کمپانی کلمبیاامریکا- رژیسور:جان-هوستن موزیك از: م. استولف -- باشتراك جان‌کالفید -- جنیفر جونس -- پدرو آرمنداریز. (قهرمانی اجتماعی)

(پسر دکتر جکیل): محصول سال۱۹۵۳ کمپانی‌کلمبیا امریکا.ژیسور: سیمور فردمانی - موزیك ازموریس‌ستولف باشتراك:لوئی‌هیوارد- جودی‌لاورانس الکساندرکنوکس . (جنائی)

(پسرحاجی‌مرادیاایوان) :محصول سال ۱۹۵۱ ایتالیا -- رژیسور: کوئیدوبریکنون -- باشتراك : نادیاگری -- پل‌کاپیل - آرالدنوآ- ساندو ، روفینی- (عشقی‌وتاریخی)

(پولا) : محصول‌سال ۱۹۵۲ کمپانی کلمبیا امریکا -- تهیه کننده : بودوآدلروورودلف‌مانه- باشتراك : لرتاباناك -- کنت‌میت -- الکساندرکنوکس. (درام عشقی).

(حادثه‌ترینی‌داد): محصول سال ۱۹۵۲ کمپانی کلمبیا امریکا -تهیه

کننده ورژیسور : وینسنت شرمان ـ موزیك از موریس ستولف ـ باشتراك : ریتاهیورث ـ گلن فورد ـ الکساندرسکوربی (درام عشقی وجانی)

(مادام کاملیا) : محصول سال ۱۹۵۳ لوکس فیلم فرانسه ـ ژیسور . زیموند برنارد ـ موزیك ازفرانس لوپز باشتراك: میشلین پرسل ـ رولاندالکساندر ژینوسروی اثرالکساندر دوما (درام عشقی)

(بی بی پیك) : محصول سال ۱۹۵۲ انگلستان اقتباس از اثر پوشکین رژیسور : هارلداسکینسون باشتراك آنتونی ولبروك ـ رونالدهوارد . (درام)

(فانفان لاتولیپ) : محصول سال ۱۹۵۳ فرانسه ـ رژیسور : کریستیان ژاك باشتراك جینالولوبریجیدا ـ ژرارد فیلیپ ـ مارسل هراند (هنری وعشقی)

(سالومه :) محصول رنگی سال ۱۹۵۲ کمپانی کلمبیا ـ رژیسور : ویلیام دایترل ـ باشتراك : ستوارت گرانجر ـ دبوراکر ـ جودیت آندرسون ـ سیرسدریك هاردویك (قهرمان عشقی)

(ملکه افریقا) : محصول رنگی سال ۱۹۵۱ کمپانی رژیسور : جان ـ هوستن، باشتراك: همفری بوگارت کاترین هپبورن رابرت ورلی (درام)

متفرقه :

(کنسرت استادان بالت شوروی) : محصول رنگی سال ۱۹۵۳ کارخانه لن فیلم شوروی مرکب از سه رقص: دریاچه قوائر چایکوفسکی فواره‌های باغچه سرای اثر پوشکین وشعله‌های پاریس (هنری)

(بازرس) : محصول رنگی سال ۱۹۵۳ کارخانه ـ فیلم شوروی از روی اثر کوگول نویسنده روسی (کمدی)

(دژامبول) : محصول رنگی سال ۱۹۵۲ کارخانه آلماآت اتحاد ـ جماهیر شوروی (تاریخی)

(عشق وزهر) : محصول سال ۱۹۵۲ ایده آل فیلم ایتالیا به اشتراك آمدئوناذاری ، لوئیزاماکسول (عشقی)

(نقاب آبی) : محصول رنگی سال ۱۹۵۳ هرزوك فیلم آلمانی باشتراك ماریکاروك (هنری)

آکادمی آوارد وجایزه اسکار

پس از پیدایش صنعت سینما واستقبال مردم ازاین صنعت‌ظریف ونوظهور نهضتهای مختلفی توسط هنرمندان این فن درکشورهای اروپائی و امریکائی به وجود آمد از جمله چندین آکادمی برای بررسی و معرفی بهترین فیلم‌های هنر پیشگان جهان ایجادگشت وبزودی مراسم وفستیوالهائی نیز برای معرفی و نمایش محصولات زبده وپرارزش‌سینما تشکیل گردید .

ازمیان این‌آکادمیها آکادمی آوارد بیش‌از همه موقعیت واشتهار پیداکرد تا اینکه حتی بعنوان بزرگترین وبهترین آکادمی سینمائی امریکا معرفی گشت. این‌آکادمی ازسال۱۲۹۸رسما شروع بکارکرده وجوائز بی‌نظیری نیزبنام‌جوائز اسکار که نام‌شخصی‌است برای بهترین فیلمها و هنرپیشگان وکارگردان و سایر هنرمندان سینما تهیه نموده .

ازلحاظ اینکه خوانندگان گرامی بدون شك‌به‌لیست برندگان جوائزاسکار علاقمند هستند در جدول ذیل نام برندگان جوائز اسکار (فیلمها- هنرپیشگان‌زن ومرد وکارگردانان) ازسال ۱۹۲۸ تاسال اخیر مرتبا تنظیم شده است :

سال	بهترین فیلم	بهترین هنرپیشه زن
۱۹۲۸	«بالها»	جانت کانپور
۱۹۲۹	«آهنك برودوی»	ماری پیکفورد
۱۹۳۰	«درغرب‌خبری نیست»	نرما شرر
۱۹۳۱	«کیمارون»	ماری ورسلر
۱۹۳۲	«کراندهتل»	هلن هایس
۱۹۳۳	«اسب سوار»	کاترین هپبورن
۱۹۳٤	«یکشب‌اتفاق‌افتاد»	کلودت کلبر
۱۹۳۵	«شورش درکشتی‌بونتی»	بت داویس

سال	بهترین فیلم	بهترین هنرپیشه‌زن
۱۹۳۶	«زیگفیلد کبیر»	لوئیز رمیس
۱۹۳۷	«زندگی امیل زولا»	لوئیز رمیس
۱۹۳۸	«نمیتوانی باخود برداری»	بت داویس
۱۹۳۹	«بر باد رفته»	ویویان لی
۱۹۴۰	«ربکا»	جنیجر راجرز
۱۹۴۱	«چقدر دره من سبز بود»	جون فونتن
۱۹۴۲	«مادام می نیور»	گریر گارسون
۱۹۴۳	«کازابلانکا»	جنیفر جونس
۱۹۴۴	«براه خود میروم»	انگرید برگمن
۱۹۴۵	«تعطیلی ازدست رفته»	جون گرافورد
۱۹۴۶	«بهترین سالهای زندگی ما»	اولیویا دوهاویلاند
۱۹۴۷	«موافقت شرافتمندانه»	لرتا یانك
۱۹۴۸	«هاملت»	جین وایمن
۱۹۴۹	«تمام مردان شاه»	اولیویا دوهاویلاند
۱۹۵۰	«همه درباره ایو»	جودی هالیدی
۱۹۵۱	«یك امریکائی در پاریس»	ویویان لی
۱۹۵۲	«بهترین نمایش روی زمین»	شرلی بوت

سال	بهترین هنرپیشه مرد	بهترین کارگران
۱۹۲۸	امیل یانینکس	فرانك بورزیج
۱۹۲۹	وارنر باکستر	فرانك لویه
۱۹۳۰	جورج آرلیس	لویس میلتون
۱۹۳۱	لیونل باریمور	نورین تارك
۱۹۳۲	فردریك مارچ	فرانك بورزیج
۱۹۳۳	چارلز لافتون	فرانك لویه
۱۹۳۴	کلارك گابل	فرانك کاپرا
۱۹۳۵	ویکتور مك لاکلن	جان فورد
۱۹۳۶	پل موني	فرانك کاپرا
۱۹۳۷	سپنسر تراسی	لئونك کاری
۱۹۳۸	سپنسر تراسی	فرانك کاپرا
۱۹۳۹	روبرت دنات	ویکتور فلمینك
۱۹۴۰	جمس ستوارت	جان فورد
۱۹۴۱	گاری کوپر	جان فورد
۱۹۴۲	جمس گاکنی	ویلیام وایلر
۱۹۴۳	پل لوکاس	مایکل کرتیس
۱۹۴۴	بینك کروزبی	لئونك کاری
۱۹۴۵	ری میلاند	بیلی ویلدر

سال	بهترین هنرپیشه مرد	بهترین کارگردان
۱۹٤٦	فردریك مارچ	ویلیام وایلر
۱۹٤۷	رلاند کلمان	الیاکازان
۱۹٤۸	لاورنس اولیویه	جان هوستن
۱۹٤۹	برودریك کرافورد	جوزف ل.مانکویچ
۱۹۵۰	ژوزه‌فزر	جوزف.ل.مانکویچ
۱۹۵۱	همفری بوگات	جرج ستون
۱۹۵۲	گاری کرپر	جان فورد

بزرگترین تقویم سینمائی در ایران

نخستین و عالیترین تقویم سینمائی که در ایران انتشار یافته است

(تقویم سینما)

مزین به ۱۴ عکس از هنرپیشگان بزرگ و محبوب شما

عالیترین هدیه نوروز برای دوستداران سینما و عکسهای هنرپیشگان که بهترین زینت اطاق کار شما خواهد بود

منتشر شده است

هنوز نادیر نشده یکنسخه از آنرا ابتیاع فرمائید والا پشیمان خواهید شد

تقویم سال ۱۳۲۲ سینما در یک مجله ۱۶ صفحه‌ای با پشت جلد رنگی انتشار یافته است

از کتابفروشیهای عمده میتوانید ابتیاع فرمائید

برنامه نو روز سینما رکس
گنجهای جاوه



فیلم تمام رنگی باشتراک :

فردماکموری - وراراستون

آ-۱

تهران در انتظار است یك اثر عجیب و بیسابقه سینما

برنامه آینده رکس

فیلمی که تاکنون نظیرش را ندیده‌اید، داستان واقعی
و هیجان انگیز زندگی چنگیزخان

عملیات مخوف سلطان خونخوار مغول،
عشق و حادثه جوئی او و مجازاتها و
جنگهای عظیم زمان مغول
همه در یك فیلم دیدنی گرد آمده است

سرگذشت چنگیز خان

بزرگترین اثر سینمای فیلیپین که توسط کمپانی
یونایتد آرتیست تهیه شده

این فیلم بیننده را از شدت وحشت وهیجان بلرزه خواهد انداخت..
چنگیزخان حقیقی در روی پرده سینما

باشتراك :

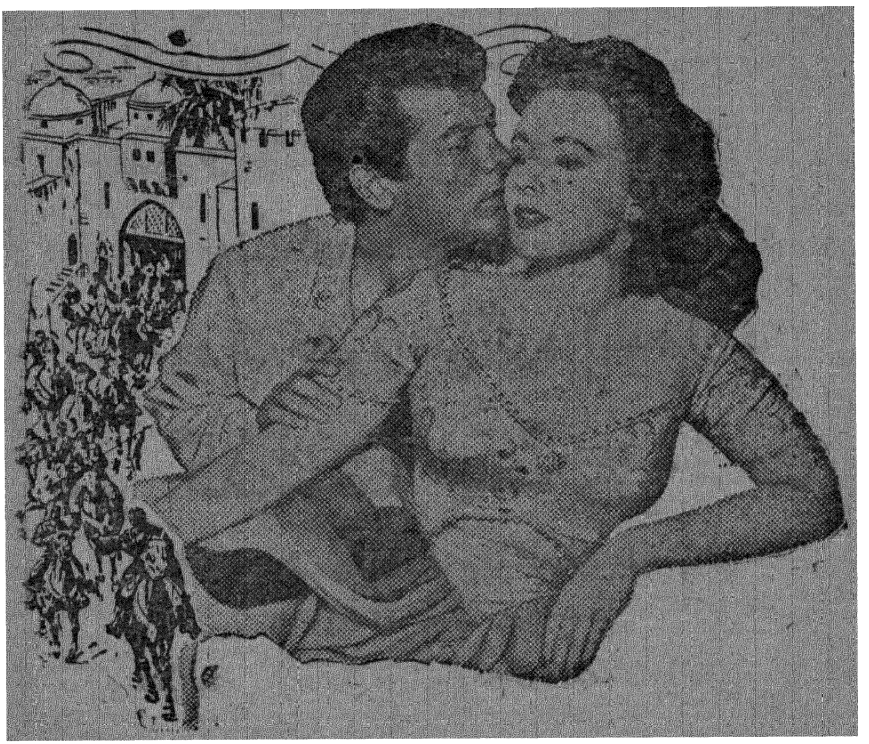
مانوئل کنده بزرگترین هنرپیشه فیلیپین

ناطق بزبانهای مغولی و انگلیسی آ-۳

هدیه نوروز سینما ایران و سینما البرز

فیلم تمام رنگی شرقی اقتباس از داستانهای هزار ویکشب

ـ پسر علی بابا ـ



باشتراك : تونی کورتیس و پاپیرلوری

که برای باردیگر پس‌از پایان فیلم پرنس ودزد باهم در یکفیلم شرکت میکنند

پسرعلی‌بابا ـ شاهکار کارخانه‌معظم یونیورسال فیلم آمریکاست

که برای نخستین بار بمعرض نمایش گذارده میشود

سینما ایران وسینما البرز پسر علی بابا ـ تمام رنگی وشرقی آ-۳

فیلمهای شاهکاری که درعرض فصل جدید
سینما در سینما ایران بمعرض نمایش
گذارده خواهد شد

فیلمی که جهان سینما تاکنون بعظمت و ابهت آن تاکنون بخود ندید

هوسهای آمپراطور (کووادیس)

تمام رنگی و تاریخی

شاهکار دیگر کارخانه معظم مترو گلدوین مایر آمریکا - تمام رنگی

کیم باشتراك : ارول فلین

بزرگترین فیلم قهرمانی و پرانتریك کارخانه معظم یونیورسال آمریکا

اتشپاره یاغی باشتراك ارول فلین و مورین اوهارا

و شاهکارهای دیگر کارخانه های معظم مترو - پارامونت - یونیورسال - هنرپیشگان متحد و فوکس قرن بیستم - سینما ایران بزرگترین و دیدنی ترین فیلمهای جهان را جمع نموده و یکی پس از دیگری نمایش خواهد داد ۴-آ

بزودی در سینما تهران بزودی

یک درام عشقی و قهرمانی که اثرات فراموش نشدنی در تماشاچیان باقی خواهد گذاشت



عشق و زهر

عالیترین محصول دراماتیک عشقی

باشتراک :

آمدئو نازاری - لوئیزا ماکسول

سینما تهران ازعلاقمندان فیلمهای ایتالیائی برای دیدن این شاهکار بی نظیر دعوت میکند .

آ - ه

سینما کریستال نمایش دهنده بهترین فیلمهای سال

فهرست مختصری از فیلمهای آینده خودرا معرفی مینماید ،
آگهی های این موسسه همیشه مورد علاقمندان سینما بوده وخواهد بود



فانفان لاتولیب **Fen pen la tulipe**

بزرگترین اثر هنری رنسانس صنعت سینمای فرانسه ، اثر کریستیان ژاك ، تهیه کننده فیلم معروف سینگوالا، باشتراك ژرارد فیلیپ، جینالولوبریجیدا

ملکه آفریقا African Queen

عالی ترین شاهکار هنری جهان - فیلم رنگی تهیه کننده جون هوستون - رژیسور اس . پی ایگـل باشتراك همفری بوگارت - کاترین هپبورن





مردمیدان Saturdoys Hero

یك درام عالی عشقی - محصول کمپانی معظم کلمبیا باشتراك جان درك دونارید .



بی بی پیك Queen of spades

بزرگترین اثرهنری صنعت‌سینمای انگلستان اقتباس از کتاب نویسنده مشهور روسی پوشکین باشتراك آنتونی‌والبروك ـ ادیت‌اونس



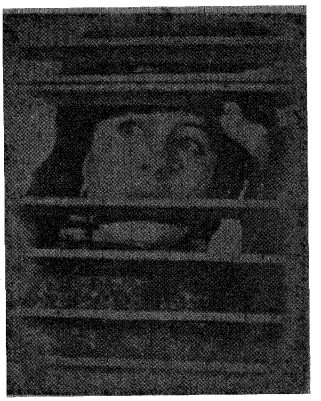
تیرانداز Snipen

عالی‌ترین شاهکار جنائی که تا کنون نظیر آن‌فیلمبرداری نشده‌است اثرستانی گرامر تهیه کننده معروف فیلم «پایان‌یك‌عمر» باشتراك: آرتورفرانز ماری‌ویندسور ـ آدولف‌مانژو



بیگانگان We-were strangers

قوی‌ترین‌درام اجتماعی‌نمونه‌ای ازاحساسات فداکارانه ملت کوبا ـ اثر جون‌هوستون تهیه کننده فیلم ملکه آفریقاباشتراك: جنیفرجونس- جون‌گارفیلد .پدرو آومنداریز



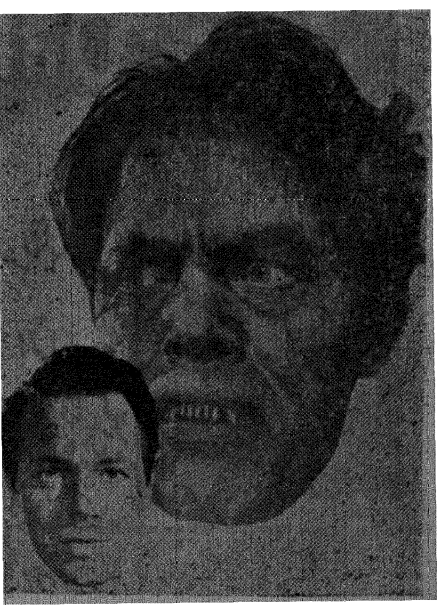
محمل زرین Golden Cooch

عالی ترین شاهکار هنری صنعت سینمای ایتالیا . فیلم رنگی ـ اثر ژان رنوار تهیه کننده معروف فیلم رودخانه باشتراك ـ آناماگ نی نی بزرگترین هنرپیشه فیلمهای درام ایتالیا



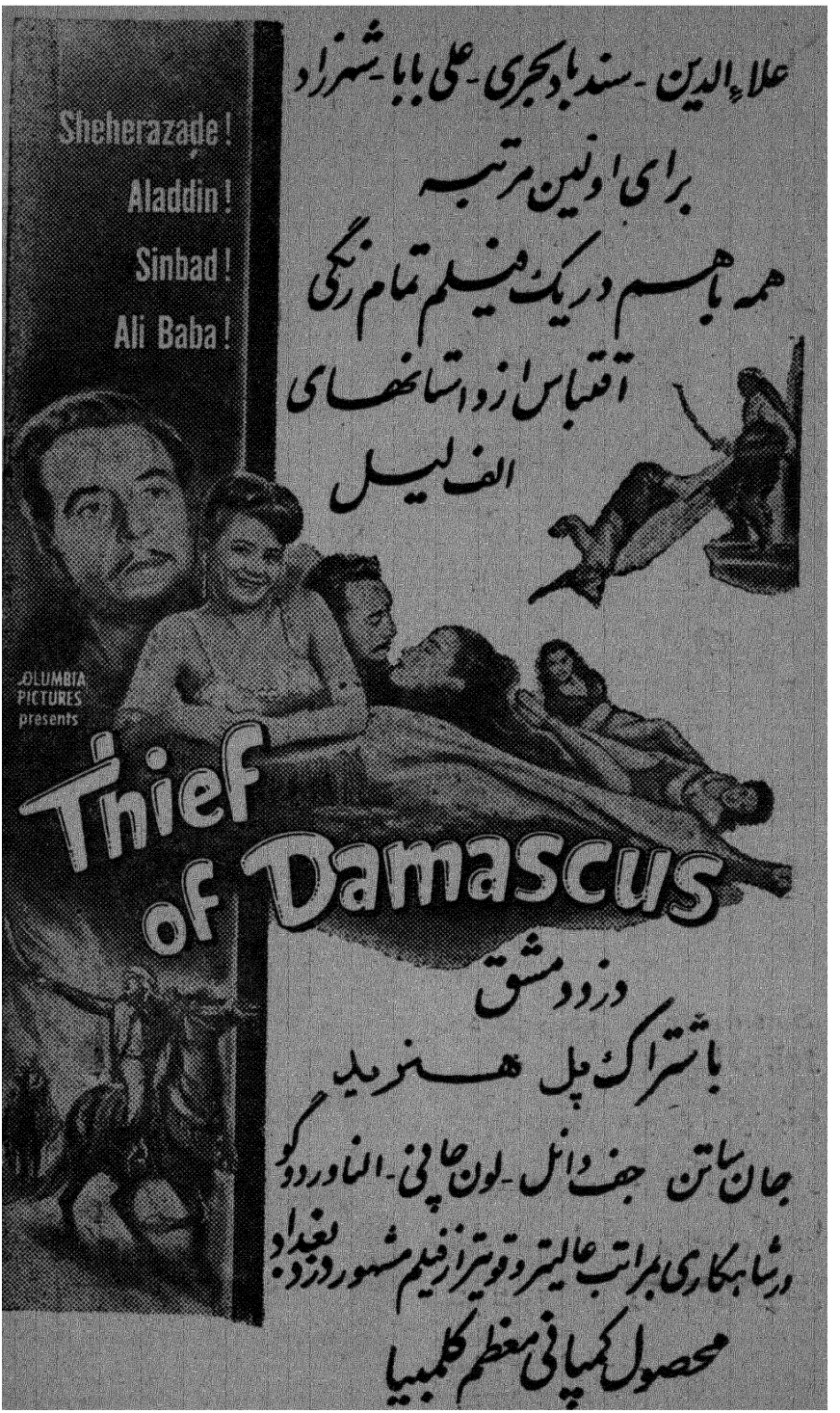
فتح کالیفرنیا California Conquest

عالی ترین شاهکار قهرمانی سال فیلم رنگی ـ محصول کمپانی معظم کلمبیا باشتراك کرنل وایلد ـ ترزارایت



پسر دکتر جکیل Son of dr Jekyll

یك شاهکار هیجان انگیز بقیه از کتاب معروف دکتر جکیل ومستر هاید ـ محصول کمپانی معظم کلمبیا باشتراك لوئی هیوارد جودی لاورنس ستاره فیلم ده مرد رشید


علاءالدین - سندباد بحری - علی بابا - شهرزاد
برای اولین مرتبه
همه با هم در یک فیلم تمام رنگی
اقتباس از داستانهای
الف لیل
Sheherazade!
Aladdin!
Sinbad!
Ali Baba!
COLUMBIA PICTURES presents
Thief of Damascus
در زد دمشق
با تراک پل هنرید
جان ساتن جف دانل - لون چانی - الناور دوگو
در شاهکاری بمراتب عالیتر و قویتر از فیلم مشهور در بغداد
محصول کمپانی معظم کلمبیا

برنامه عید نوروز

((سینما مایاک))

هدیه سال نو برای تماشاچیان محترم فیلم تاریخی
مشهور ناطق بزبان عربی بنام

((ابن شداد یا دلیر صحرا))



شجاعت‌های ابن‌شداد بین اعراب ضرب‌المثل است مثل رستم در تاریخ ایران
از تماشای این فیلم غفلت نفرمائید

آخری درج شدہ تاریخ پر یہ کتاب مستعار
لی گئی تھی مقررہ مدت سے زیادہ رکھنے کی
صورت میں ایک آنہ یومیہ دیرانہ لیا جائیگا۔

کتب خانہ

جامعہ عثمانیہ

۱۔ ارکین مجلس کی تعداد مجلس منتظمہ

۲۔ سالانہ چندہ عثمانیہ

۳۔ طلباء کے لئے

۴۔ مصنفین کے لئے

۵۔ ضوابط

۶۔ کتابوں کی قسم کا انتخاب

۷۔ کتابوں کی

۸۔ قلمی نسخے

۹۔